



سوالات آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۷

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

■ راهنمایی: در این بخش، دو متن به طور مجزا آمده است. هریک از متن‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ سؤال‌هایی را که در زیر آن آمده است، با توجه به آنچه می‌توان از متن استنتاج یا استنباط کرد، پیدا کنید و در پاسخنامه علامت بزنید.

متن (۱)

نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یکصدسال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی، نیروی کار ارزان مزیت اصلی اقتصادی بوده است. پس از آن، با ظهور و کاربرد گسترده ماشین‌آلات در صنعت، از ارزش نیروی کار ساده کاسته شد و نیاز به مواد اولیه افزایش یافت و به مزیت عمده اقتصادی بدل شد. بعد از آن با رشد و توسعه شبکه حمل‌ونقل و قابلیت جابه‌جایی مواد موردنیاز صنعت، از اهمیت مواد اولیه کاسته شد و عامل سرمایه اهمیت بیشتری پیدا کرد. برخلاف دو عامل جمعیت و منابع اولیه، سرمایه اقتدار خود را تا حدود سال‌های ۱۹۸۵ حفظ کرد تا اینکه به علت انباشت سرمایه و کاهش نرخ، به صورت عامل مزیت‌ساز درآمد. مفهوم مزیت نسبی که در تئوری اقتصادی قرون گذشته مطرح بود، کمرنگ شد و مفهوم مزیت رقابتی که اغلب برخاسته از عوامل انسانی بود، جایگزین آن گردید و فناوری به صنایع کمک می‌کرد که رقبا نسبت به یکدیگر، مزیت رقابتی بیشتری داشته باشند.

در عصر جدید، شاهد تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی کشورها هستیم. دلیل عمده این وضعیت، تغییرات سریع فناوری‌های نوین است که وضعیت اقتصاد سنتی را عوض کرده‌اند. [۱] دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عامل مهمی در شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان هستند. [۲] دولت‌ها مسئول افزایش کیفیت زندگی افراد جامعه از طرق مختلف، از جمله افزایش ثروت آنها از طریق رشد اقتصادی، ارتقای ظرفیت‌های فناوری و تولید، مشارکت بازار و دولت، توسعه سرمایه‌های انسانی و افزایش دائمی سطح مهارت‌ها، استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی، دانایی، تولید و تجارت بین‌المللی و از همه مهم‌تر، ایفای نقش دولت، نه به‌عنوان بازیگر اصلی، بلکه به‌عنوان پیونددهنده بخش‌های خصوصی داخلی و خارجی و تنظیم‌کننده روابط آنان و تلاش در ارتقای رقابت‌پذیری ملی با نگاه به بازارهای جهانی در نظر گرفته شده است.

براساس ماده یک قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، «شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان، شرکت یا مؤسسه خصوصی یا تعاونی است که به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی (شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری) و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه (شامل طراحی و تولید کالا و خدمات) در حوزه فناوری‌های برتر و با ارزش افزوده فراوان، به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوط تشکیل می‌شود». [۳]

تجاری‌سازی اصطلاحی است که تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. برخی آن را صرفاً استانداردسازی عملیات تولید برای ارائه و انتقال دانش فنی به سایرین دانسته‌اند. برخی تجاری‌سازی را انتقال دانش و فناوری از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگری به‌منظور به‌کارگیری آن در فرایند تولید محصول و یا یک روش انجام کار تعریف کرده‌اند. در ساده‌ترین تعریف، تجاری‌سازی به انتقال فناوری، بسیار نزدیک است، به‌عبارت دیگر فرایند تجاری‌سازی همان فرایند انتقال دانش و فناوری از مراکز تحقیقاتی به صنایع موجود یا کسب‌وکارهای جدید است. [۴]

۱- از متن چنین برمی‌آید که مفهوم مزیت اقتصادی، است.

- ۱) زمانی نزد اقتصاددانان اهمیت ویژه یافت که ماشین جایگزین نیروی کار انسانی شد.
- ۲) پیش از آغاز قرن بیستم میلادی، بیشتر بر مبنای مؤلفه‌ای مربوط به نیروی کار تعریف می‌شد.
- ۳) در یکصد سال گذشته، تحت تأثیر جریان سرمایه و نیروی کار بارها بازتعریف شده است.
- ۴) از سال ۱۹۸۵ به بعد، کارکرد سنتی خود را از دست داد و مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی، جایگزین آن شدند.

۲- نقش دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در کدام زمینه، در متن مورد بحث قرار گرفته است؟

- ۱) برقراری توازن بین مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی
- ۲) کیفیت بسته‌های حمایتی آنها از شرکت‌های دانش‌بنیان
- ۳) مدیریت صحیح تغییر و تحولات اقتصادی
- ۴) مبارزه با اقتصاد سنتی در مقیاس خرد و کلان

۳- کدام مورد، رابطه بین پاراگراف‌های سوم و چهارم متن را به خوبی توصیف می‌کند؟

- ۱) پاراگراف سوم، اهداف پدیده‌ای خاص را برمی‌شمرد و پاراگراف چهارم، یکی از راه‌های دستیابی به آن اهداف را معرفی می‌کند.
- ۲) پاراگراف سوم، تعریفی را مطرح می‌کند و پاراگراف چهارم، درباره یکی از اجزای آن، بیشتر توضیح می‌دهد.
- ۳) پاراگراف سوم، تعریفی از واحدهای دانش‌بنیان ارائه می‌دهد و پاراگراف چهارم، دلایلی ارائه می‌دهد مبنی بر مرتبط بودن این تعریف با مفهومی خاص.
- ۴) پاراگراف سوم، موضوع تشکیل مؤسسات دانش‌بنیان را از منظر حقوقی مورد بررسی قرار می‌دهد و پاراگراف چهارم، آن را از دیدگاه تجاری بررسی می‌کند.



- کج ۴- جمله زیر، در کدام یک از بخش‌های متن که با شماره‌های [۱]، [۲]، [۳] و [۴] مشخص شده‌اند، قرار می‌گیرد؟
«در این دوره، اقتصادهایی که بتوانند با علم و دانش، فضای خلاقانه و نوآورانه را در جامعه خود گسترش دهند، توفیق بیشتری خواهند داشت.»
- (۱) [۴] (۲) [۳] (۳) [۲] (۴) [۱]

متن (۲)

فوکو در آخرین اثر دیرینه‌شناسانه خود، یعنی «دیرینه‌شناسی دانش» که در واقع، مهم‌ترین اثر این دوره اوست و نوعی نظم و نسق بخشیدن به مطالعات روش‌شناسانه‌اش است، توصیفی کامل از دیرینه‌شناسی به‌مثابه روش تاریخی ارائه می‌دهد. فوکو در این اثر از واژه‌ها و اصطلاحات تازه‌ای سود جسته است و مفاهیمی سخت و پیچیده دارد و برخلاف کتاب‌های پیشین او، به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است. کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با اقبالی نظیر کتاب «نظم اشیا» روبه‌رو نشد، اما موجب شد استادان سنتی دانشگاه‌های فرانسه با اندیشه‌های فوکو، جدی برخورد کنند.

کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» با مقدمه‌ای آغاز می‌شود که هدف آن تعیین جایگاه تاریخی روش دیرینه‌شناسی در حوزه‌های علوم رسمی است. فوکو در مقدمه این کتاب، در ابتدا می‌پذیرد که از جهات متعددی، نظیر مسائلی که مطرح می‌کند، ابزارهایی که استفاده می‌کند، مفاهیمی که از درون آن سر برمی‌آورد و نتایجی که کسب می‌کند، کلاً با آنچه تحلیل ساختاری نامیده می‌شود، بیگانه نیست. اما می‌گوید هدف من انتقال روش تحلیل ساختاری به حوزه تاریخ و به‌طور اختصاصی تاریخ دانش نیست. این کتاب با مقایسه دو روش کاملاً متفاوت در نگاشتن تاریخ تفکر آغاز می‌شود. روش اول، در تحلیل‌هایی تجسم می‌یابد که حاکمیت سوژه و شمایل دوقلوی انسان‌شناسی و اومانیزم را حفظ می‌کند، بدین ترتیب، تاریخ تفکر به سان استمرار پیوسته و بی‌گسستی تصور می‌شود که محصول آگاهی انسانی خودمختار است. روش دیگری که فوکو هم طرفدار آن است، سوژه خودمختار را از مرکز صحنه خارج می‌کند و بر تحلیل قواعد شکل‌گیری تأکید می‌کند، قواعدی که به‌واسطه آن‌ها، گروهی از گزاره‌ها در حکم علم، نظریه، یا یک متن، وحدت می‌یابند. تاریخ تفکر به اتکای این نوع تحلیل، در زیر لوای پیوستگی‌ها و استمرارهایی که متکی به فرض سوژه خودمختار هستند، پرده از روی گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.

در واقع، در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد. فوکو در این کتاب می‌کوشد نظیر لوی اشتراوس در مردم‌شناسی یا لاکان در روان‌شناسی، روشی تاریخی عرضه کند که در آن، انسان نقش کلیدی در تحلیل ندارد. دیرینه‌شناسی دانش متنی است که در پی تقریر توصیف‌هایی درباره حوزه یا حیطه فراموش‌شده‌ای است که روابط میان گزاره‌هاست. اولین پرسش فوکو درباره این حیطه، به معیارهای وحدت هر گروه از گزاره‌ها مربوط می‌شود که به نظر وی، ممکن است این وحدت به سبب این موارد باشد: ارجاع به موضوع مشترک تحلیل، وجود شیوه‌های ارجاع معینی یا شیوه بیان، به‌کار بستن نظام مفاهیم ثابت و منسجم، همسانی و پایداری مضمون نظری. فوکو پس از ترسیم خطوط کلی و روشی برای تعیین وجود یا نبود وحدت در گروهی از گزاره‌ها، به پرسش دوم می‌رسد که با توضیح و روشن ساختن مفاهیم و روابط کلیدی، خصوصاً مسائل مربوط به تعریف گزاره و روابط بین گزاره، گفتمان و مفهوم کردارهای گفتمانی سروکار دارد.

کج ۵- متن به کدام مورد، در ارتباط با کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو پرداخته است؟

- (۱) ویژگی‌های محتوایی منحصربه‌فرد آن
(۲) تفکیک ساختاری و محتوایی فصول آن
(۳) رویکرد تجربی آن به موضوع دیرینه‌شناسی
(۴) برتری‌ها و کاستی‌های آن، در مقایسه با آثار دیگر فوکو

کج ۶- براساس متن، کدام مورد در خصوص کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» فوکو، صحیح است؟

- (I) به تحریر درآوردن تاریخ تفکر براساس سبکی خاص را نفی می‌کند.
(II) از تلفیق دیرینه‌شناسی و تحلیل ساختاری در آن، خبری نیست.
(III) از شواهد و مستندات تاریخی، جهت پاره‌ای مفهوم‌سازی‌ها استفاده می‌کند.
- (۱) I و III (۲) I و II (۳) فقط II (۴) فقط I

کج ۷- از متن می‌توان نتیجه گرفت در روش تاریخی که فوکو در کتاب «دیرینه‌شناسی دانش» ارائه می‌دهد،

- (۱) واکنشی مستقیم به کاستی‌های تاریخ‌نگاری سنتی است.
(۲) گزاره‌ها در ارتباط با هم قابل تعریف و دارای کارکرد هستند.
(۳) تأثیر حوزه‌های دیگر علوم، کاملاً ملموس است.
(۴) بر محوریت عامل غیرانسانی در تحلیل، تأکید می‌شود.

کج ۸- در کدام جمله از متن، نویسنده آنچه را که قبلاً در متن آمده، روشن‌تر بیان کرده و به‌نوعی از آن، نتیجه‌گیری می‌کند؟

- (۱) جمله آخر پاراگراف دوم (تاریخ تفکر به اتکای ... جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد).
(۲) جمله دوم پاراگراف سوم (فوکو در این کتاب ... نقش کلیدی در تحلیل ندارد).
(۳) جمله سوم پاراگراف سوم (دیرینه‌شناسی دانش ... میان گزاره‌هاست).
(۴) جمله پنجم پاراگراف دوم (روش اول ... انسانی خودمختار است).

پاسخنامه آزمون گروه علوم انسانی دکتری ۹۷

استعداد تحصیلی

بخش اول: درک مطلب

پاسخ سؤالات متن (۱)

۱- گزینه ۲: در متن بیان شده است که «نگاهی به سیر شکل‌گیری عوامل مزیت‌ساز جوامع در یک‌صدسال گذشته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۰۰ میلادی، نیروی کار ارزان مزیت اصلی اقتصادی بوده است». می‌توان از این جمله برداشت کرد که پس از آغاز قرن بیستم میلادی، مفهوم مزیت اقتصادی بیشتر بر مبنای مؤلفه‌ی هزینه نیروی کار (در واقع ارزان بودن نیروی کار) تعریف می‌شد.

بررسی گزینه ۱: در مورد اینکه چه زمانی مفهوم مزیت اقتصادی اهمیت «ویژه‌ای» یافت در متن بحث نشده است. با توجه به ابتدای پاراگراف اول، اینطور برمی‌آید که از ابتدا این مفهوم اهمیت داشته است.

بررسی گزینه ۳: در یک‌صدسال گذشته مفهوم مزیت اقتصادی، تحت تأثیر ظهور و کاربرد گسترده ماشین‌آلات، رشد و توسعه شبکه حمل و نقل باز تعریف شده است. توجه کنید که موضوع کاهش ارزش نیروی کار و اهمیت یافتن عامل سرمایه‌بدنبال موارد ذکر شده آمده‌اند و ریشه باز تعریف این مفهوم نمی‌باشند.

بررسی گزینه ۴: با توجه به متن، از سال ۱۹۸۵ به بعد، مفاهیم مزیت نسبی و مزیت رقابتی جایگزین کارکرد سنتی و مزیت اقتصادی نشد، بلکه مزیت رقابتی جایگزین مزیت نسبی شد.

۲- گزینه ۳: پاراگراف سوم متن، «در عصر جدید شاهد تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی کشورها هستیم. دلیل عمده این وضعیت، تغییرات سریع فناوری‌های نوین است که وضعیت اقتصاد سنتی را عوض کرده‌اند. دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند. ایفای نقش دولت، نه به‌عنوان بازیگر اصلی، بلکه به‌عنوان پیونددهنده بخش‌های خصوصی داخل و خارج و تنظیم‌کننده روابط آن‌ها و تلاش در ارتقاء رقابت‌پذیری ملی با نگاه به بازارهای جهانی در نظر گرفته شده است.» می‌توانیم دریابیم که نقش دولت و سازمان‌های پیشرو مدیریت صحیح تغییر و تحولات اقتصادی برای ماندن در فضای رقابتی کشورها است. بنابراین دولت و سازمان‌های پیشرو تلاش می‌کنند تا از طریق بهبود شرایط زندگی افراد جامعه و بهبود شرایط اقتصادی با این تغییرات حرکت کرده و رقابت‌پذیری خود را ارتقاء دهد.

دلایل رد سایر گزینه‌ها: در متن در مورد سایر گزینه‌های مطرح شده، بحث نشده است و این موارد نقش اصلی دولت و سازمان‌های پیشرو نمی‌باشند.

۳- گزینه ۲: پاراگراف سوم شرکت‌های دانش‌بنیان را به‌طور کامل تعریف می‌کند و دلایل شکل‌گیری این شرکت‌ها را بیان می‌کند که شامل موارد زیر است: هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه اقتصاد دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه. در پاراگراف چهارم، تجاری‌سازی به‌طور کامل از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده است. بنابراین پاراگراف چهارم در مورد یکی از اجزای شرکت‌های دانش‌بنیان توضیح بیشتری ارائه می‌کند.

بررسی گزینه ۱: می‌توان بیان کرد که پاراگراف سوم اهداف شرکت‌های دانش‌بنیان را برمی‌شمارد؛ اما نمی‌توان گفت که در پاراگراف بعدی راه‌های دستیابی به آن اهداف معرفی شده است، چراکه صرفاً تجاری‌سازی تعریف شده است.

بررسی گزینه ۳: پاراگراف چهارم دلیلی ارائه نمی‌کند تا موضوع خاصی را اثبات کند؛ این پاراگراف یک موضوع را صرفاً تعریف می‌کند و در مورد آن توضیح می‌دهد.

بررسی گزینه ۴: پاراگراف سوم تشکیل مؤسسات دانش‌بنیان را به هیچ وجه از منظر حقوقی بررسی نکرده است.

۴- گزینه ۴: با توجه به متن، مشخص است که این جمله یا در محل (۱) قرار می‌گیرد، یا در محل (۲). با توجه به اینکه در ابتدای پاراگراف دوم در مورد عصر جدید که تغییرات قابل توجهی در موقعیت اقتصادی رخ داده است، صحبت می‌کند؛ در ادامه بیان می‌کند که «دولت‌ها و سازمان‌های پیشرو، در این زمینه، نقش اساسی ایفا می‌کنند و عامل مهمی در شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان هستند». با توجه به دو واژه «این زمینه» و «دانش‌بنیان» می‌توانیم نتیجه بگیریم که این جمله پس از جمله مورد نظر آمده است: «در این دوره، اقتصادهایی که بتوانند با علم و دانش، فضای خلاقانه و نوآورانه را در جامعه خود گسترش دهند (که منظور از آن اقتصاد دانش‌بنیان است)، توفیق بیشتری خواهند داشت. منظور از این زمینه در واقع همان شکل‌دهی اقتصاد دانش‌بنیان است.

پاسخ سؤالات متن (۲)

۵- گزینه ۱: در متن بیان شده است که: «فوکو در این اثر از واژه‌ها و اصطلاحات تازه‌ای سود جست است و مفاهیمی سخت و پیچیده دارد و برخلاف کتاب‌های پیشین او به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است». همچنین در مورد ابزارهایی که استفاده کرده است صحبت می‌کند و بیان می‌کند که از چه روش‌هایی در نگاشتن تاریخ تفکر در مقدمه کتاب استفاده کرده است و چگونه می‌خواهد این مفهوم را توضیح دهد (مفهوم دیرینه‌شناسی دانش و تاریخ تفکر). بنابراین، متن به ویژگی‌های محتوایی منحصر به فرد این کتاب پرداخته است.

بررسی گزینه ۲: در متن بیان شده است که فوکو تمایل ندارد که «تحلیل ساختاری» را به حوزه تاریخ و دانش تاریخ انتقال دهد. در مورد «تفکیک ساختاری» در متن صحبت نشده است. به‌علاوه، متن در مورد ویژگی‌های کلی کتاب صحبت کرده است، در مورد فصول کتاب به صورت مجزا، بحثی نکرده است.

بررسی گزینه ۳: این گزینه کاملاً بی‌ربط با متن است.

بررسی گزینه ۴: در قسمتی از پاراگراف اول، بیان شده است که «دیرینه‌شناسی دانش» با اقبالی نظیر کتاب، نظم اشیاء روبه‌رو نشد. سایر جملات متن در مورد مقایسه آثار فوکو به هیچ وجه بحث نمی‌کند. در واقع موضوع اصلی متن مقایسه آثار فوکو نیست.



۶- گزینه ۳: در متن بیان شده است که «فوکو در مقدمه این کتاب می‌پذیرد که از جهات متعددی، نظیر مسائل که مطرح می‌کند، ابزارهایی که استفاده می‌کند، مفاهیمی که از درون آن سر بر می‌آورد و نتایجی که کسب می‌کند، در کل با آنچه تحلیل ساختاری نامیده می‌شود، بیگانه نیست، اما می‌گوید هدف من انتقال روش تحلیل ساختاری به حوزه تاریخ و به‌طور اختصاصی تاریخ دانش نیست». بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که فوکو قصد ندارد دیرینه‌شناسی و تحلیل ساختاری را با یکدیگر تلفیق کند؛ اگر چه ممکن است اثری از تحلیل ساختاری در کتاب پیدا شود.

رد گزاره (I): با توجه به متن تنها سبکی که احتمال نفی کردن آن توسط فوکو می‌توانست وجود داشته باشد، تحلیل ساختاری بود؛ که نویسنده بیان کرده است که کتاب او از جهات متعددی بیگانه با تحلیل ساختاری نیست. بنابراین، این سبک را در اثر خود نفی نکرده است.

رد گزاره (II): در متن بیان شده است که «فوکو برخلاف کتاب‌های پیشین خود، به هیچ روی، از مصادیق و روایات تاریخی برای روشن ساختن مفاهیم بهره نگرفته است». بنابراین، این گزاره صحیح نیست.

۷- گزینه ۴: با توجه به پاراگراف آخر، «در واقع؛ در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد. فوکو در این کتاب می‌کوشد نظیر لوی اشتراوس در مردم‌شناسی یا لاکان در روان‌شناسی، روش تاریخی عرضه کند که در آن، انسان نقش کلیدی در تحلیل ندارد» و بیان می‌کند که «دیرینه‌شناسی دانش فنی است که در پی تفریر توصیف‌هایی درباره حوزه یا حیطه فراموش شده‌ای است که روابط میان گزاره‌ها است.» می‌توان نتیجه گرفت که در کتاب فوکو، بر محوریت عامل غیرانسانی در تحلیل تأکید می‌شود.

بررسی گزینه (۱): در متن بیان شده است که «در واقع، در این کتاب، روشی خاص در تاریخ عرضه شده است که در مقابل روش تاریخی سنتی قرار می‌گیرد». با توجه به سایر جملات پاراگراف سوم می‌توان گفت که هدف فوکو لزوماً واکنش مستقیم به کاستی‌های تاریخ‌نگاری سنتی نیست.

بررسی گزینه (۲): در متن بیان می‌شود که فوکو به دنبال یافتن این است که آیا گزاره‌ها در کنار یکدیگر قابل تعریف و کارکرد هستند یا نه. او هنوز به این سؤال پاسخ نداده است.

بررسی گزینه (۳): در متن، در مورد تأثیر سایر علوم بر روش دیرینه‌شناسی تاریخ توسط فوکو بحث نشده است. صرفاً شباهت روش فوکو و لوی اشتراوس و لاکان در این نوع تحلیل بیان شده است. در واقع به خود تحلیل پرداخته نشده است.

۸- گزینه ۱: در پاراگراف دوم بیان شده است که «دو روش کاملاً متفاوت در نگاه کردن تاریخ تفکر آغاز می‌شود. روش اول، در تحلیل‌هایی تجسم می‌یابد که حاکمیت سوژه و شمایل دو قلوب انسان‌شناسی و اومانیزم را حفظ می‌کند. بدین ترتیب، تاریخ تفکر به‌سان استمرار پیوسته و بی‌گسستی تصور می‌شود که محصول آگاهی انسانی خودمختار است. روش دیگری که فوکو هم طرفدار آن است، سوژه خودمختار را از مرکز صحنه خارج می‌کند و بر تحلیل قواعد شکل‌گیری تأکید می‌کند، قواعدی که به واسطه آن‌ها گروهی از گزاره‌ها در حکم علم، نظریه، با یک متن، وحدت می‌یابند» سپس در جمله آخر این پاراگراف بیان می‌شود که به اتکای این نوع تحلیل، پرده از گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها برمی‌دارد.

این جمله از متن در واقع توضیح بیشتری در مورد تحلیل به شیوه روش دوم در مقدمه کتاب، ارائه می‌کند. با توجه به اینکه این تحلیل از گسستگی‌ها، جابه‌جایی‌ها و دگرگونی‌ها پرده برمی‌دارد، می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده به این روش تمایل بیشتری داشته و احتمالاً در کتاب خود از آن بهره جسته است.

بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه ۲: در سؤال مصرف روزانه مکمل‌های امگا ۳، دلیل پیشرفت در مهارت خواندن کودکان عنوان شده است. برای تضعیف این استدلال باید دنبال این باشیم که این دلیل را تضعیف کرده و یا بگوییم دلیل دیگری هم وجود داشته است. گزینه (۲) به خوبی این کار را کرده است و «هم‌خوانی روزانه والدین کودکان» را به‌عنوان یک دلیل ذکر کرده است و اساساً با این حساب معلوم نیست که واقعاً مکمل‌های امگا ۳ تأثیرگذاری زیادی داشته‌اند یا تقریباً تأثیر نداشته‌اند! گزینه‌های دیگر کاملاً نامربوط به خواسته‌ی سؤال هستند.

۱۰- گزینه ۴: در سؤال سعی شده ثابت شود که قدرت یادگیری مغز انسان با بالا رفتن سن از بین نمی‌رود و بزرگسالان می‌توانند موضوعات جدید را یاد بگیرند (دقیقاً سطرهای ابتدایی متن را ملاحظه کنید). در پایان متن هم دوباره نتیجه‌گیری کرده و اشاره دارد که امروزه همگی معتقدند که مغز انسان ظرفیت و انعطاف‌پذیری خود را تا پایان عمر حفظ می‌کنند. ما دنبال گزینه‌ای هستیم که این استدلال را تقویت و تأیید کند. گزینه (۴) به خوبی این کار را کرده است. گزینه (۱) تا حدودی در راستای تضعیف است. گزینه (۲) هم متن را تقویت نمی‌کند و گزینه (۳) هم کاملاً بی‌ربط با خواسته سؤال است.

۱۱- گزینه ۴: در متن اشاره شده که این افراد به علت دقت زیاد و نگرانی شدید از اشتباه کردن بسیار کند هستند، دائماً دوباره کاری می‌کنند تا خیالشان راحت شود و دچار خستگی و افت اعتمادبه‌نفس هستند و به همه این دلایل در پایان نتیجه‌گیری شده که از دست دادن موقعیت‌های مناسب در زندگی از جمله عوارض کمال‌گرایی است. با این توصیف از متن، بهترین گزینه، گزینه (۴) است.

گزینه‌های (۱) و (۲) را نمی‌توان از متن استنباط نمود. آنچه در گزینه (۳) آمده به‌صورت جزئی در متن به‌عنوان نشانه‌های کمال‌گرایی آمده است (هر چند صریح هم اشاره نشده است)، اما در سؤالاتی که طراح در صورت سؤال دنبال گزینه بهتر است باید حواستان جمع باشد. گزینه (۴) با توجه به متن، توصیف کامل تر و منطقی‌تری از یک کمال‌گراست.

۱۲- گزینه ۳: این نوع سؤالات که بعضاً ممکن است سلیقه‌ای هم باشد، باید با احتیاط بیشتری پاسخ داده شوند. از لحاظ منطقی گزینه (۳) نسبت به سایر گزینه‌ها معقول‌تر به نظر می‌رسد. کلید سازمان‌سنجش هم همین گزینه بوده است. شوخی کردن و کنجکاوی می‌تواند گزینه (۳) را نسبت به سایر گزینه‌ها جدی‌تر کند. در واقع باید دو کلمه‌ی شوخی کردن و کنجکاوی کردن را در پایان متن جدی بگیریم تا بتوانیم بهترین گزینه را انتخاب کنیم. مثلاً از روی کنجکاوی و یا شوخی، تعجب کردن بی‌معنی است!! با وجود این، نظرم این است سؤال خوبی برای طرح در آزمون دکتری نیست!

PART A: Grammar

Directions: Select the answer choice (1), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then, mark the correct choice on your answer sheet.

31- When for the finest, freshest ingredients, always purchase organic meats, vegetables, and condiments when possible.

- 1) to shop 2) it is shopped 3) are shopping 4) shopping

32- Knowing that we have left the world it is the essence of self-worth and real happiness.

- 1) is a little better than you found in 2) a little better than we found
3) you found in a little better than 4) where you find a little better than

33- The longest hiccup on record was by an American farmer persisted from 1922 to 1987.

- 1) whose hiccup 2) that his hiccup 3) with hiccup 4) who hiccupped

34- Everyone has his or her own mode, one wants to meditate in order to be dynamic and transformed in the Divine Force one needs to be diligent and sincere.

- 1) although 2) however when 3) but if 4) despite the fact

35- Research in the field of linguistics has shown that the higher up the social or management ladder a person is, to communicate in words and phrases.

- 1) better able he is 2) the better able he is 3) he is better able 4) he has better ability

36- Those kinds of dreams,, are the most potent source of motivation I know.

- 1) with purposeful energy to fill their minds
2) those with purposeful energy fill their minds
3) the dreams that fill their minds with purposeful energy
4) that are the dreams to fill their minds with purposeful energy

37- Suppose, for example, that an internal report of a large company becomes public, and it states that the average employee arrives late for work

- 1) 5.3 percents of times 2) with 5.3 percentage of time
3) 5.3 percent of the time 4) for 5.3 percentage of time

38- Children don't need to have a lot of money spent on them. What they do need is priceless: your time, patience,

- 1) to have comfort and to be loved 2) have comfort and love
3) comfort and to be loved 4) comfort and love

PART B: Vocabulary

Directions: Select the answer choice (1), (2), (3), or (4) that best completes the blank. Then, mark the correct choice on your answer sheet.

39- When I offered my witty friend a piece of bubble gum, he shook his head and said, "Bubble gum is something I, not chew".

- 1) eschew 2) spew 3) skew 4) withdrew

40- Although she had received an invitation, Patty was unable to attend the of the new governor.

- 1) appointment 2) inauguration 3) ritual 4) registration

41- Trying to generalize about postmodern literature is not only difficult but also foolish because this work many different styles and elements.

- 1) inspires 2) deserves 3) foretells 4) encompasses

بخش اول: دستور زبان

در سؤالات زیر، از بین گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) پاسخی را انتخاب کنید که به بهترین نحو جای خالی را پر کند. آنگاه پاسخ‌تان را روی پاسخنامه علامت بزنید.

۳۱- گزینه «۴» هنگام خرید محصولات خوب و تازه، همیشه به دنبال خرید گوشت، سبزی و ادویه‌جات طبیعی باشید. توضیح گرامری: اول جمله از when استفاده شده است، یعنی ما یک گزاره قیدی داریم. گزاره قیدی نوعی گزاره وابسته است که باید به یک گزاره مستقل بچسبد. ضمناً گزاره مستقل و گزاره وابسته باید فعل و فاعل خودشان را داشته باشند. درست می‌گوییم؟ پس بیایید هر گزاره را جداگانه بررسی کنیم. با گزاره مستقل شروع می‌کنیم. فعل این گزاره purchase و فاعل آن هم you است، اما چون جمله حالت امری دارد فاعل you حذف شده است. پس گزاره مستقل ما کامل است. حالا نوبت گزاره وابسته است. دوباره باید فاعل و فعل داشته باشیم. خب فعل ما shop است؛ اما گزینه‌های (۱) و (۳) فاعل ندارند؛ پس هر دو حذف می‌شوند. گزینه (۲) هم حذف می‌شود، چون فاعل اینجا باید you باشد نه it. بنابراین فقط گزینه (۴) صحیح است؛ اما چرا این گزینه صحیح است با اینکه فاعل ندارد؟ چون داریم:

When you shop for the finest,....., always purchase organic meats, vegetables, ...

خب حالا چون فاعل هر دو گزاره ما یکی است؛ یعنی چون فاعل هر دو you است، فاعل مشترک را از گزاره وابسته حذف می‌کنیم و به فعل جمله ing می‌دهیم؛ یعنی به صورت زیر:

When shopping for the finest,....., always purchase organic meats, vegetables, ...

۳۲- گزینه «۲» اینکه بدانیم جهانی که الان در اختیار ماست بهتر از زمان کشف آن بوده است، اساس و جوهر خودارزشی و خوشبختی واقعی است. توضیح گرامری: با توجه به مفهوم جمله گزینه (۲) بهترین جواب است.

۳۳- گزینه «۱» طولانی‌ترین سسکه تاریخ به یک کشاورز آمریکایی برمی‌گردد که سسکه وی از ۱۹۲۲ تا ۱۹۸۷ ادامه یافت.

توضیح گرامری: خب اگر به گزینه‌ها نگاه کنیم و معنی جمله را بدانیم، می‌بینیم با ضمائر موصولی و گزاره وصفی سروکار داریم. در این تست، مرجع جمله American farmer است و بعد جای خالی هم که فعل آمده؛ پس گزینه (۴) حذف شده چون فعل hiccupped اضافه است. گزینه (۳) هم حذف می‌شود چون باید persist را به صورت persisting به کار ببریم. فقط گزینه (۱) صحیح است که در اینجا whose ضمیر موصولی است که قبل و بعد از آن باید اسم بیاید.

۳۴- گزینه «۳» هر کس سبک مختص خودش را دارد اما اگر شخصی می‌خواهد پرتکاپو باشد و نیروی الهی داشته باشد، باید سخت‌کوش و صادق باشد. توضیح گرامری: گزینه‌ها را ببینید. حروف ربط وابسته‌ساز داریم. در تست‌های این مدلی باید جمله را ترجمه کنیم، چون ترجمه در چنین مواردی بهترین تکنیک است. با توجه به معنی جمله but if بهترین گزینه است.

۳۵- گزینه «۲» تحقیق در زمینه زبان‌شناسی نشان داده است که هرچه شأن اجتماعی و مدیریتی یک فرد بالاتر باشد، بهتر می‌تواند واژه‌ها و عبارات را بیان کند. توضیح گرامری: از الگوی زیر در این تست استفاده شده است:

the + صفت تفضیلی + ... , the higher up , the better able he is

۳۶- گزینه «۳» این نوع رویاها، یعنی رویاهایی که به ذهن آنها انرژی می‌دهند، مهم‌ترین منشأ انگیزشی هستند که من می‌شناسم. توضیح گرامری: اول از همه اینکه that بعد از کما کاربرد ندارد؛ پس گزینه (۴) نادرست است. حالا باید گزاره مستقل این جمله را پیدا کنیم. همانطور که در متن درس هم گفتیم هر جمله باید یک گزاره مستقل و به عبارت ساده‌تر یک فعل داشته باشد، پس باید ببینیم گزاره مستقل ما فعل دارد یا نه. می‌بینید که فعل دارد و فعل آن هم are است. پس گزینه (۲) هم نادرست است چون fill نادرست است؛ اگر طراح می‌گفت that fill، آن وقت می‌توانستیم این گزینه را بررسی کنیم ولی اینجا چنین چیزی نگفته است. گزینه (۱) هم که بی‌معنی است. پس فقط گزینه (۳) جواب صحیح است.

۳۷- گزینه «۳» مثلاً فرض کنید که گزارشی از یک شرکت بزرگ علنی می‌شود و می‌گوید که کارمندان ۵/۳ درصد اوقات دیر سر کار می‌رسند. توضیح گرامری: اول از همه اینکه بعد از عدد، percent استفاده می‌کنیم نه percentage. پس گزینه‌های (۲) و (۴) اشتباه هستند. ضمناً بعد از عدد حالا هر عددی که باشد، percent به کار می‌رود نه percents.

۳۸- گزینه «۴» نیازی نیست پول زیادی صرف بچه‌ها شود. چیزی که آنها به آن نیاز دارند قیمت چندانی ندارد و شامل وقت، صبوری، آرامش و عشق و محبت می‌باشد.

توضیح گرامری: یک توالی داریم؛ پس اولین کاری که باید انجام دهیم این است که اجزا و عناصر توالی جمله ما، موازی باشند. دو عنصر اول توالی، اسم هستند؛ پس باید بقیه اجزا و عناصر توالی هم اسم باشند:

..... your time, patience, comfort and love.

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following two passages and select the choice (1), (2), (3), or (4) that best answers each question. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1:

As researchers on aging noted in a position statement this past May, no treatment on the market today has been proved to slow human aging – the buildup of molecular and cellular damage that increases vulnerability to infirmity as we grow older. But one intervention, consumption of a low – caloric yet nutritionally balanced diet, works incredibly well in a broad range of animals, increasing longevity and prolonging good health. Those findings suggest that caloric restriction could delay aging in humans, too.

Unfortunately, for maximum benefit, people would probably have to reduce their caloric intake by roughly 30 percent, equivalent to dropping from 2,500 calories a day to 1,750. Few mortals could stick to that harsh a regimen, especially for years on end. But what if someone could create a pill that mimicked the physiological effects of eating less without actually forcing people to go hungry? Could such a caloric- restriction mimetic, as we call it, enable people to stay healthy longer, postponing age – related disorders (such as diabetes, atherosclerosis, heart diseases and cancer) until very late in life?

We first posed this question in the mid- 1990s, after we came upon a chemical agent that, in rodents, seemed to reproduce many of caloric restriction’s benefits. Since then, we and others have been searching for a compound that would safely achieve the same feat in people. We have not succeeded yet, but our failures have been informative and have fanned hope that caloric restriction, or CR, mimetics can indeed be developed eventually.


 **51-Which of the following best describes the organization of the passage?**

- 1) A problem is posed and a solution is offered.
- 2) Two opposing points of view are presented and evaluated.
- 3) The results of recent research are introduced and summarized.
- 4) A hypothesis is advanced, and two answers are provided and then challenged.

 **52-What is the purpose of the inclusion of the following statement in paragraph 1?**

“the buildup of molecular and cellular damage that increases vulnerability to infirmity as we grow older.”

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------------|
| 1) Making an appeal to authority | 2) Disputing a commonly held view |
| 3) Confirmation of a claim | 4) Definition of a term |

 **53-Which of the following best describes the author’s attitude to the possibility of humans being able to live on a diet of 1,750 calories a day on a permanent basis?**

- | | |
|-------------------------|--------------------------------|
| 1) Limited denial | 2) Highly skeptical |
| 3) Tentative acceptance | 4) Enthusiastic and supportive |

 **54-Which of the following is TRUE about CR mimetic, according to the passage?**

- 1) It would make ever-lasting youth possible.
- 2) It would enable people to eat a lot without becoming obese.
- 3) It may come into existence for human use some time in the future.
- 4) It has yet to be endorsed by the medical community for use by humans.

 **55-The word “feat” in paragraph 3 could best be replaced by which of the words or phrases in the same paragraph?**

- | | |
|-----------------------------------|-------------|
| 1) caloric restriction’s benefits | 2) compound |
| 3) chemical agent | 4) hope |



Passage 2:

Radicals in their time, early impressionists violated the rule of academic painting. They constructed their pictures from freely brushed colors that took precedence over lines and contours, following the example of painters such as Eugene Delacroix and J. M. W. Turner. They also painted realistic scenes of modern life, and often painted outdoors. Previously, still lifes and portraits as well as landscapes were usually painted in a studio. The impressionists found that they could capture the momentary and transient effects of sunlight by painting outdoors or *en plein air*. They portrayed overall visual effects instead of details, and used short “broken” brush strokes of mixed and pure unmixed color – not blended smoothly or shaded, as was customary – to achieve an effect of intense color vibration.

Impressionism emerged in France at the same time that a number of other painters, including the Italian artists known as the Macchiaioli were also exploring *plein-air* painting. The impressionists, however, developed new techniques specific to the style. Encompassing what its adherents argued was a different way of seeing, it is an art of immediacy and movement, of candid poses and compositions, of the play of light expressed in a bright and varied use of color.

The public, at first hostile, gradually came to believe that the Impressionists had captured a fresh and original vision, even if the art critics and art establishment disapproved of the new style. By recreating the sensation in the eye that views the subject, rather than delineating the details of the subject, and by creating a welter of techniques, Impressionism is a precursor of various painting styles, including Neo- Impressionism, Post-Impressionism, Fauvism, and Cubism.

56- What does the passage mainly discuss?

- 1) The origin of early Impressionists
- 2) Features of Impressionistic paintings
- 3) Basic rules of paintings to which Impressionists remained loyal
- 4) How Impressionism in painting emerged, evolved and reached maturity

57- All of the following are stated in the passage about early Impressionists except that they

- 1) attempted to paint scenes of modern life in a realistic fashion
- 2) were influenced by Eugene Delacroix and J. M. W. Turner
- 3) deliberately breached the rules of academic painting
- 4) emphasized lines and contours in their works

58- It can be understood from the passage that the Macchiaioli

- 1) were interested in outdoor painting
- 2) made a contribution to the advent of Impressionism
- 3) followed the style of Impressionism without their own knowing
- 4) were Italian artists cognizant of the artistic developments going on in France at that time

59- Which of the following best describes the common people’s early attitude towards Impressionism?

- 1) Suspicion
- 2) Amusement
- 3) Disapproval
- 4) Indifference

60- The passage provides sufficient information to answer which of the following questions?

- 1) What is the main commonality between impressionism and such styles as Neo- Impressionism, Post-Impressionism, Fauvism, and Cubism?
- 2) Why did the adherents of Impressionism claim that they offered a candid representation of the real world?
- 3) Why did some painters choose to paint still lifes, portraits, and landscapes in a studio?
- 4) What made impressionists distinct from Italian artists known as the Macchiaioli?



۴۷- گزینه «۱» اینکه او از صخره‌نوردی می‌ترسید از عزم و اراده وی برای پیوستن به دوستانش جهت انجام صخره‌نوردی کم نکرد. (۱) کاستن، کم کردن (۲) تحت تأثیر قرار دادن (۳) افشا کردن (۴) مورد تردید قرار دادن، بحث کردن

۴۸- گزینه «۳» با اینکه سرپرست من دوست داشت خودش را یک فرد با ذهن باز قلمداد کند، فردی متعصب و کوتاه فکر بود و همیشه دوست داشت حرف آخر، حرف خودش باشد.

(۱) بی تفاوت (۲) عملی، واقع‌گرایانه (۳) متعصب، کوتاه فکر، خشک (۴) حسود

۴۹- گزینه «۲» آن محققان که علاقه‌ای به پذیرش خطای خود نداشتند، سعی کردند مطالعه خود را با داده‌های بیشتری که از منابع نامعلوم به دست آمده بود حمایت کنند.

(۱) رد کردن (۲) حمایت کردن، تقویت کردن (۳) جلوگیری کردن، مانع شدن (۴) سازش کردن، به خطر انداختن

۵۰- گزینه «۴» گرچه نویسنده رمان «ادام بید» آن را به عنوان یک رمان واقعی معرفی می‌کند، هیچ‌یک از گفتگوهای واقعی داستان «ایموس بارتون» در آن وجود ندارد.

(۱) مجزا، مشخص (۲) شاد، دلشاد (۳) غیرمعمولی، نامرسوم (۴) واقعی، واقع‌گرایانه

بخش سوم: درک مطلب

دو متن زیر را بخوانید و از بین گزینه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۴) گزینه‌ای را انتخاب کنید که برای هر سؤال بهترین پاسخ باشد. آنگاه پاسخ‌تان را روی پاسخنامه علامت بزنید.

متن ۱:

همانطور که محققان در زمینه پیری در ماه می اعلام نمودند، هیچ درمانی در بازار وجود ندارد که فرایند پیری بشر (یعنی افزایش آسیب سلولی و مولکولی برای افزایش آسیب‌پذیری در مقابل دردهای بزرگسالی) را کاهش دهد. اما به نظر می‌رسد یک راه، یعنی مصرف غذای کم کالری و متعادل که می‌تواند در بسیاری از حیوانات باعث افزایش طول عمر و سلامتی خوب شود، راهی جوابگو است. این یافته‌ها حاکی از این است که محدودسازی کالری می‌تواند فرایند پیری انسان را به عقب بیاورد.

متأسفانه، مردم باید جهت برخورداری از بیشترین مزایا، کالری مصرفی خود را تا ۳۰ درصد کاهش دهند که این یعنی باید به جای دریافت ۲۵۰۰ کالری در روز ۱۷۵۰ کالری دریافت کنند. افراد کمی می‌توانند از چنین رژیم سختی پیروی کنند مخصوصاً برای سال‌های پایانی. اما آیا قرصی هست که بتواند اثر فیزیولوژیکی کم خوردن را شبیه‌سازی کند بدون اینکه افراد را گرسنه سازد؟ آیا چنین قرص محدودکننده کالری می‌تواند مردم را قادر سازد سالم‌تر بمانند و اختلالات مرتبط با سن را تا سن بالاتری به تعویق بیاورد؟

ما در ابتدا این سؤال را در اواسط دهه ۱۹۹۰ مطرح کردیم یعنی درست بعد زمانی که متوجه شدیم یک عامل شیمیایی در جوندگان دارای مزیت محدودسازی کالری است. از آن زمان به بعد ما و سایر افراد به دنبال ترکیبی بوده‌ایم که همین شاهکار را در انسان انجام دهد. هنوز در دستیابی به چنین ترکیبی موفقیتی نداشته‌ایم؛ اما ناکامی‌های ما آموزنده بوده و این امید را به وجود آورده که داروی محدودسازی کالری یا CR نهایتاً روزی ساخته خواهد شد.

۵۱- گزینه «۱» صورت سؤال در مورد چیدمان و سازمان‌دهی اطلاعات متن از ما پرسیده است که به نظر می‌آید گزینه (۱) بهترین جواب باشد. در این متن نویسنده در پاراگراف اول مشکلی به نام «پیری» را مطرح می‌کند و در همان پاراگراف و پاراگراف‌های بعدی راه حلی برای این مشکل «محدود ساختن کالری دریافتی» مطرح می‌کند.

۵۲- گزینه «۴» در واقع این جمله تعریفی از عبارت «پیری» است.

۵۳- گزینه «۲» نویسنده در پاراگراف دوم می‌گوید که داشتن یک رژیم غذایی با ۱۷۵۰ کالری در روز، رژیم بسیار دشواری است که افراد کمی می‌توانند آن را دنبال کنند. در نتیجه گزینه‌های (۳) و (۴) نمی‌توانند پاسخ صحیح باشند. گزینه (۱) تاحدی فریبنده است اما این گزینه هم نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد چون نویسنده ایده داشتن یک رژیم غذایی با ۱۷۵۰ کالری در روز را تقریباً غیرممکن می‌داند. در نتیجه «بسیار مخالف و مشکوک» گزینه بهتری از «رد محدود» است.

۵۴- گزینه «۳» طبق پاراگراف دوم، قرص‌های محدودکننده کالری (caloric restriction mimetic) نوعی قرص هستند که می‌توانند کالری دریافتی را محدود کنند بدون اینکه باعث شوند مصرف‌کننده احساس گرسنگی کند. طبق پاراگراف سوم، تلاش برای ساخت چنین قرص‌هایی هنوز موفقیت‌آمیز نبوده. اما نویسنده معتقد است که این شکست‌ها informative هستند و این امید را در دل محققان زنده کرده‌اند که روزی چنین رویایی به واقعیت تبدیل خواهد شد. در نتیجه گزینه (۳) صحیح است.

۵۵- گزینه «۱» صورت سؤال از ما خواسته تا ببینیم واژه feat (به معنی شاهکار) به کدام عبارت در متن برمی‌گردد که caloric restriction می‌باشد.

متن ۲:

نخستین امپرسیونیست‌ها که در زمان خود افراط‌گرا بودند، قوانین نقاشی آکادمیک را نقض کردند. آنها نخستین تصاویر خود را با رنگ‌های آزادانه نواخته شده (freely brushed colors) می‌کشیدند که نسبت به خطوط و برجستگی (lines and contours) اولویت داشتند. همچنین پیرو نقاشانی چون یوجین دلاکرویکس و ترنر بودند. آنها همچنین صحنه‌ها و مناظری واقع‌بینانه از زندگی مدرن رسم می‌کردند و اغلب در فضای باز نقاشی می‌کردند. قبل از آن، پورترها و منظره‌ها معمولاً در داخل استادیوها نقاشی می‌شدند. اما امپرسیونیست‌ها معتقد بودند می‌توانند اثر زودگذر و موقتی نور خورشید را با نقاشی در فضای آزاد ترسیم کنند. آنها به جای پرداختن به جزئیات، اثرات کلی را نقاشی می‌کردند و از ضربات «شکسته» و کوتاه قلم مو آغشته به رنگ‌های خالص و نامخلوط - نه مخلوط ملایم یا سایه‌دار که مرسوم بود - برای دستیابی به ارتعاش شدید رنگ استفاده می‌کردند.

سبک امپرسیونیست در همان زمان که یک سری از نقاشان از قبیل نقاشان ایتالیایی معروف به جنبش ماکیاپولی نقاشی در فضای باز (plein-air) را تجربه می‌کردند، در فرانسه پدید آمد. با این حال امپرسیونیست‌ها فوننی را ساختند که مختص سبک خودشان بود. این سبک که بنا به ادعای طرفدارانش شامل سبکی متفاوت از دیدن است، هنری از حرکت و فوریت، ترکیبات و ژست‌های رک و نمایش نور با استفاده از رنگ روشن و متنوع است.

مردم که در ابتدا مخالف این سبک بودند، به تدریج به این باور رسیدند که امپرسیونیست‌ها دید اصلی و تمددیافته‌ای را ترسیم می‌کنند حتی اگر منتقدین هنر مخالف این سبک جدید باشند. سبک امپرسیونیسم با شورآفرینی در نگریستن به خود موضوع به جای ترسیم جزئیات موضوع و با ایجاد تکنیک‌های زیاد، پیشگام یک سری سبک نقاشی دیگر از قبیل نئوامپرسیونیسم، پست امپرسیونیسم، فوویسم و کوبیسم است.

۵۶- گزینه «۲» متن در مورد ویژگی‌های نقاشی‌های سبک امپرسیونیسم بحث می‌کند.

۵۷- گزینه «۴» طبق پاراگراف اول متن، امپرسیونیست‌ها قوانین نقاشی آکادمیک را نقض کردند (علت صحیح بودن گزینه ۳)، پیرو نقاشانی چون یوجین دلاکرویکس و ترنر بودند (علت درست بودن گزینه ۲) و نهایتاً سعی نمودند زندگی و حیات را به صورت واقع‌بینانه نقاشی کنند (علت صحیح بودن گزینه ۱). در نتیجه فقط گزینه (۴) جواب این سؤال است که طبق پاراگراف اول، در سبک امپرسیونیسم brushed colors مهمتر از lines and contours هستند.

۵۸- گزینه «۱» در پاراگراف دوم، تنها چیزی که در مورد Macchiaioli گفته شده این است که یک سری هنرمند ایتالیایی بودند که سبک نقاشی plein air (یا سبک نقاشی در هوای آزاد) را مورد بررسی قرار دادند. در نتیجه گزینه (۱) صحیح است. همچنین در این پاراگراف گفته شده که ظهور امپرسیونیسم با علاقه این گروه به این سبک همزمان بود.

۵۹- گزینه «۳» طبق پاراگراف سوم، مردم در ابتدا با سبک امپرسیونیسم مخالف بودند. دقت داشته باشید که برای پاسخگویی به این سؤال باید معنی واژه hostile را بدانید. این واژه به معنی ضد، مخالف است.

۶۰- گزینه «۴» طبق پاراگراف دوم، آنچه که بین سبک امپرسیونیسم و ماکیاپولی تمایز ایجاد می‌کرد این است که با اینکه یک سری شباهت‌ها داشتند، سبک امپرسیونیسم فوننی داشت که فقط مختص سبک خود بودند.

بخش دوم: استدلال منطقی

■ **راهنمایی:** برای پاسخگویی به سؤال‌های این بخش، لازم است فقط موقعیتی را که در هر سؤال مطرح شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهید و سپس گزینه‌های را که فکر می‌کنید پاسخ مناسب‌تری برای آن سؤال است، انتخاب کنید. هر سؤال را با دقت بخوانید و با توجه به مطالب مطرح شده در هر سؤال و نتایجی که بیان شده و بیان نشده ولی قابل استنتاج است، پاسخی را که صحیح‌تر به نظر می‌رسد، انتخاب و در پاسخنامه علامت بزنید.

۹- به نظر می‌رسد والدین انگیزه دارند تا فرزندان خود را به بهترین وجه، برای جهانی که احتمالاً در آن باید مستقلانه زندگی کنند، آماده نمایند. آنچه در یک فرهنگ کار می‌کند، لزوماً در فرهنگ دیگر نمی‌تواند خوب باشد؛ اما هر چه دنیای ما به هم پیوند می‌خورد، این تنوع رویکردهای فرزندپروری، ممکن است کاهش یابد. در حقیقت، بیشتر کشورها طی ۵۰ سال گذشته، فردگراتر شده‌اند و این تحول، در کشورهایی که بیشترین توسعه اقتصادی را تجربه کرده‌اند، بارزتر است. کدام مورد زیر را نمی‌توان به درستی، از متن فوق، استنباط کرد؟

- ۱) نحوه فرزندپروری، تحت تأثیر فرهنگ جامعه مربوطه قرار دارد.
- ۲) به نظر می‌رسد که میان فردگرایی و توسعه اقتصادی، نوعی همبستگی وجود دارد.
- ۳) با تحولات اقتصادی، فرایند فرزندپروری نیز به شکل آرمانی خود، نزدیک‌تر می‌شود.
- ۴) ویژگی‌های فرزندپروری در هر جامعه‌ای، در طول زمان، ممکن است دچار تغییر شود.

۱۰- در حالی که گه‌گاه مقالاتی در تکذیب گرم شدن کره زمین چاپ می‌شوند، دانشمندان ۱۰ عامل مهم که گرم شدن کره زمین را اثبات می‌کند، به‌عنوان عوامل غیرقابل‌انکار این پدیده اعلام کردند. دانشمندان، بدون اشاره به عامل اصلی این پدیده، اعلام کردند شکی وجود ندارد که زمین از سال ۱۹۸۰ تاکنون، بیشتر از حد انتظار، گرم شده است. این گزارش می‌تواند تأییدی بر بیانیه مجمع بین‌الدول تغییر اقلیم سازمان ملل باشد که در سال ۱۹۹۷ اعلام کرد به احتمال ۹۰ درصد، این پدیده در حال وقوع است و باید همه کشورها دست به‌دست هم دهند و آن را متوقف سازند. کدام مورد، فرض مستتر در بیانیه مجمع بین‌الدول تغییر اقلیم سازمان ملل است؟

- ۱) برای پدیده گرمایش زمین، راه‌حل وجود دارد.
- ۲) هر مشکل جهانی، تنها راه‌حلی جهانی دارد.
- ۳) کشور یا کشورهای خاصی را نباید مسئول گرمایش زمین دانست.
- ۴) یافتن علت وقوع گرم شدن زمین، در صورت همکاری جمعی، کاری شدنی است.

۱۱- متصدیان پارک «بهار»، به‌منظور افزایش جذابیت و جلب افراد بیشتر به پارک، اقدام به سرمایه‌گذاری جهت ایجاد زمین بازی بزرگی برای کودکان کردند و بخشی از محل مخصوص پیاده‌روی پارک را به آن اختصاص دادند. اندکی پس از اجرای پروژه مذکور، تعداد مراجعین به این پارک کاهش یافت که از این بابت، دکه‌ها و فروشگاه‌های کوچک داخل پارک نیز متضرر شدند. کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، تناقض ظاهری موجود در متن را مرتفع می‌سازد؟

- ۱) در محلی که پارک بهار قرار دارد، تفرجگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که خانواده‌ها برای گذران اوقات فراغت خود، آنها را به پارک ترجیح می‌دهند.
- ۲) پارک بهار در یک شهرک بازنشستگان قرار دارد که کودکان کمی در آنجا زندگی می‌کنند و مردم شهرک از پارک، جهت جمع شدن دور هم و پیاده‌روی استفاده می‌کنند.
- ۳) از قدیم‌الایام، آخر هر هفته، مسابقه‌های مختلفی از جمله مسابقه دو و پیاده‌روی در پارک بهار، برگزار می‌شود تا مردم را به ورزش روزانه عادت دهد.
- ۴) در چند سال اخیر، پارک بهار تنها پارکی نبوده و نیست که با اجرای پروژه‌های نوآورانه و مردم‌پسند، سعی در جذب مخاطب کرده است.

۱۲- هوا وزن دارد و به هر چیزی، فشار وارد می‌کند. بعضی بالن‌ها را با گاز هلیوم پر می‌کنند، چون هلیوم از هوا سبک‌تر است. بنابراین، اگر یک بالن را که از گاز هلیوم پر شده رها کنیم، به سرعت بالا می‌رود و سپس، ناگهان می‌ترکد. وقتی بالن بالا می‌رود، به سمت جاهایی حرکت می‌کند که فشار هوای کمتری دارد. در این حال، گاز داخل بالن در مقایسه با هوا، با قدرت بیشتری به دیواره‌های داخلی بالن فشار می‌آورد و سعی می‌کند، از بالن خارج شود. به این ترتیب، بالن

کدام مورد، به منطقی‌ترین وجه، جای خالی در متن را کامل می‌کند؟

- ۱) راهی غیر از رسیدن به تعادل ندارد
- ۲) کم‌کم باد می‌کند و بالاخره می‌ترکد
- ۳) نیز از کنترل خارج می‌شود
- ۴) از اوج گرفتن بازمی‌ایستد

۱۳- به‌تنهایی نمی‌شود خواب دیدن خود را تحت کنترل درآوریم. اما به‌تازگی روان‌شناسان توانسته‌اند کابوس‌های وحشتناک را مهار و آنها را درمان کنند. در این روش، روان‌شناس از بیمار می‌خواهد وقتی کابوس می‌بیند، به تماشای آن ادامه دهد و تلاش کند آن را به هر آنچه دوست دارد، تغییر دهد. نتایج یک آزمایش انجام‌شده در این زمینه، از موفقیت ۷۰ درصدی این روش، پس از یک دوره درمان دو تا چهار هفته‌ای حکایت دارد. کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای متن را زیر سؤال می‌برد؟

- ۱) آزمایش مورد اشاره در متن، توان کنترل رویاهای معمولی را نیز باید لحاظ کند.
- ۲) فرد یا افرادی که در آزمایش شرکت کردند، به درمانگر خود، اطمینان کامل داشتند.
- ۳) وقتی بیماران، به درستی یک روش درمانی باور داشته باشند، فارغ از آنکه آن روش چه باشد، بر بیماری‌شان غلبه می‌کنند.
- ۴) پایایی نتایج هر آزمایش در حوزه روان‌شناسی، با تکرار چندباره آن در شرایط یکسان مشخص می‌شود.



کله ۱۴- ما از همه مشتریان یک شعبه فروشگاه زنجیره‌ای خود نظرسنجی کردیم و همه آنها موافق بودند که شبانه‌روزی بودن فروشگاه، ایده بسیار خوبی است. لازم است هر چه سریع‌تر، برنامه‌ای برای ۲۴ ساعته کردن تمام شعب فروشگاه بریزیم. خطای استدلالی متن فوق، کدام است؟

- (۱) تعبیر رابطه همبستگی به رابطه علت و معلول
(۲) معلول را قبل از علت گذاشتن
(۳) تعمیم نابه‌جا
(۴) قیاس

کله ۱۵- شمارش از چپ، میان انسان‌ها رواج دارد و حتی در زبانی مانند زبان فارسی، که از سمت راست نوشته و خوانده می‌شود، نوشتن اعداد متفاوت بوده و از چپ به راست است. دانشمندان مدعی‌اند که انسان‌ها و حیوانات، به‌صورت غریزی، از سمت چپ به راست شمارش می‌کنند، زیرا نیمکره راست مغز که اطلاعات را پردازش می‌کند، انجام فعالیت‌های بصری را به‌عهده دارد. از این‌رو، این‌طور به‌نظر می‌رسد که رفتار شمارش اعداد از سمت چپ، بیشتر رفتاری غریزی باشد تا اکتسابی.

کدام مورد، در صورتی که صحیح فرض شود، ادعای متن را به بهترین وجه تقویت می‌کند؟

- (۱) تلاش‌های مکرر در عادت دادن افراد به شمارش از سمت راست، بی‌فایده بوده است.
(۲) بسیاری از رفتارهایی که در انسان غریزی هستند، در حیوانات نیز کاملاً غریزی هستند.
(۳) امروزه به کمک فناوری‌های جدید، می‌توان تأثیر فعالیت‌های مغزی در تعیین رفتار موجودات را توضیح علمی داد.
(۴) در شرایطی که افراد در حین دیدن یک فیلم آموزشی باید نکته‌برداری کنند، آنان از اعداد برای نشان دادن ترتیب اهمیت نکات یادداشتی استفاده می‌کنند.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ **راهنمایی:** در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

۶ نفر به اسامی A, B, C, D, E و F که سه‌تای آنها مرد و سه تا زن هستند به یک مرکز مشاوره مراجعه می‌کنند. دوتا از مردها، همسر دوتا از زن‌ها هستند و دو نفر دیگر، هیچ نسبتی با هم ندارند، زوجین اول، زوجین دوم، مرد تنها و زن تنها (نه لزوماً به ترتیب)، مطابق محدودیت‌های زیر، برای مشاوره در یکی از موارد «حقوقی»، «تحصیلی»، «شغلی» و «خانوادگی» نزد یکی از مشاوران این مرکز ارجاع داده می‌شوند.

- برای مشاوره حقوقی، C و همسرش که فردی غیر از A است، مراجعه کرده‌اند.
- E و شوهرش که فردی غیر از C و D است، برای مشاوره‌ای، غیر از مشاوره خانوادگی مراجعه کرده‌اند.
- B که زن است، برای مشاوره شغلی مراجعه کرده است.

کله ۱۶- اگر D برای مشاوره خانوادگی مراجعه کرده باشد، A برای مشاوره در چه زمینه‌ای و همراه با چه کسی مراجعه کرده است؟
(۱) حقوقی - C (۲) تحصیلی - F (۳) تحصیلی - E (۴) خانوادگی - D

کله ۱۷- اگر F به‌تنهایی مراجعه کرده باشد، کدام مورد زیر، به‌طور قطع، صحیح است؟
(۱) D، برای مشاوره خانوادگی مراجعه کرده است.
(۲) A، برای مشاوره تحصیلی مراجعه کرده است.
(۳) A، به‌تنهایی مراجعه کرده است.
(۴) D، شوهر C است.

کله ۱۸- اگر A، فردی باشد که به‌تنهایی مراجعه کرده است، جنسیت چند نفر از ۶ نفر مراجعه‌کننده، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟
(۱) ۶ (۲) ۴ (۳) ۳ (۴) ۲

کله ۱۹- اگر C شوهر D نباشد، کدام‌یک از افراد زیر، قطعاً مرد هستند؟
(۱) D و F (۲) C و F (۳) A و F (۴) A و D

راهنمایی: با توجه به اطلاعات و شکل زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

پنج گوی A, B, C, D و E (نه لزوماً به ترتیب)، مطابق شکل زیر، درون یک حلقه بزرگ قرار گرفته‌اند. در مرحله اول، ابتدا گوی وسط را برداشته و پشت آخرین گوی سمت راست می‌گذاریم و پس از جابه‌جایی و متعادل شدن گوی‌ها، گوی وسط را برداشته و پشت آخرین گوی سمت چپ قرار می‌دهیم. کل این فرایند را یک بار دیگر، در مرحله دوم انجام می‌دهیم. اطلاعات زیر، موجود است:

• پس از مرحله اول و قبل از شروع مرحله دوم، E اولین گوی از سمت چپ بوده است.

• قبل از مرحله اول، گوی A هیچ‌کدام از دو گوی انتهایی نبوده است.

• پس از مرحله دوم، گوی C دقیقاً سمت راست و چسبیده به گوی A قرار گرفته است.



بخش دوم: استدلال منطقی

۹- گزینه «۳» سایر گزینه‌ها از متن نتیجه می‌شوند، به گزینه (۲) در آخر متن اشاره شده است. به گزینه (۱) در قسمت ابتدایی متن اشاره شده است. گزینه (۴) هم از متن استنباط می‌شود؛ آنجا که گفته است بیشتر کشورها طی ۵۰ سال گذشته فردگراتر شده‌اند.

۱۰- گزینه «۱» با توجه به نتیجه‌گیری آخر متن بیانیه سال ۱۹۹۷ که اشاره شده است «باید همه کشورها دست به دست هم دهند و گرمایش زمین را متوقف سازند» می‌توان استنباط کرد که نویسنده متن فرض کرده است برای پدیده گرمایش زمین راه‌حل وجود دارد. سایر گزینه‌ها نامربوط هستند و به هیچ وجه نمی‌توانند فرض نویسنده متن باشند.

۱۱- گزینه «۲» در سؤالات تناقض در متن باید دنبال گزینه‌ای باشیم که به طرفین تناقض لطمه‌ای وارد نکند و ضمناً تناقض را توجیه کند. واضح است گزینه (۲) به وضوح علت این تناقض را توضیح داده است؛ چراکه پارک بهار در جایی قرار دارد که بیشتر افراد بازنشسته قرار دارند و کودکان کمی ساکن شهرک هستند و طبیعی است که کم کردن از فضای پیاده‌روی (که معمولاً افراد بازنشسته از آن استفاده می‌کنند) و اختصاص آن به فضای بازی کودک، جمعیت ورودی به پارک را کاهش می‌دهد.

۱۲- گزینه «۲» با توجه به ابتدای متن که گفته شده اگر یک بالن را با گاز هلیوم پر کنیم به سرعت بالا می‌رود و سپس ناگهان می‌ترکد، لذا در قسمت پایانی بهترین جمله عبارت داده شده در گزینه (۲) است.

۱۳- گزینه «۴» در متن گفته شده است که نتایج یک آزمایش انجام شده موفقیت‌آمیز بوده است. واضح است گزینه (۴) برای زیر سؤال بردن این ادعا بهترین گزینه است؛ چراکه اشاره می‌کند در حوزه روانشناسی آزمایش‌ها به شرطی مورد تأیید است که **تکرار چندباره** داشته باشد (نه یک بار).

۱۴- گزینه «۳» از اینکه از یک فروشگاه به صورت شبانه‌روزی استقبال شده، نتیجه‌گیری شده است که از تمام فروشگاه‌های شعب دیگر هم استقبال خواهد شد. این یک تعمیم نابه‌جا است و خطای این استدلال می‌باشد.

۱۵- گزینه «۱» نتیجه‌گیری متن این است که «عمل شمارش اعداد از چپ به راست» عملی غریزی است نه اکتسابی. می‌خواهیم این جمله را تأیید و تقویت کنیم. بهترین گزینه جمله داده شده در گزینه (۱) است که تأکید می‌کند تلاش‌های مکرر در عادت دادن و آموزش افراد جهت شمارش اعداد از سمت راست بی‌فایده بوده است (در واقع هیچگونه اکتسابی از آموزش‌ها توسط افراد صورت نگرفته است).

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

با توجه به صورت سؤال، دو زوج و یک زن مجرد و یک مرد مجرد وجود دارد و مشاوره‌ی هر یک از زوجها و هریک از افراد مجرد متفاوت است. حال به تحلیل داده‌های ارائه شده می‌پردازیم:

- برای مشاوره حقوقی، C و همسرش که فردی غیر از A است، مراجعه کرده‌اند.

تحلیل: C متأهل و همسرش A نیست.

- E و شوهرش که فردی غیر از C و D است برای مشاوره‌ی غیر از مشاوره خانوادگی مراجعه کردند.

E زن و متأهل است، نوع مشاوره‌اش حقوقی نیست؛ زیرا همسر C نیست (شغلی نیز نیست با توجه به اطلاع بعدی) **نوع مشاوره: تحصیلی**

- B که زن است برای مشاوره‌ی شغلی مراجعه کرده است.

تحلیل: B زن و مجرد است زیرا تنها زوج موجود، زوج E و همسرش و C و همسرش هستند. از آنجایی که نوع مشاوره C و همسرش حقوقی و E نیز خود، زن است، بنابراین نمی‌تواند متأهل باشد.

۱۶- گزینه «۳» D مشاوره خانوادگی دریافت کرده است.

با توجه به تحلیل‌ها و فرض سؤال، D باید مجرد و مرد باشد.

B و D تنها افراد مجرد هستند و A باید متأهل و همسر یکی از افراد C و یا E باشد که با توجه به فرضیات نمی‌تواند همسر C باشد، بنابراین همسر E است و مشاوره‌ی تحصیلی دریافت کرده است.

۱۷- گزینه «۲» F مشاوره‌ی تنهایی انجام داده است.

تحلیل: F مجرد و مرد است. بنابراین افراد A و D متأهل باید باشند و A همسر C نیست، بنابراین همسر E است و برای مشاوره تحصیلی مراجعه کرده است.

۱۸- گزینه «۲» A فردی باشد که به تنهایی مراجعه کرده است:

A مجرد و مرد است.

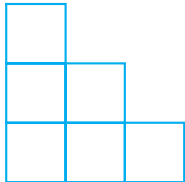
از قبل داریم: B زن است E زن است

از میان افراد باقی‌مانده F و D و C، تنها F می‌تواند همسر E باشد، بنابراین F نیز مرد است.

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

■ راهنمایی: در این بخش، توانایی تحلیلی شما مورد سنجش قرار می‌گیرد. سؤال‌ها را به دقت بخوانید و پاسخ صحیح را در پاسخنامه علامت بزنید.
راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۱۶ تا ۱۹ پاسخ دهید.

شش بلوک سیمانی A، B، C، D، E و F توسط علی، محمد و حسین (نه لزوماً به ترتیب) که یکی از آنها فقط یک بلوک، یک نفر دو بلوک و یک نفر سه بلوک را حمل کرده‌اند، مطابق شکل زیر، طوری در سه ستون روی هم چیده شده‌اند که بلوک‌های هر ستون (دوتایی و سه‌تایی)، توسط افراد مختلف گذاشته شده‌اند.



- فردی که دو بلوک گذاشته است، نه محمد بوده است و نه بلوک‌های E و F، جزو آن بلوک‌ها بوده‌اند.
- بلوک B توسط علی، دقیقاً روی بلوک D که توسط محمد گذاشته شده، قرار گرفته است.
- بلوک A، دقیقاً روی یکی از دو بلوکی قرار گرفته که توسط یک نفر حمل شده است.
- بلوک F، تنها بلوک ستونش نیست.

۱۶- اگر بلوک B در بالاترین ارتفاع ممکن قرار گرفته باشد، بلوک F را به‌طور قطع، چه کسی حمل کرده است؟

- (۱) علی (۲) محمد (۳) حسین (۴) نمی‌توان تعیین کرد.

۱۷- اگر بلوک A، زیر یک بلوک دیگر قرار داشته باشد، آن بلوک لزوماً کدام است؟

- (۱) F (۲) E (۳) D (۴) C

۱۸- اگر سه بلوک ردیف پایین (که با زمین در تماس هستند) را یک نفر گذاشته باشد، کدام مورد در خصوص بلوک A به‌طور قطع، صحیح است؟

- (۱) توسط کسی حمل شده است که سه بلوک حمل کرده است.
(۲) در بالاترین جای ممکن قرار گرفته است.
(۳) دقیقاً روی بلوک C قرار گرفته است.
(۴) زیر بلوک F قرار گرفته است.

۱۹- اگر بلوک E را حسین حمل کرده باشد، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) فردی که سه بلوک حمل کرده، محمد است.
(۲) حسین فقط یک بلوک حمل کرده است.
(۳) بلوک A توسط محمد حمل شده است.
(۴) بلوک F را حسین حمل کرده است.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات و شکل زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

از چهار نفر افراد یک خانواده به اسامی A، B، C و D با سنین متفاوت، یک نفر هر دو دُز واکسن کرونا را دریافت کرده، دو نفر فقط دُز اول و یک نفر هیچ دُزی را دریافت نکرده است. اطلاعات زیر در این خصوص موجود است.

- فردی که هر دو دُز واکسن را دریافت کرده است، نه B است و نه بزرگ‌ترین فرد خانواده.
- B، نه فردی است که هیچ دُزی از واکسن را نزده و نه از D کوچک‌تر است.
- C با اینکه از A کوچک‌تر است، ولی نسبت به وی، یک دُز بیشتر زده است.

۲۰- اگر جوان‌ترین فرد خانواده فقط یک دُز از واکسن کرونا را دریافت کرده باشد، کدام فرد به‌طور قطع، هر دو دُز واکسن را دریافت کرده است؟

- (۱) نفر دوم از لحاظ سن (۲) D (۳) C (۴) A

۲۱- اگر کسی که هر دو دُز واکسن را دریافت کرده، از D جوان‌تر باشد، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح است؟

- (۱) D، هیچ دُزی از واکسن را دریافت نکرده است.
(۲) پیرترین فرد، هیچ دُزی را دریافت نکرده است.
(۳) A از B، تعداد دُز بیشتری دریافت کرده است.
(۴) C، فقط یک دُز واکسن را دریافت کرده است.

۲۲- اگر C از B بزرگ‌تر باشد، چند نفر از افراد خانواده، تعداد دُز واکسنی که دریافت کرده‌اند، به‌طور قطع مشخص می‌شود؟

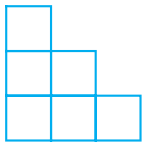
- (۱) ۴ (۲) ۲ (۳) ۱ (۴) صفر

۲۳- اگر جوان‌ترین فرد، هیچ دُزی دریافت نکرده باشد، کدام مورد زیر، به‌طور قطع مشخص نمی‌شود؟

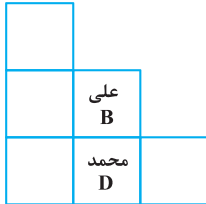
- (۱) نام فردی که هر دو دُز واکسن را زده است.
(۲) تعداد دُزهایی که به A تزریق شده است.
(۳) نام جوان‌ترین فرد خانواده
(۴) نام پیرترین فرد خانواده

بخش سوم: سؤالات تحلیلی

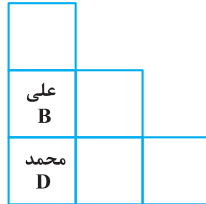
■ برای پاسخ به سؤالات ۱۶ تا ۱۹ ابتدا اطلاعات داده شده را خلاصه می‌کنیم. شش بلوک سیمانی E, D, C, B, A و F داریم که علی، محمد و حسین آن‌ها را قرار داده‌اند. یکی از آن‌ها یک بلوک، دیگری دو تا و نفر سوم، سه تا را روی هم قرار داده است (البته نمی‌دانیم کدامشان!). حالا سراغ اطلاعات صورت سؤال می‌رویم.



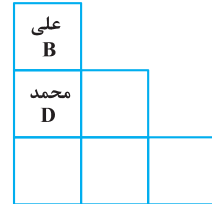
از اطلاع اول می‌دانیم که **محمد** یا **یک بلوک** گذاشته یا **سه بلوک** و شخصی که دو بلوک گذاشته بلوک‌های E و F را نگذاشته است. وقتی به اطلاع دوم می‌رسیم می‌دانیم علی بلوک B و محمد بلوک D را گذاشته است. علی بلوک B را دقیقاً روی بلوک D که محمد گذاشته قرار داده است، پس سه حالت زیر قابل تصور است.



(ج)



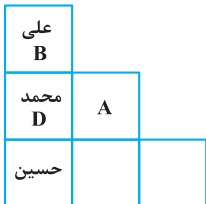
(ب)



(الف)

از اطلاع سوم می‌دانیم بلوک A در تک ستون نیست و از اطلاع چهارم می‌دانیم بلوک F هم در تک ستون نیست، خُب پس E و C می‌توانند در تک ستون قرار گرفته باشند. اما نمی‌دانیم کدامشان در تک ستون قرار دارد.

۱۶- گزینه «۳» با توجه به این که در این سؤال عنوان شده است B در بالاترین ارتفاع ممکن قرار گرفته است، پس حالت (الف) برقرار است. یعنی شکل مقابل را داریم:

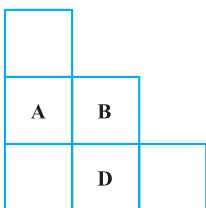
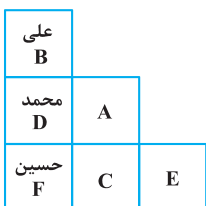


حالت (الف)

چون در متن ابتدایی داده شده در هر ستون بلوک‌ها توسط افراد مختلف چیده شده است، پس بلوک پایین در ستون سه‌تایی را قطعاً حسین قرار داده است. چون A روی یکی از دو بلوکی است که توسط یک نفر حمل شده است، پس زیر A قطعاً E و F نیست، چون در اطلاع اول گفتیم کسی که دو بلوک حمل کرده، E و F را حمل نکرده است و چون گفته شده F تنها بلوک ستونش نیست، پس F در ستون ۳ تایی است که حسین حمل کرده است. یعنی داریم:

۱۷- گزینه «۱» وقتی گفته می‌شود A زیر یک بلوک دیگر قرار گرفته است و در اطلاع سوم گفته شده A بالای یک بلوک قرار دارد، پس فقط حالت (ج) را خواهیم داشت:

دوباره مانند سؤال قبل، واضح است F و E زیر A قرار ندارند و چون می‌دانیم F تنها بلوک ستونش نیست، پس F در ستون سه بلوکه و بالای A قرار دارد.

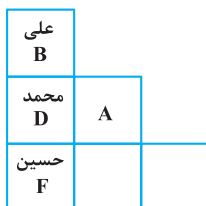


حالت (ج)

۱۸- گزینه «۲» اگر سه بلوک پایین را یک نفر گذاشته باشد، با توجه به این که در هر ستون (دوتایی یا سه‌تایی) باید افراد متفاوت باشند، پس در حالت (الف) حسین در ستون سه حالتی قرار می‌گیرد، هر سه بلوک پایین را حسین حمل کرده است، در حالت‌های (ب) و (ج) هم واضح است باید این کار را محمد کرده باشد، دنبال مکان قرارگیری بلوک A هستیم. می‌دانیم A روی یکی از دو بلوکی است که توسط یک نفر حمل شده است. پس A نمی‌تواند در حالت (الف) و (ب) در ستون دوتایی قرار گرفته باشد، چون آن وقت روی یکی از سه بلوکی که توسط یک نفر حمل شده قرار می‌گیرد! و این در تضاد با اطلاعات سؤال است. پس A در حالت (ج) قرار دارد و آن هم در بالاترین نقطه چون باز هم نمی‌تواند در ستون سه‌تایی در بلوک وسط باشد، چون دوباره روی یکی از سه بلوکی قرار می‌گیرد که توسط یک نفر حمل شده است.

۱۹- گزینه «۴» هر سه حالت (الف)، (ب) و (ج) را با فرض این که بلوک E را حسین حمل کرده بررسی می‌کنیم.

در حالت (الف) می‌دانیم F در تک ستون نیست و با توجه به اطلاع سوم A باید در بالای ستون دو بلوکی قرار بگیرد. زیر A هم که گفتیم F نمی‌تواند قرار بگیرد، پس F باید در ستون سه بلوک قرار بگیرد و آن را حسین حمل کرده باشد. چون در یک ستون سه تایی باید سه نفر مختلف بلوک حمل کرده باشند بنابراین گزینه (۴) صحیح است. اما سراغ حالت (ب) می‌رویم.



حالت (الف)

در این حالت ابتدا دو حالت برای A در نظر می‌گیریم، A باید بالای یک بلوک باشد و برای این منظور دو حالت بیشتر نداریم:

حسین A		
علی B		
محمد D		

(۱)

حسین ?		
علی B	A	
محمد D		

(۲)

در حالت (۲) واضح است حسین F را حمل کرده است، چون F باید در یکی از دو ستون ۲ بلوکه و یا سه بلوکه باشد و طبق اطلاع اول نمی‌تواند زیر A باشد، پس اگر حالت (۲) را در نظر بگیریم باز هم پاسخ به سؤال گزینه (۴) است.

اما اگر به (۱) توجه کنیم، علی باید شخصی باشد که دو بلوک حمل کرده است یعنی C یا F را حمل کرده. علی نمی‌تواند F را حمل کند، چون با اطلاع (۱) در تناقض است و از طرفی حسین باید بلوک سوم غیر از E را حمل کند تا شرایط مطرح شده ابتدایی برقرار باشد، (این که یک نفر یک بلوک، یک نفر دو بلوک و دیگری سه بلوک حمل کرده‌اند). پس در حالت (۱) هم پاسخ به سؤال این است که حسین F را حمل کرده است و با همین ترتیب با بررسی شرایط (ج) می‌توان به این نتیجه رسید که F را حسین حمل کرده است.

حسین A		
علی B	حسین F	
محمد D	علی C	حسین E

■ برای پاسخ به سؤالات ۲۰ تا ۲۳ ابتدا اطلاعات صورت سؤال را دقیق بررسی و در صورت امکان خلاصه می‌کنیم:

یک خانواده چهار نفره با نام‌های A، B، C و D داریم که یکی از آن‌ها دو دُز، دیگری هیچ دُز و دو نفر دیگر هم هر کدام یک دُز واکسن کرونا دریافت کرده‌اند. با توجه به اطلاع اول متوجه می‌شویم که B شخصی نیست که دو دُز واکسن دریافت کرده و بزرگترین فرد هم ۲ دُز زده است. با توجه به اطلاع دوم B قطعاً کوچک‌ترین فرد خانواده نیست و می‌دانیم که شخصی نیست که هیچ دُزی دریافت نکرده است. پس B قطعاً یکی از آن دو نفری است که یک دُز واکسن دریافت کرده است و بالاخره در اطلاع چهارم می‌دانیم که C یا یک دُز زده و A هیچ دُز و یا این که C همان شخصی است که ۲ دُز زده و A یک دُز زده است و البته می‌دانیم که C از A کوچک‌تر است. معلوم است که A یا B بزرگ‌ترین افراد هستند، با توجه به اطلاعات صورت سؤال ۶ حالت زیر را می‌توان تصور نمود.

بزرگ‌ترین فرد →	بزرگ‌ترین فرد →	بزرگ‌ترین فرد →	یک دز B	یک دز B	یک دز B
A، ۲ دز زده	A، ۲ دز زده	A، ۲ دز زده	یک دز B	یک دز B	یک دز B
یک دز B	یک دز B	C	A	A	D
C	D	یک دز B	C	D	A
D	C	D	D	C	C
حالت (۱)	حالت (۲)	حالت (۳)	حالت (۴)	حالت (۵)	حالت (۶)

۲۰- گزینه «۲» اگر جوان‌ترین فرد خانواده فقط یک دُز واکسن زده باشد، در این حالت در حالت (۱) و (۳) و (۴)، D یک دُز واکسن زده است و لاجرم C، ۲ دُز واکسن زده و A هیچ دُز، که این در تناقض با اطلاع سوم است (که گفته C از A یک دُز بیشتر زده)، پس حالت‌های (۲) و (۵) و (۶) مدنظر است که در تمام آن‌ها C یک دُز، D، ۲ دُز و A هیچ دُز زده است.

۲۱- گزینه «۱» با توجه به این اطلاع در حالت (۲) یا (۵) و یا (۶) هستیم و لزوماً A یک دُز دریافت کرده است (با توجه به اطلاع سوم) و لذا D هیچ دُزی دریافت نکرده است.

۲۲- گزینه «۳» اگر C بزرگ‌تر از B باشد، یعنی در حالت (۳) هستیم که فقط دُز واکسن B معلوم است که یک دُز زده است.

۲۳- گزینه «۴» با توجه به این حالت واقعاً نمی‌توان گفت B یا A کدامشان پیرترین فرد خانواده هستند (در حالت (۱) تا (۳)، A و در حالت (۴) تا (۶)، B پیرترین فرد است). دقت کنید نام جوان‌ترین فرد معلوم می‌شود، چون جوان‌ترین فرد یا C است یا D و چون با توجه به اطلاع سوم صورت سؤال C نمی‌تواند هیچ دُزی دریافت نکرده باشد، پس D همان فرد است. در واقع یکی از حالت‌های (۴)، (۳) و (۱) را داریم. در حالت (۱) و (۴) می‌شود گفت که C، ۲ دُز و A یک دُز را دریافت کرده است. پس نام فردی که ۲ دُز واکسن دریافت کرده است هم معلوم می‌شود. با همین استدلال تعداد دُزهای A هم معلوم است که این یعنی گزینه (۲) نمی‌تواند صحیح باشد.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات زیر، به سؤال‌های ۲۰ تا ۲۳ پاسخ دهید.

فردی از هر کدام از ۶ نوع خشکبار بادام، گردو، عناب، انجیر خشک، توت خشک و زرشک فقط یک بسته یک کیلوگرمی در اختیار دارد. او قرار است با رعایت محدودیت‌های زیر، آن‌ها را در سه جعبه در اندازه‌های کوچک با گنجایش یک بسته، متوسط با گنجایش دو بسته و بزرگ با گنجایش سه بسته جا دهد.

– عناب، نه در جعبه کوچک قرار می‌گیرد و نه همراه با توت خشک در یک جعبه مشترک.

– بسته‌های گردو و بادام، در دو جعبه متفاوت و بسته‌های انجیر خشک و توت خشک نیز در دو جعبه متفاوت قرار می‌گیرند.

– اگر جعبه بزرگ حاوی زرشک یا عناب باشد، حاوی گردو نخواهد بود.

۲۰- اگر در جعبه کوچک بادام قرار داده شود، کدام مورد زیر صحیح است؟

- (۱) توت خشک و زرشک، در یک جعبه قرار داده می‌شوند.
 (۲) انجیر خشک و زرشک، در یک جعبه قرار داده می‌شوند.
 (۳) توت خشک، در جعبه بزرگ قرار داده می‌شود.
 (۴) عناب، در جعبه متوسط قرار داده می‌شود.

۲۱- بادام به همراه کدام محصول می‌تواند در بسته متوسط قرار داده شود؟

- (۱) زرشک (۲) عناب (۳) انجیر خشک (۴) توت خشک

۲۲- اگر بسته توت خشک در جعبه بزرگ قرار داده شود، کدام مورد زیر، لزوماً صحیح نیست؟

- (۱) زرشک در جعبه بزرگ خواهد بود.
 (۲) عناب در جعبه متوسط خواهد بود.
 (۳) گردو در جعبه کوچک قرار داده می‌شود.
 (۴) بادام در جعبه بزرگ قرار داده می‌شود.

۲۳- اگر بسته‌های عناب و انجیر خشک، نه در یک جعبه مشترک قرار بگیرند و نه هیچ کدام در جعبه کوچک، زرشک به‌طور قطع در کدام جعبه قرار می‌گیرد؟

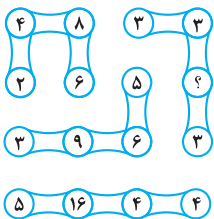
- (۱) بزرگ (۲) متوسط (۳) کوچک (۴) در جعبه‌ای که حاوی گردو هم هست.

بخش چهارم: حل مسئله

راهنمایی: این بخش از آزمون استعداد، از انواع مختلف سؤال‌های کمی، شامل مقایسه‌های کمی، استعداد عددی و ریاضیاتی، حل مسئله و... تشکیل شده است. توجه داشته باشید به‌خاطر متفاوت بودن نوع سؤال‌های این بخش از آزمون، هر سؤال را براساس دستورالعمل ویژه‌ای که در ابتدای هر دسته سؤال آمده است، پاسخ دهید.

راهنمایی: هر کدام از سؤال‌های ۲۴ تا ۲۷ را به‌دقت بخوانید و جواب هر سؤال را در پاسخنامه علامت بزنید.

۲۴- در شکل زیر، بین اعداد ارتباط خاص و یکسانی برقرار است. به جای علامت سؤال، کدام عدد باید قرار بگیرد؟



(۱) ۶

(۲) ۹

(۳) ۱۲

(۴) ۱۵

۲۵- در شکل زیر، یک مستطیل با نسبت اضلاع ۳ به ۵ دیده می‌شود که دو مثلث متساوی‌الساقین از آن جدا شده است. مساحت ناحیه باقیمانده

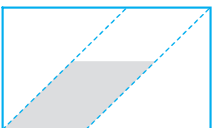
که سایه خورده، چند درصد مساحت مستطیل اولیه است؟

(۱) ۴۸

(۲) ۴۶

(۳) ۴۰

(۴) ۳۲



۲۶- X، یک و نیم برابر Y وزن دارد. اگر X، ۳۰ درصد کاهش وزن بدهد، Y چند درصد باید افزایش وزن بدهد تا مجموع وزن آن‌ها ۱۰ درصد افزایش یابد؟

(۱) ۲۰

(۲) ۴۵

(۳) ۶۰

(۴) ۷۰

۲۷- تعدادی مدارنگی در اختیار داریم. آن‌ها را به بسته‌های ۴تایی و ۶تایی طوری تقسیم می‌کنیم که تعداد بسته‌های ۴تایی به ۶تایی، به نسبت ۵ به ۳ شوند و نهایتاً ۵ مدارنگی اضافه می‌آید. کدام مورد می‌تواند تعداد مدارنگی‌های اولیه را نشان دهد؟

(۱) ۸۳

(۲) ۱۱۹

(۳) ۱۵۵

(۴) ۱۹۱

راهنمایی: سؤال ۲۸، شامل دو مقدار یا کمیت است، یکی در ستون «الف» و دیگری در ستون «ب». مقادیر دو ستون را با یکدیگر مقایسه کنید و با توجه به دستورالعمل، پاسخ صحیح را به شرح زیر تعیین کنید:

- اگر مقدار ستون «الف» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۱) را علامت بزنید.
- اگر مقدار ستون «ب» بزرگ‌تر است، در پاسخنامه گزینه (۲) را علامت بزنید.
- اگر مقادیر دو ستون «الف» و «ب» با هم برابر هستند، در پاسخنامه گزینه (۳) را علامت بزنید.
- اگر براساس اطلاعات داده شده در سؤال، نتوان رابطه‌ای را بین مقادیر دو ستون «الف» و «ب» تعیین نمود، در پاسخنامه گزینه (۴) را علامت بزنید.

کله ۲۸- در یک دوره جام جهانی فوتبال، به ازای هر ۲ گل به ثمر رسیده، ۳ کارت زرد داده شده و به ازای هر ۲ کارت زرد داده شده، ۵ ضربه کرنر اعلام شده است.

(ب)

(الف)

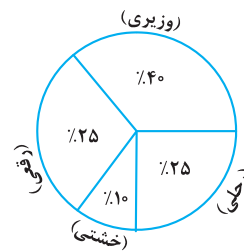
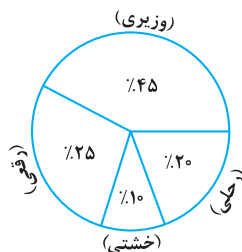
تعداد گل‌های به ثمر رسیده در	تعداد کارت‌های زرد داده شده، در
این جام جهانی، در حالی که ۹۰	حالی که تعداد کرنرها از تعداد
ضربه کرنر اعلام شده باشد.	گل‌ها، ۴۴ عدد بیشتر بوده است.

راهنمایی: با توجه به اطلاعات و نمودارهای زیر، به سؤال‌های ۲۹ و ۳۰ پاسخ دهید.

یک ناشر، کتاب‌های خود را در چهار قطع «وزیری»، «رقعی»، «خشتی» و «رحلی» در دو گروه A و B به چاپ رسانده است و نسبت کتاب‌های گروه A به B، یک به چهار است. نمودار ۱، سهم هر قطع از مجموع کتاب‌های منتشر شده و نمودار ۲، سهم هر قطع در کتاب‌های گروه B را نشان می‌دهد.

نمودار ۲: «سهم هر قطع در کتاب‌های گروه B»

نمودار ۱: «سهم هر قطع از مجموع کتاب‌های منتشر شده»



کله ۲۹- تعداد کتاب‌های گروه B که در قطع خشتی به چاپ رسیده‌اند، تقریباً چند درصد از کل کتاب‌هایی هستند که در قطع وزیری به چاپ رسیده‌اند؟

۱۶/۷ (۴)

۱۳/۳ (۳)

۸/۳ (۲)

۶/۷ (۱)

کله ۳۰- به ازای هر کتابی که در قطع رقیعی در گروه A به چاپ رسیده، در مجموع چند کتاب در قطع وزیری به چاپ رسیده است؟

۲ (۴)

۴ (۳)

۶ (۲)

۸ (۱)

۲۲- گزینه «۳» اگر توت خشک در جعبه بزرگ قرار داده شود، با توجه به داده اول، عناب باید در جعبه متوسط قرار داده شود. طبق داده دوم انجیر خشک باید در یکی از دو جعبه اول یا دوم باشد. همچنین از بین بادام و گردو نیز یک کدام باید در جعبه کوچک یا متوسط قرار گیرد. بنابراین گردو و انجیر خشک می‌توانند در یکی از دو جای باقی‌مانده، در جعبه متوسط و کوچک قرار گیرند. لذا گزینه (۳) لزوماً صحیح نیست.

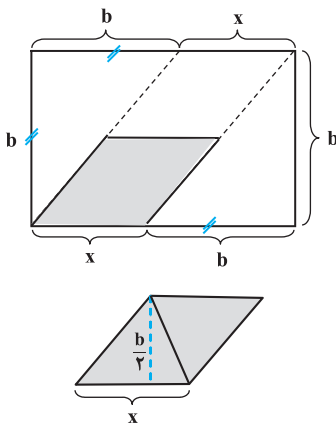
۲۳- گزینه «۱» اگر عناب و انجیر در جعبه کوچک و نه در یک جعبه مشترک قرار گیرند، با توجه به داده اول و دوم، توت خشک فقط می‌تواند در جعبه کوچک قرار بگیرد. عناب و انجیر خشک هر کدام در یکی از جعبه‌های خالی متوسط و بزرگ قرار می‌گیرند. با توجه به داده دوم، گردو نیز همین حالت را داشته پس زرشک باید در جعبه بزرگ قرار گیرد.

بخش چهارم: حل مسأله

$$3 \times 3 = 3 + ? \Rightarrow ? = 6$$

۲۴- گزینه «۱» در هر ترکیب به صورت (a) (b) (c) (c) (b) (a) رابطه به صورت $ad = b + c$ است. بنابراین داریم:

۲۵- «هیچ کدام از گزینه‌ها صحیح نیست.» اطلاعات صورت سؤال را جمله‌به‌جمله پیاده می‌کنیم:



فرض می‌کنیم عرض مستطیل b باشد، با توجه به صورت سؤال باید طول مستطیل $\frac{5}{3}b$ باشد. چون مثلث‌ها متساوی‌الساقین هستند، اندازه ضلعی که روی طول مستطیل قرار دارد هم برابر با b است و چون طول مستطیل $\frac{5}{3}b$ است، پس مقدار x برابر با $x = \frac{5}{3}b - b = \frac{2}{3}b$ می‌باشد. متوازی‌الاضلاعی که مساحت آن مورد نظر است، مجموع مساحت دو مثلث است، پس کفایت مساحت یک مثلث را حساب کنیم. با فرض اینکه دو متوازی‌الاضلاع مساوی هم هستند، ارتفاع مثلث $\frac{b}{3}$ می‌شود.

$$\text{مساحت یک مثلث} = \frac{1}{2} \times \frac{2}{3}b \times \frac{b}{3} = \frac{b^2}{9}$$

پس مساحت متوازی‌الاضلاع برابر با $2 \times \frac{b^2}{9} = \frac{2b^2}{9}$ می‌شود. اما باید مساحت مستطیل که عرض آن b و طول آن $\frac{5}{3}b$ است را حساب کنیم:

$$\text{مساحت مستطیل} = \frac{5}{3}b \times b = \frac{5}{3}b^2$$

$$\frac{\text{مساحت متوازی‌الاضلاع}}{\text{مساحت مستطیل}} = \frac{\frac{2b^2}{9}}{\frac{5}{3}b^2} = \frac{2}{15} \xrightarrow{\text{صورت و مخرج ضربدر ۲۰}} \frac{4}{30} = \frac{2}{15} = \frac{20}{100}$$

حالا سراغ نسبت خواسته شده می‌رویم:

متأسفانه جواب صحیح در گزینه‌ها موجود نیست و ظاهراً سازمان سنجش در تصحیح پاسخنامه این سؤال را حذف کرده است! موضوع دیگر این که در صورت سؤال یک اشکال اساسی وجود داشت و ما در واقع با فرض ذهن طراح، سؤال را حل کردیم و به جواب ۲۰ درصد رسیدیم. آن اشکال این بود که ما فرض کردیم دو متوازی‌الاضلاع یکسان و برابرند و برای همین ارتفاع را دقیقاً $\frac{b}{3}$ در نظر گرفتیم و این در صورت سؤال ذکر نشده بود و به صورت چشمی شاید این‌طور به نظر برسد ولی در ریاضیات بحث چشمی مطرح نیست!!

۲۶- گزینه «۴» اطلاعات صورت سؤال را به زبان ریاضی بیان می‌کنیم:

$$x = 1/\Delta y = \frac{2}{3}y \Rightarrow y = \frac{3}{2}x$$

$$(x + \frac{30}{100}x) + (y + \frac{a}{100}y) = \frac{110}{100}(x + y)$$

y را بر حسب x در رابطه‌ی دوم جایگزین می‌کنیم و دنبال a هستیم:

$$\frac{70}{100}x + \frac{2}{3}x + \frac{a}{100}(\frac{3}{2}x) = \frac{110}{100}(x + \frac{3}{2}x) \xrightarrow{\text{طرفین ضربدر ۳۰۰}} 210x + 200x + 3ax = 110 \times 5x$$

$$\xrightarrow{\text{حذف } x \text{ از طرفین}} 210 + 200 + 3a = 550 \Rightarrow 3a = 550 - 410 \Rightarrow 3a = 140 \Rightarrow \boxed{a = 46.67}$$

$$\frac{x}{y} = \frac{5}{3} \Rightarrow x = \frac{5}{3}y$$

۲۷- گزینه «۲» تعداد بسته‌های ۴ تایی را x و تعداد بسته‌های ۶ تایی را y می‌نامیم. معادله‌ی مقابل را داریم:

تعداد مدادرنگی‌های اولیه طبق گفته سؤال برابر با $4x + 6y + 5$ است، چون $x = \frac{5}{3}y$ لذا تعداد مدادرنگی‌ها برابر با مقدار زیر است:

$$\text{تعداد مدادرنگی‌ها} = 4\left(\frac{5}{3}y\right) + 6y + 5 = \frac{20}{3}y + 6y + 5 = \frac{38y}{3} + 5$$

چون در صورت سؤال کلمه‌ی می‌تواند ذکر شده، باید با مقاردهی به y ، گزینه‌ها را بررسی کنیم:

دقت کنید که y ‌های انتخاب باید حتماً مضرب ۳ باشد و طوری انتخاب شود که اعداد نزدیک به گزینه‌ها حاصل شود.

گزینه (۱) غلط است. $\Rightarrow \frac{38}{3} \times 6 + 5 = 79 \Rightarrow$ تعداد مدادرنگی‌ها $y = 6$

گزینه (۲) صحیح است. $\Rightarrow \frac{38}{3} \times 9 + 5 = 114 + 5 = 119 \Rightarrow$ تعداد مدادرنگی‌ها $y = 9$

پس گزینه (۲) جواب صحیح است. برای تمرین گزینه‌های (۳) و (۴) را باهم بررسی می‌کنیم:

گزینه (۳) غلط است. $\Rightarrow \frac{38}{3} \times 12 = 4 \times 38 + 5 = 157 \Rightarrow$ تعداد مدادرنگی‌ها $y = 12$

گزینه (۴) غلط است. $\Rightarrow \frac{38}{3} \times 15 = 5 \times 38 + 5 = 195 \Rightarrow$ تعداد مدادرنگی‌ها $y = 15$

۲۸- گزینه «۳» تعداد گل‌ها را x ، تعداد کارت‌های زرد را y و تعداد کرنرها را z در نظر می‌گیریم. طبق صورت سؤال روابط زیر را داریم:

$$\frac{x}{y} = \frac{2}{3} \Rightarrow x = \frac{2}{3}y, \quad \frac{y}{z} = \frac{2}{5} \Rightarrow y = \frac{2}{5}z, \quad x = \frac{2}{3}\left(\frac{2}{5}z\right) \Rightarrow \frac{2}{15}z$$

حالا سراغ محاسبه‌ی ستون‌ها می‌رویم. در ستون الف، مقدار z برابر ۹۰ داده شده و باید مقدار x محاسبه شود.

$x = \frac{2}{15} \times 90 = 4 \times 6 = 24 \Rightarrow$ مقدار ستون (الف) $x = 24$

در ستون (ب) تساوی $z - x = 44$ داده شده و باید مقدار y را حساب کنیم:

$$z - x = 44 \xrightarrow{\substack{z = \frac{5}{2}y \\ x = \frac{2}{3}y}} \frac{5}{2}y - \frac{2}{3}y = 44$$

$$\Rightarrow \left(\frac{15-4}{6}\right)y = 44 \Rightarrow \frac{11}{6}y = 44 \Rightarrow \frac{y}{6} = 4 \Rightarrow y = 24$$

چون مقدار دو ستون برابر شد، پس باید گزینه (۳) به‌عنوان جواب انتخاب شود.

$$\frac{n(A)}{n(B)} = \frac{\text{تعداد کتاب‌های گروه A}}{\text{تعداد کتاب‌های گروه B}} = \frac{1}{4} \Rightarrow n(A) = \frac{n(B)}{4}$$

۲۹- گزینه «۳»

$$\frac{\text{تعداد کتاب‌های گروه خشتی}}{\text{کل کتاب‌هایی که وزیری به چاپ نرسیده است}} = \frac{\frac{10}{100} \times n(B)}{\frac{(100-45)}{100} \times n(B) + \frac{(100-40)}{100} \times n(A)} \times 100$$

$$\Rightarrow \frac{\frac{10}{100} \times n(B)}{\frac{60}{100} [n(A) + n(B)]} = \frac{\frac{1}{10} n(B)}{\frac{6}{10} \times \frac{5}{4} n(B)} = \frac{1}{6 \times \frac{5}{4}} = \frac{4}{30} = \frac{2}{15} \approx 13/3$$

۳۰- گزینه «۱»

$$\frac{\text{کتاب‌های وزیری}}{\text{کتاب‌های رقی}} = \frac{\frac{40}{100} n(A) + \frac{45}{100} n(B)}{\frac{25}{100} n(A)} = \frac{\frac{2}{5} (n(A) + n(B))}{\frac{1}{4} n(A)} = n(A) = \frac{n(B)}{4} \Rightarrow n(B) = 4n(A) *$$

$$* \Rightarrow \frac{8}{5} \times \frac{5(n(A))}{n(A)} = 8$$

سؤالات زبان و ادبیات فارسی

دروس تخصصی (کلیات ادبی) (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت

■ عین الأصحّ واللادقّ فی الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعریب (۱-۹)

کله ۱- «ولا تقفّ ما لیس لك به علم، إن السّمع والبصر والفؤاد کلّ أولئك کان عنه مسؤوّلًا»:

- ۱) چیزی را که علم آن را نداری دنبال مکن، چه گوش و چشم و دل همگی و به‌طور جمعی پاسخگوی آن خواهند بود!
- ۲) بر آنچه بدان وقوف نداری تکیه مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب تو جمعاً در مورد آن سؤال خواهند شد!
- ۳) از آنچه بدان علم نداری پیروی مکن، چه هر یک از گوش و چشم و دل در مورد آن پاسخگو می‌باشند!
- ۴) بر چیزی که نمی‌دانی توقف مکن، زیرا شنوایی و بینایی و قلب همگی مسئول آن خواهند بود!

کله ۲- «إن أقعد أحدًا منکم الکبر عن مکسبه و لقاء إخوانه، فزروه و عظموه و استظهروا بفضل تجربته!»:

- ۱) اگر کسی از بین شما به‌خاطر کبر و خودخواهی از کسب روزی باز ایستاد، پس شما او را دیدار کنید و کارش را بزرگ دارید و تجربه‌اش را آشکار کنید!
- ۲) چنانچه کسی از شما در بزرگسالی از کار کردن و دیدار دوستان ناتوان شده، شما او را دیدار کنید و به بزرگداشت او بپردازید و از تجربه‌اش استفاده کنید!
- ۳) اگر کهولت سن کسی را از بین شما از کار و کسب و دیدار یارانش بازداشت، به دیدارش بروید و بزرگش دارید و از نعمت تجربه‌اش کمک بگیرید!
- ۴) چنانچه کسی را کهنسالی از کسب روزی ناتوان کرد و از دیدار برادران منع نمود، پس او را ببینید و بزرگ بدارید و به‌خاطر تجربه عظیمش باریش کنید!

کله ۳- «أعوامٌ وصلی، کان ینسی طولها ذکر النّوی، فکانها آیامًا»:

- ۱) سال‌های وصلی که یاد فراق، طولانی بودن آن را از یاد می‌برد، گویی که آن سال‌ها روزهایی بیش نبودند!
- ۲) یاد لحظه‌های فراق سالیان پیوند و آشنایی را کوتاه می‌کند، گویی که آن سال‌ها در چشم من بیش از چند روز نبوده‌اند!
- ۳) به‌خاطر آوردن جدایی طول مدت آشنایی و وصل را محو می‌کند، انگاری که تمام آن سال‌ها طی چند روز اتفاق افتاده است!
- ۴) سال‌های وصل را به‌خاطر می‌آورم، یاد جدایی از آن سال‌ها مدت طولانی‌تر را از ذهن پاک می‌کند، مثل این است که روزها گذشته است!

کله ۴- «ونکرّم جارنا مادام فینا و ننبهه الکرامة حیث ما لا!»:

- ۱) همسایه خود را مادام که بین ما است اکرامش می‌کنیم و هر کجا برود کرامت خویش را به‌دنبال او روانه می‌سازیم!
- ۲) همسایه را تا وقتی در بین ما اقامت دارد احترام می‌کنیم و چون از ما رویگردان شود باز هم او را اکرام می‌کنیم!
- ۳) هر کس را که به ما جور کند نیز مورد مکرمت خود قرار می‌دهیم و به هر جا روی بیاورد کرم خویش را در پی او می‌فرستیم!
- ۴) آن کس را که در جوار ما به‌سر می‌برد در معرض احترام قرار می‌دهیم و چون به سمتی روانه شود با اکرام به‌دنبال او می‌رویم!

کله ۵- عین الخطأ:

- ۱) إلی الله أشکو من معشر یعیشون جهالاً و یموتون ضلّالاً: من از گروهی که نادان زیست می‌کنند و گمراه می‌میرند، به الله شکایت می‌کنم.
- ۲) لیس فیهم سلعةٌ أبور من الکتاب إذا تلی حقّ تلاوته: نزد آنان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست هرگاه آن‌طور که شایسته آن است تلاوت گردد.
- ۳) و لا سلعةٌ أعلیٰ ثمناً من الکتاب إذا حُرّف عن مواضعه: و نه کالایی گران‌بهارتر از قرآن است هرگاه از مواضع خود تحریف گردد.
- ۴) و لا عندهم أنکر من المعروف و لا أعرّف من المنکر! و منکرتر از امر به معروف نزد آنان نیست و جز منکر از آنان نمی‌شناسم!

کله ۶- «و ما کنت ممّن أدرك الملک بالمّنی و لکن بأیام أشین النواصیا!». عین الأقرب إلی مفهوم البیت:

- ۱) ای مسیح خوش نفس چونی ز رنج که نبود اندر جهان بی‌رنج گنج!
- ۲) عمر بگذشت و ندیدیم به خود روزبهی تا به کی ای فلک، این دور مکرر دیدن!
- ۳) موی سپید را فلکم به رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده‌ام!
- ۴) خواب نوشین بامداد رحیل بازدارد پیاده را ز سبیل!

کله ۷- «إن کان لا یغنیک ما یکفیک فکلّ ما فی الأرض لا یغنیک!». عین ما لا یناسب مفهوم البیت:

- ۱) گدا را کند یک درم سیم سیر فریدون به ملک عجم، نیم سیر!
- ۲) گفست چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور!
- ۳) گنج زر گر نبود گنج قناعت بر پاست آنکه آن داد به شاهان، به گدایان این داد!
- ۴) روده تنگ به یک نان جوین پر گردد نعمت روی زمین پر نکند دیده تنگ!

کله ۸- «زهار از اینکه در بین مردم چون حبله گران زندگی کنید و در بین مسلمین تفرقه بیفکنید!» عین الخطأ:

(۱) إیتاکم و المعیشة بین الناس کعیش الماکرین، و أن تفرقوا بین المسلمین!

(۲) إیتاکم إیتاکم أن تعیشوا بین الناس عیشة الماکرین و تشقوا عصا المسلمین!

(۳) حذار من العیش بین الأنام کما یعیشہ المحتالین و أن لا تشقوا عصا المسلمین!

(۴) أهدرکم من أن تعیشوا بین الأنام عیش المحتالین و أن تبثوا الفرقة بین المسلمین!

کله ۹- «برخی از صنایع ادبی در ضرب المثل های عربی نفوذ کرده بود، اما در تمام آن ها عمومیت نداشت، بلکه بسیاری از این ضرب المثل ها خالی از هر نوع فن و بیانی بود، زیرا ضرب المثل ها عادتاً در زبان محاوره رایج است!». عین الصحیح:

(۱) كانت قد تسریت الأمثال العربیة فی المجتمع العربی دون بعضه و الأمثال الأدبیة هذه کثیراً ما كانت خالیة عن الفنّ و البیان و كانت تسود فی لغة التّحاور کالعادة!

(۲) بعض الصنائع الأدبیة كانت قد تسریت فی الأمثال العربیة و لکنها لا تعمّ کلها، بل کثیر من هذه الأمثال كانت مغسولة من کل فنّ و بیان، لأنّ الأمثال تجری فی لغة التّخاطب عادة!

(۳) من الصنائع الأدبیة ما كانت تنفذ فی الأمثال العربیة و لکن لا تشمل کلّ ذلك، بل کثیراً ما كانت الأمثال تضرب دون آی فنّ و بیان، لأنّ الأمثال هذه جاریة فی لغة الحوار کالعادة!

(۴) كانت الصنائع الأدبیة تدخل فی أمثال اللّغة العربیة و لکنها لا توجد فی کلها، بل الأمثال العربیة كانت تخلو من الفنّ و البیان کثیراً و عامّة الناس تستفید منها فی لغتها الدّارجة عادة!

■ عین المناسب للجواب عن التشکیل (۱۰ و ۱۱)

کله ۱۰- عین الصحیح:

(۱) إنّما من علامات الفقه الحلم و الصّمت!

(۲) التواضع أن تعطی الناس ما تحبّ أن تعطاه!

(۳) من أنصف الناس من نفسه رضى به حکماً بغيره و لاشکّ فیہ!

(۴) الغامل عن غیر بصیرة کالسائر علی غیر الطریق، لا یزیدہ سرعة السیر إلاّ البعد!

کله ۱۱- عین الخطأ:

(۱) إنّ الذین لم یهتّموا الحُبّ أجنحة لا یستطیعون أن یطیروا إلى ماوراء الغیوم،

(۲) لیروا ذلك العالم السحریّ الذی طافّ فیہ روجی فی تلك السّاعة المحزّنة،

(۳) إنّ الذین لم یخذّموا الحُبّ أتباعاً لا یسمعون الحُبّ متکلماً،

(۴) فہم و إن فہموا معانی هذه الصّفحات الضّئيلة لا یمكنہم أن یروا ما وراء ذلك!

■ عین الصحیح عن الإعراب و التحلیل الصرفی (۱۲-۱۵)

کله ۱۲- «ذلك أن لم یکن ربک مهلك القرى بظلم و أهلها غافلون»:

(۱) أن: مخففة «أن» المشبّهة بالفعل، اسمها ضمیر الشأن و الجملة اسمیة و خبر للمبتدأ «ذلك»

(۲) أهل: اسم جمع، و مرفوع علی الابتداء و الجملة اسمیة و حالیّة، و صاحب الحال «مهلك» و الرابط ضمیر «ها»

(۳) یکن: فعل مضارع و مجزوم بحرف لم و علامة جزمه حذف حرف العلة؛ من الأفعال الناقصة و اسمه «رب»

(۴) القرى: جمع تکسیر (مفردة: قرية، مؤنث)، مضاف إليه و مجرور محلاً فی اللفظ و فی المعنی نائب فاعل لشبه الفعل «مهلك»

کله ۱۳- «أتونی زبر الحديد حتّى إذا ساوى بین الصّدفین قال انفضّوا حتّى إذا جعله نازا قال أتونی أفرغ علیه قطراً»:

عین الصحیح:

(۱) ساوى: فعل ماضٍ من باب مفاعلة و لفیف مقرون و فاعله الضمیر المستمر فیہ جوازاً تقدیره «هو» و الجملة فعلیة و فی محلّ نصب علی الظرفیة!

(۲) أتوا (الأولی): فعل أمر من المجرد الثلاثی، معتل و ناقص (إعلاله بالحذف) و مبنی علی حذف نون الإعراب

(۳) قطراً: متنازع علیه و هو إمّا مفعول ثانٍ لفعل «أتوا» أو مفعول لفعل «أفرغ» و العامل الآخر مستغن عن المعمول

(۴) أفرغ: متنازع علیه، مجرد ثلاثی و جواب طلب و مجزوم علی أنّه جواب لشرط محذوف مع أدواته



- ۱۴- «ما ملوم المتأنی» و «ما مشكورون البخلاء». عین الصحیح عن الكلمتين «المتأنی» و «مشكورون»:
- ۱) صفة مشبهة على وزن اسم الفاعل، مبتدأ مؤخر و مرفوع بضمّة ظاهرة / اسم «ما» شبيه بليس و مرفوع بالواو
 - ۲) اسم فاعل و مصدره «تأنی» و نائب فاعل لشبه الفعل «ملوم» / اسم مفعول و خبر مقدم و مرفوع بالواو
 - ۳) فاعل لشبه الفعل «ملوم» و مرفوع بضمّة مقدّرة / صفة مشبهة و هو «فعل» بمعنى مفعول و مبتدأ و مرفوع
 - ۴) مشتق و اسم فاعل و مصدره «تأنّ» و مرفوع بضمّة مقدّرة / مشتق و اسم مفعول و شبه الفعل و فاعله «البخلاء»
- ۱۵- «عليكم بالتواصل و التبادل و إياكم و التداير و التقاطع!». عین الصحیح عن إعراب «عليكم» و «إياكم»:
- ۱) شبه جملة و خبر مقدم وجوباً / محذّر منه و مبتدأ و مرفوع محلاً
 - ۲) جار و مجرور و محذّر منه / اسم فعل مرتجل و فاعله ضمير «كم» البارز
 - ۳) اسم فعل منقول من الجار و المجرور / مفعول به لفعل محذوف من باب التحذير
 - ۴) مفعول به لفعل محذوف من باب الإغراء / محوّل من الضمير المتصل لتعدّر تفرّده

■ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶-۲۰)

۱۶- عین الخطأ عن صيغة الأسماء التي أشير إليها بخط:

- ۱) «قالوا معذرة إلى ربكم» (مصدر ميمي)
- ۲) «سبح لله تسبيحة» (اسم النوع أو الهيئة)
- ۳) «يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلية» (مصدر صناعي)
- ۴) «أطلب الإجابة عند إقشعرار الجلد و عند إفاضة العبرة!» (مصدر رباعي مزيد)

۱۷- عین اسم الفعل بمعنى الأمر:

- ۱) مه، ما هذا الفضول!
- ۲) هيهات الذلّة منّا!
- ۳) بخّ لك على هذا التقدّم!
- ۴) شتّان ما بين المجتهد و الكسلان!

۱۸- عین ما ليس فيه حرف جرّ زائد:

- ۱) «أليس الله بأحكم الحاكمين»
- ۲) «و ما الله بغافل عمّا تعملون»
- ۳) «ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت»
- ۴) «كتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور»

۱۹- عین الخطأ (في العدد):

- ۱) إنه أتى لنا بمائة دليل و نيّف ليشبث مدّعا!
- ۲) له ستّ و نيّف من المقالات العلمية البارعة!
- ۳) يدرس في كليتنا ألف و نيّف من الطلبة و الطالبات!
- ۴) كان يطالبنا من الأجرة تسعين و نيّفاً من التومانات!

۲۰- عین الخطأ في إعراب المستثنى:

- ۱) ما نجح من طالبات صفّنا إلّا عشرين منهن!
- ۲) لم يبق في الصفّ إلّا خمسة و عشرين من الطلّبة!
- ۳) لن يفوز في السباق إلّا هؤلاء المثابرون في التدريب!
- ۴) لم يفز في سباق العام الماضي إلّا المثابرون و الماثبات!

۲۱- بيت زير به چه نکته‌ای اشاره دارد؟

- «لم يذق لم يدر» هر کس کاو نخورد
- کی به وهم آرد جعل انفاس ورد
- ۱) معرفت مستلزم قابلیت است.
 - ۲) کوشش مقدمه چشم است.
 - ۳) بیمار دل از بوی خوش بی نصیب است.
 - ۴) معرفت مقدمه ایمان است.

۲۲- معنی بیت زير کدام مورد است؟

- «شرط من جاء الحسن نه کردن است
- ايں حسن را سوى حضرت بردن است»
- ۱) شرط تحقق عمل صالح، دوری از ریا و خلوص نیت است.
 - ۲) شرط انجام حسنه نفی ماسوی و پذیرش حق و رفتن به سوی خداوند است.
 - ۳) صرف انجام دادن فعل، ملاک نیست، بلکه حقیقت عمل باید به خداوند برسد.
 - ۴) شرط دستیابی به اجر و پاداش الهی در انجام عمل، خود را در بارگاه الهی دیدن است.

پاسخنامه زبان و ادبیات فارسی

دروس تخصصی (کلیات ادبی (تاریخ ادبیات، دستور، عروض و قافیه، نقد و نظریه‌های ادبی معاصر) - متون نظم و نثر - زبان عربی - متون نظم - متون نثر - بلاغت)

۱- گزینه «۳» لاتقف: پیروی نکن، توقف مکن/ ما لیس لک به علم: از آنچه بدان علم نداری
السمع: گوش/ البصر: چشم/ الفؤاد: دل، قلب / کُلُّ: هر یک / کان عنه مسؤولا: در مورد آن پاسخگو می‌باشد.
با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۳) صحیح است.
در گزینه (۱) «دنبال مکن»، «به‌طور جمعی» نادرستند. در گزینه (۲) «وقوف نداری»، «تکیه مکن»، «سؤال خواهند شد»، نادرستند و در گزینه (۴) واژه «به: نسبت به آن، درباره آن» ترجمه نشده و همچنین عبارت «مسئول آن خواهند بود» نادرست است.

۲- گزینه «۳» أَقْعَدُ: ناتوان کرد، نشانده، از کار انداخت، عاجز کرد/ الکبر: کهنسالی، بزرگسالی
مکسب: درآمد، کسب و کار، دستاورد/ لقاء: دیدار، ملاقات/ إخوان: برادران، یاران
زوروا: دیدار کنید/ عَظْمًا: بزرگ بدارید/ إستهزأ: تمسخر کرد: کمک خواست از، خواستار حمایت... شد/
بفضل: به‌کمک، به یاری، با استعانت از/ تجربه: تجربه
با توجه به ترجمه واژگان فوق گزینه (۳) صحیح است.
در گزینه (۱) «کبر و خودخواهی»، «باز ایستاد» اشتباه هستند، همچنین در این گزینه عبارت «لقاء إخوانه: دیدار یارانش» ترجمه نشده است و نیز، «کارش» و «آشکار کنید» نادرست هستند.
در گزینه (۲) ضمیر «هاء» در «إخوانه: یارانش» ترجمه نشده است و همچنین واژه «بفضل: به یاری، به کمک» ترجمه نشده است. در گزینه (۴) واژه «منکم: از شما» ترجمه نشده و همچنین «منع نمود»، «ببینید»، «یاریش کنید» نادرست ترجمه شده‌اند. بنابراین گزینه (۳) صحیح است.

۳- گزینه «۱» أعوام: سال‌ها (مفرد آن، عام: سال)/ کان ینسی: فراموش می‌کرد، از یاد می‌برد/ طولها: طولانی بودن آن/ ذکر: یاد/ النوی: فراق، دوری/
آیام: روزها/ با توجه به ترجمه واژگان فوق، گزینه (۱) صحیح است.
در گزینه (۲) «لحظه‌ها»، «کوتاه می‌کند» و «در چشم من» نادرست هستند.
در گزینه (۳) واژه «ذکر: یاد» ترجمه نشده و نیز عبارت‌های «محو می‌کند»، «چند روز اتفاق افتاده است» نادرستند و همچنین واژه «أعوام: سالیان» ترجمه نشده است و در گزینه (۴): «به‌خاطر می‌آورم» و «گذشته است» نادرست ترجمه شده‌اند.
لذا گزینه (۱) صحیح است.

۴- گزینه «۱» نُکرم: اِکرام می‌کنیم، احترام می‌کنیم/ جار: همسایه/ مادامَ فینا: تا زمانی که در میان ماست/ تُتبع: پیگیری می‌کنیم، دنباله‌روی می‌کنیم/ حیث: هرجا، هرکجا/ مآل: روانه شود، برود/ با توجه به ترجمه واژگان فوق گزینه (۱) صحیح است.
در گزینه (۲) ضمیر «تا» به معنای «ما» در «جارنا» ترجمه نشده است و فعل «مآل» را به اشتباه «رویگردان شود» ترجمه نموده که نادرست است و همچنین فعل «تُتبع» را به اشتباه «باز هم اِکرام می‌کنیم» ترجمه کرده که نادرست است.
در گزینه (۳) واژه «جارنا» را به اشتباه فعل ترجمه کرده «به ما جور کند» که نادرست و صحیح آن «همسایه ما» می‌باشد و همچنین عبارت «مادام فینا: تا زمانی که در میان ماست» را ترجمه نکرده است و در گزینه (۴) واژه «جار» را به اشتباه «آن‌کس که در جوار ما به‌سر می‌برد» ترجمه نموده که نادرست است، همچنین فعل «تُتبع» را به اشتباه «به‌دنبال او می‌رویم» ترجمه کرده که نادرست است.

۵- گزینه «۴» نکته: طراح در این سؤال از «تله بصری» بهره برده است، یعنی داوطلب با نگاهی دقیق می‌تواند گزینه صحیح را تشخیص دهد. عبارت‌های عربی هر ۴ گزینه یکی از سخنرانی‌های امیرالمؤمنین علی(ع) خطاب به مردم است.
در گزینه (۴) واژه «أنکر: ناشناخته‌تر، منکرتر» اسم تفضیل است که به‌درستی ترجمه شده است، اما واژه «أعرف: شناخته‌تر، معروف‌تر» که در تضاد با «أنکر» می‌باشد و مانند آن، اسم تفضیل است را به اشتباه به‌صورت فعل مضارع ترجمه نموده، «نمی‌شناسم» که نادرست است لذا گزینه (۴) درست است.
* داوطلب با دیدن واژه «أنکر: اسم تفضیل» به‌راحتی می‌تواند تشخیص دهد که «أعرف» نیز اسم تفضیل است و نمی‌توان آن را به‌صورت فعل ترجمه کرد.

۶- گزینه «۱» مفهوم بیت عربی سؤال این است که «مُلک و فرمانروایی با آرزو کردن و رؤیایپردازی به‌دست نمی‌آید، بلکه برای رسیدن به آن باید سختی‌ها و مشقات متعددی را تحمّل نمود و در قرآن کریم هم به این امر اشاره شده است، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»: قطعاً پس از هر سختی، آسایش و راحتی است. بنابراین برای رسیدن به قله‌های موفقیت باید با رنج‌ها و سختی‌های روزگار پنجه در پنجه شد.
لذا این مفهوم تنها با گزینه (۱) قرابت معنایی دارد و سه گزینه دیگر هیچ ارتباط معنایی با این مفهوم ندارند.

۷- گزینه «۳» مفهوم بیت عربی سؤال این است که «اگر به آنچه که رزق و روزی توست بسنده نکنی و زیاده‌خواه باشی پس قطعاً هیچ‌چیز تو را در روی زمین بی‌نیاز نخواهد کرد، به‌عبارت دیگر «کسی که چشم طمع به مال دنیا داشته باشد، قطعاً سیری‌ناپذیر خواهد بود» و این مفهوم با هر سه گزینه (۱ و ۲ و ۴) قرابت معنایی دارد اما هیچ ارتباط معنایی با گزینه (۳) ندارد، زیرا مفهوم گزینه (۳) این است که «اگر خداوند گنجی به‌نام «ثروت» را به پادشاهان داد در عوض گنج دیگری به نام «قناعت» را به گدایان داد.»

۸- گزینه «۳» مردم: الناس / حيله‌گران: ماکرین، محتالین / در بین... تفرقه بیفکنید: أَنْ تَفَرَّقُوا بَيْنَ، أَنْ تَشَقُّوا عِصَا، أَنْ تَبْتَوُوا الْفِرْقَةَ بَيْنَ. با توجه به تعریب واژگان فوق، گزینه (۳) نادرست است.

نکته: شَقَّ عِصَا الْمُسْلِمِينَ: میان مسلمانان تفرقه انداخت، میان مسلمانان تفرقه ایجاد کرد.

با توجه به‌عبارت فوق داوطلب به‌راحتی می‌تواند گزینه صحیح را انتخاب نماید، زیرا طراح در این سؤال تنها به «تله بصری» توجه داشته است و داوطلب با یک نگاه به‌راحتی می‌تواند گزینه صحیح را تشخیص دهد، در عبارت آخر سؤال گفته شده: «تفرقه بیفکنید» که یک فعل امر است و این عبارت در سه گزینه (۱ و ۲ و ۴) به‌درستی تعریب شده، «أَنْ تَفَرَّقُوا: تفرقه بیفکنید»، «تَشَقُّوا عِصَا: میان... تفرقه بیفکنید»، «أَنْ تَبْتَوُوا الْفِرْقَةَ: اختلاف بیندازید» اما در گزینه (۳) به‌صورت «نهی» تعریب شده که با عبارت سؤال همخوانی ندارد، «أَنْ لَا تَشَقُّوا عِصَا: میان... اختلاف نیفکنید»، بنابراین داوطلب فقط با دیدن حرف نهی «لا» به‌راحتی می‌تواند گزینه صحیح را تشخیص دهد.

۹- گزینه «۲» برخی: بعضی / صنایع ادبی: الصنائع الأدبية / ضرب‌المثل‌های عربی: الأمثال العربية / نفوذ کرده بود: كانت قد تسرَّبت / خالی از: مغسولة من / زبان محاوره: لغة التخاطب

نکته: «کان + قد + فعل ماضی» = ماضی‌بعید ← كانت قد تسرَّبت: نفوذ کرده بود.

با توجه به نکته و تعریب واژگان فوق، گزینه (۲) صحیح است.

در گزینه (۱) صنایع ادبی را به اشتباه «الأمثال العربية» و ضرب‌المثل‌های عربی را به اشتباه «المجتمع العربي» تعریب نموده است.

در گزینه (۳) کان + فعل مضارع = ماضی استمراری، لذا كانت تنفذ: نفوذ می‌کرد، تعریب درستی برای «نفوذ کرده بود»، نمی‌باشد و همین نکته در گزینه (۴) نیز تکرار شده، که نادرست است (كانت تدخل: داخل می‌شد). همچنین در گزینه (۳) «كالعادة» حرف «كاف» زاید است و در عبارت سؤال به آن اشاره‌ای نشده است و در گزینه (۴) نیز واژه «اللغة: زبان» اضافی است و در عبارت سؤال به آن اشاره‌ای نشده است.

۱۰- گزینه «۴» نکته: هرگاه پس از «إِنَّ» حرف مشبهة بالفعل، «ما»ی کافه بیاید از عمل نمودن باز می‌ماند، یعنی دیگر نمی‌توان برای آن «اسم و خبر» عنوان نمود، بنابراین در گزینه (۱) دو واژه «الحلم و الصمت» نادرست هستند و حرکت‌گذاری صحیح آن‌ها «الحلم و الصمت» می‌باشد. «الحلم»: مبتدای مؤخر و مرفوع و «الصمت»: معطوف و مرفوع.

در گزینه (۲) فعل «تعطی» (دوم) مجهول است، لذا «تعطأ» نادرست است و صحیح آن «تعطی» می‌باشد و در گزینه (۳) واژه «نفس» با فتح العین نادرست است و صحیح آن «نفس» با ساکن نمودن حرف وسط (فاء) می‌باشد.

۱۱- گزینه «۱» در این سؤال هر سه گزینه (۲ و ۳ و ۴) به‌صورت صحیح حرکت‌گذاری شده‌اند، اما در گزینه (۱) واژه «الحب» فاعل و مرفوع برای فعل «لم یهب» می‌باشد که به اشتباه به‌صورت منصوب حرکت‌گذاری شده «الحب» و صحیح آن «الحب» می‌باشد، بنابراین گزینه (۱) صحیح می‌باشد.

۱۲- گزینه «۱» نکته: تخفیف آن: هرگاه «أَنَّ» تخفیف یابد، در این صورت از عمل خویش باز نخواهد ماند (بخلاف إِنْ مخففة من المثقلة) بلکه ضمیر شأن محذوف، اسم آن و جمله‌ای که بعد از «أَنَّ» مخففة عنوان می‌شود، خبر آن به حساب می‌آید، مانند: «ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى» در این مثال، «أَنَّ» مخففة از مثقلة و ضمیر شأن محذوف، اسم آن و جمله «لم يكن ربك مهلك القرى» در محل رفع، خبر برای «أَنَّ» مخففة شمرده می‌شود. با توجه به توضیحات فوق گزینه (۱) صحیح است.

در گزینه (۲) صاحب الحال «مهلك» نادرست است. در گزینه (۳) علامت جزم «يكن» سکون است، لذا حذف حرف العلة نادرست است و در گزینه (۴) واژه «القرى» در معنی «مفعول به و منصوب» برای شبه‌فعل «مهلك» می‌باشد (مهلك القرى: نابود می‌کند روستاها را).

۱۳- گزینه «۳» نکته: تنازع در لغت به‌معنای نزاع کردن و درگیر شدن و در اصطلاح، آن است که دو عامل (یا بیشتر) مقدم به یک معمول «اسم ظاهر» توجه و التفات پیدا کنند، مانند: «أتونی أفرغ علیه قطراً» در این مثال، هریک از دو عامل «أتوا» و «أفرغ»، خواستار آن هستند که معمول «قطراً» را بنابر «مفعولیت» منصوب کنند و به اسم ظاهر، متنازع‌فیه (یا علیه) گفته می‌شود؛ بنابراین در این مثال، واژه «قطراً» که متنازع‌علیه می‌باشد می‌تواند به عنوان مفعول به دوم برای فعل «أتونی» عنوان شود و عامل دوم یعنی فعل «أفرغ» از مفعول به بی‌نیاز شود و بالعکس (یعنی می‌توان قطراً به عنوان مفعول به برای فعل «أفرغ» ذکر شود و عامل اول یعنی فعل «أتونی» از مفعول به ثانی بی‌نیاز شود، با توجه به توضیحات فوق، گزینه (۳) صحیح است.

در گزینه (۱) جمله فعلیه «ساوی» مضاف‌الیه و محلاً مجرور است، زیرا پس از «إذا» که ظرف زمان است، آمده. در گزینه (۲) فعل «أتوا» ثلاثی مزید از باب «إفعال» است و در گزینه (۴) فعل «أفرغ» عامل است نه متنازع‌علیه بنابراین متنازع‌علیه نادرست است.

۱۴- گزینه «۲» نکته: مبتدای وصفی: مبتدایی که دارای فاعل یا نایب‌فاعل بوده و آن فاعل یا نایب‌فاعل جانشین خبر است که به آن در اصل «مبتدای وصفی» گفته می‌شود. بنابراین هرگاه مبتدا، وصف و یا اسم جامدی که معنای وصفیت دارد (مانند: اَسَد به معنای شجاع) بر «نفی یا استفهام» اعتماد کند و مرفوع آن، اسم ظاهر و یا ضمیر منفصل باشد و نیز کلام با عنوان نمودن، مرفوع کامل شود، آن مبتدا را «مبتدای وصفی» و اسم مرفوع را «فاعل یا نایب فاعل که جانشین خبر گشته»، می‌نامند و در این صورت مبتدای وصفی بی‌نیاز از خبر خواهد بود.

نکته: هرگاه وصف با فاعل خود از نظر «تثنیه و جمع» مطابقت نماید، تنها یک وجه جایز است و آن اینکه، وصف: خبر مقدم و مابعد آن، مبتدای مؤخر خواهد بود، مانند: «ما مُشکُورُونَ الْبُخْلَاءُ»

خبر مقدم مبتدای مؤخر

(جمع) (جمع)

و هرگاه وصف با فاعل خود از نظر افراد (مفرد بودن) مطابقت نماید، یعنی وصف و فاعل هر دو مفرد باشند، در این صورت، دو وجه جایز خواهد بود، مانند:

«ما مَلُومٌ الْمُنَانِي»

۱- مبتدای وصفی و ۱- فاعل

۲- خبر مقدم ۲- مبتدای مؤخر

در گزینه (۱) بضمه ظاهره و اسم «ما» شبیه به لیس نادرست است، در گزینه (۳) فاعل نادرست است؛ زیرا «ملوم» اسم مفعول است و «المنانی» نایب فاعل برای آن می‌باشد و در گزینه (۴) «مشکور» اسم مفعول است و «البخلاء» نایب فاعل برای آن می‌باشد.

۱۵- گزینه «۳» نکته: اسم فعل منقول: واژه‌ای که از معنای اسمی با حرفی به معنای فعلی نقل شده است، اما منقول و منقول إليه در لفظ یکسان می‌باشند. مانند: «علی» که در اصل حرف است که به معنای «بر» آمده و به معنای «الزَمُّ» نقل شده و به شش صیغه استعمال گردیده است: «علیک، علیکم، علیکم، علیکم، علیکن».

نکته: تحذیر: به معنای بر حذر داشتن مخاطب از انجام یک امر ناپسند و مکروه است و در حکم مفعول به برای عامل محذوف است که فعل محذوف در آن ممکن است «إِحْذَرُهُ بَاعِدْ، اجْتَنِبْ، ق، فرض شود، مانند: «السیارة»، «الکذب»، «إِطَاك و الکذب» که در مثال اول، السیارة، مفعول، برای فعل محذوف است و منصوب می‌باشد. و در مثال دوم، الکذب، مفعول به برای فعل محذوف و در مثال سوم، إِطَاك، مفعول به و منصوب محلاً برای فعل محذوف و جوباً از باب تحذیر می‌باشد و الکذب که بعد از حرف عطف آمده، معطوف به مفعول به و منصوب می‌باشد.

با توجه به توضیحات فوق گزینه (۳) صحیح است. در گزینه (۱) هر دو نقش ذکر شده نادرست هستند و در گزینه (۲) و (۴) نیز اعراب‌هایی که برای «علیکم» و «إِطَاك» عنوان شده، نادرستند.

۱۶- گزینه «۲» نکته: مصدر میمی، مصدری است که از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعَل» می‌آید، مانند: مَنَصَّر، مَعْلَم و گاهی اوقات مصدر میمی از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «مَفْعِل و مَفْعِلَة» می‌آید، مانند: مَرَجِع، مَیْسِر، مَطْلَمَة، مَحْسَبَة. بنابراین واژه «مَعْدِرَة» در گزینه (۱) مصدر میمی است.

نکته: مصدر نوع یا مصدر هیئته، مصدری است که برای بیان نوع فعل و صفت آن عنوان می‌شود. این مصدر از فعل ثلاثی مجرد بر وزن «فِعْلَة» می‌آید، مانند: «عاشَ عِيشَةً حَسَنَةً» و از فعل ثلاثی مزید بر وزن قیاسی خود فعل می‌آید، مانند: «أَكْرَمْتُهُ إِكْرَامًا عَظِيمًا»، لذا در گزینه (۲) عنوان نمودن «اسم النوع أو الهیئة» نادرست است و باید مصدر عنوان شود و دیگر آنکه عنوان نمودن «تَسْبِيحَة» با «تاء» تأنیث نادرست است و صحیح آن «تَسْبِيحًا» می‌باشد.

نکته: مصدر صناعی، مصدری است که به آخر آن «یاء» نسبت و «تاء» تأنیث اضافه می‌شود، مانند: عالمیة، محمودیة. لذا واژه «الجاهلیة» در گزینه (۳) مصدر صناعی است.

نکته: رباعی مزید، فعل ماضی‌ای که علاوه بر چهار حرف اصلی، یک یا دو حرف زاید داشته باشد، رباعی مزید خوانده می‌شود، مانند: «إِقْشَعْرَار» که مصدر باعی مزید از فعل ماضی «إِقْشَعَرَ» می‌باشد (إِفْعَلُّ - يَفْعَلُّ - إِفْعَلَّ: إِقْشَعَرَ - يَقْشَعُرُ - إِقْشَعْرَار).

۱۷- گزینه «۱» نکته: اسم فعل عبارت‌اند از: لفظی که از نظر معنی و عمل جانشین فعل می‌شود و عوامل در آن تأثیری ندارد و مفعول به بر آن مقدم نمی‌شود.

اسم فعل از نظر معنایی بر سه قسم است:

۱- به معنای امر، مانند: صَه: ساکت باش، آمین: بپذیر، مَه: خودداری مکن.

۲- به معنای ماضی، مانند: شَتَّان: جدایی افتاد، هیهات: دور شد.

۳- به معنای مضارع، مانند: وَی: شگفت‌زده می‌شوم، بَخ: تبریک می‌گویم.

با توجه به توضیحات فوق، واژه «مَه» اسم فعل به معنای مضارع می‌باشد، لذا گزینه (۱) صحیح است.



۱۸- گزینه «۴» نکته: حروف جر زاید چهار حرف می‌باشند: «مِن، بَاء، کاف، لام»

الف - باء: مواضع و محل استعمال باء زایده بر پنج چیز است:

۱- فاعل، مانند: «کفی بالله شهیداً» ۲- مبتدا، مانند: بحسبک الدرهم ۳- مفعول به، مانند: و لا تلقوا بأیدیکم إلی التهلکة ۴- خبر «لیس و ما» مانند: ألیس الله بأحکم الحاکمین، و ما رتک بظلام للعبید ۵- کلمه «نفس و عین»، مانند: فمتم أنتم بأنفسکم، رجع الطالب بعینه. بنابراین در گزینه (۱) واژه «بأحکم»، مجرور لفظاً به «باء» زائده و خبر و منصوب محلاً در معنی برای «لیس» می‌باشد و در گزینه (۲) بغافل، مجرور لفظاً به «باء» زائده و خبر و منصوب محلاً در معنی برای «ما» شبیه به لیس می‌باشد.

ب - مِن: شرط زاید واقع شدن «مِن» سه امر است: ۱- تقدّم نفی یا نهی یا استفهام به «هل»، مانند: «لا تضرب من أهدی»، «هل جاءک من أهدی»، «ما لباغ من مفرّ»

۲- نکره بودن مجرور «مِن» مانند مثال فوق ۳- مجرور «مِن» درواقع فاعل، یا مفعول و یا مبتدا باشد. «ما لباغ من مفرّ»، «لا تضرب من أهدی»، «هل جاءک من أهدی»

مرفوع محلاً	فاعل و	مفعول به و
مرفوع محلاً	مبتدای مؤخر و	منصوب محلاً

بنابراین در گزینه (۳) «من تفاوت»: مجرور لفظاً به «من» زایده و مفعول به و منصوب محلاً در معنی برای فعل «تری» می‌باشد. اما در گزینه (۴) حرف جر «من» زاید نمی‌باشد، زیرا واژه «الظلمات» معرفه است.

۱۹- گزینه «۲» کلمه «تَیْف» به معنای «اندی» از اعدادی است که برای مذکر و مونث بودن بدون «تاء» به کار می‌رود و بعد از عقود (عشرون - ثلاثون - أربعون - خمسون - ستون - سبعون - ثمانون - تسعون) و مائة (صد) و ألف (هزار) به کار می‌رود. مانند: مائة و لیل و نیتف . در گزینه (۱) و مانند: ألف و نیتف در گزینه (۳) و مانند: تسعین و نیتفاً در گزینه (۴). اما گزینه (۲) نادرست است، زیرا «تَیْف» پس از عدد معطوف آمده است.

۲۰- گزینه «۲» نکته: مستثنی را به طور کلی می‌توان بر سه قسم تقسیم کرد:

۱- مستثنای تام (متصل): آن است که از جنس مستثنی‌منه باشد، یعنی هر دو از یک جنس باشند، مانند: «جاء، التلاميذُ إلیا یوسف».

۲- مستثنای منفصل یا منقطع: آن است که با مستثنی‌منه از یک جنس نباشد، مانند: «خضر القوم إلیا مواشیهُم»

۳- مستثنای مفرغ: آن است که مستثنی‌منه در جمله و کلام عنوان نگردهد، مانند: «ما جاء إلیا أخوک». در این صورت هرگاه مستثنی مفرغ باشد، مستثنی‌جانشین مستثنی‌منه بوده و اعراب آن را قبول می‌کند و این قسم از مستثنی در کلام مثبت جریان نخواهد داشت، مانند: گزینه (۳) «لن یفوز فی السباق إلیا هؤلاء المثارون فی التدریب» در این مثال، عامل «لن یفوز»، خواستار رفع «فاعل» است و از این رو بعد از إلیا، هؤلاء، محلاً، مرفوع گشته (مرفوع بودن آن از واژه المثارون که صفت و مرفوع است، مشخص می‌گردد). همچنین مانند گزینه (۴) که فعل «لم یفز» خواستار رفع فاعل است و از این رو بعد از «إلیا»، «المثارون»، مرفوع به او عنوان شده است. اما در گزینه (۲) فعل «لم یبق» خواستار فاعل است اما واژه «خمسة» پس از إلیا به صورت منصوب عنوان شده که این امر نادرست است (منصوب بودن خمسة از واژه عشرین مشخص می‌گردد که منصوب به یاء آمده) لذا باید به صورت «خمسة و عشرون» می‌آمد.

۲۱- گزینه «۱» این بیت از دفتر سوم مثنوی مولانا انتخاب شده است.

جعل: سرگین گردانک. ورد: گل. انفاس: جمع نفس.

به فحوای ضرب‌المثل «مَن لَمْ یَدُقْ لَمْ یَدِر» هرکس که از ساغر عشق الهی نوشیده باشد، ذوق و لذت آن را نمی‌تواند احساس کند. چنانکه مثلاً چه زمانی «سرگین گردانک» می‌تواند بوی دل‌ویز گل را تصور کند؟ پس معرفت مستلزم قابلیت است؛ یعنی باید استعداد بالقوه در شخص برای درک الهی باشد.

۲۲- گزینه «۳» این بیت از دفتر دوم مثنوی معنوی انتخاب شده است. شرایط به‌جا آوردن کار نیک، تنها انجام دادن نیست، بلکه باید این کار نیک را به بارگاه حضرت حق رسانید.

مصراع اول به آیه ۱۶۰ سوره انعام اشاره دارد: «مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا، یعنی هرکس که خوبی بیاورد، ده مقابل عوض خواهد گرفت. مقصود کار خوب نیست، بلکه مقصود این است که یک خوبی را به درگاه خداوند ببرند. بسیاری از مردم صورت ظاهری عمل خیر را انجام می‌دهند، ولی شرط باطنی آن را که نیت پاک است، معمولاً رعایت نمی‌کنند، در نتیجه اعمالشان تباہ و بی‌اثر می‌گردد. از این رو در کلام قرآن آمده: مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ وَ نَکَفْتَهُ مَن فَعَلَ بِالْحَسَنَةِ. زیرا بردن آن عمل به درگاه الهی مهم است؛ نه فقط انجام ظاهری آن.



کله ۱۵- «لو آتھم كانوا یلاقون مثل ما نلاقى، لكانوا في المضاجع مثلنا!»:

- (۱) یلاقون، نلاقی: مضارع من باب مفاعلة، معتل و لفیف مفروق، إعلاله بالحذف
- (۲) كانوا: اسم ضمیر الواو؛ خبره (الاولی): یلاقون؛ (الثانیة): فی المضاجع
- (۳) مثل: الاولی: مفعول به و منصوب؛ الثانیة: خبر «كان» المفرد و منصوب
- (۴) المضاجع: منتهی الجموع و ممنوع من الصرف، و منعت للنعت «مثلنا»

عیّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية (۱۶ - ۲۰)

کله ۱۶- عیّن الخطأ فی معانی باب تفاعل:

- (۱) للمشاركة بین فاعلین (۲) بمعنی المجرد (۳) للتظاهر بما ليس في الواقع (۴) للمبالغة

کله ۱۷- «لولا أن من الله علينا». عیّن الصحیح فی نوع «أن»:

- (۱) موصول حرفی (۲) زائدة للتأكيد (۳) مخففة من الثقیلة (۴) مفسرة لما قبلها

کله ۱۸- عیّن الخطأ فی إنشاء التعجب من «لذة الإيمان بالله»:

- (۱) ألدذ بالإيمان بالله! (۲) ما ألدذ الإيمان بالله! (۳) ما أكثر أن یلدذ الإيمان بالله! (۴) ألدذ بالإيمان بالله!

کله ۱۹- عیّن الخطأ للفراغ: «سیفوز طلبة الصف بجوائز و لا سیما ... منهم!»

- (۱) المجدد (۲) المجدد (۳) المجدون (۴) المجدین

کله ۲۰- عیّن ما ليس باستغائة:

- (۱) یا للعلماء و یا للادباء؛ من ضالة الدراسات فی الجامعات!
- (۲) یا لذوی الدراسة و یا للخبراء؛ للدراسات الجامعیة!
- (۳) یا قرأء؛ لکم ما عملتم!
- (۴) یا علماء؛ للعلم و الأدب!

کله ۲۱- بیت زیر به داستان کدام یک از شخصیتها اشاره دارد؟

- «هر کسی بر تخت ملکت کی تواند یافتن همچو گیسوی عروسان، دستۀ زنبیل را»
- (۱) سلیمان نبی(ع) (۲) ابراهیم ادهم (۳) جمشید (۴) بودا

کله ۲۲- بیت زیر به کدام موضوع اشاره دارد؟

- «خلعت اولاد عباسش بداد طا و سین بی زحمت طاسش بداد»
- (۱) شعار خلفای عباسی (۲) سوره نمل و رنگ مورچه (۳) حسین بن منصور حلاج و کتاب طواسین او (۴) خلعت سندن سلطان محمود از عباسیان

کله ۲۳- کدام گزینه با دیگر گزینهها متفاوت است؟

- (۱) می نتوان یافت به شب در چراغ؟
 - (۲) زاغ که او را همه تن شد سیاه
 - (۳) در پر طاووس که زر پیکر است
 - (۴) جامۀ عیب تو تنک رشته‌اند
- در قفس روز توان دید زاغ دیده سپید است در او کن نگاه سرزنش پای کجا درخور است؟ زان به تو نه پرده فروشته‌اند

کله ۲۴- از نظر نسخه‌پژوهی، صورت کدام بیت مرجح است؟

- (۱) ازو شادمانی و زویت غمی است و زویت فزونی و زویت کمی است
- (۲) از او شادمانی و زویت غم است و زویت فزونی و هم زو کم است
- (۳) ازو شادمانی و زو مردمی است و زویت فزونی و هم زو کمی است
- (۴) ازو شادمانی و زو فردمی است و زویت فزونی و زویت کمی است

کله ۲۵- در شاهنامه نخستین کسی که طبقات اجتماعی را در دوره حکومت خود ایجاد کرد، که بود؟

- (۱) هوشنگ (۲) طهمورث (۳) جمشید (۴) فریدون



کله ۲۶- مفهوم بیت زیر به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟

- «با تو رضوان نهاده پیش بهشت
(۱) سبزه خط تو دیدیم و ز بستان بهشت
(۲) در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند
(۳) حور از بهشت بیرون ناید تو از کجایی؟
(۴) فردا اگر نه روضه رضوان به ما دهند
- چند کسرت عصا و پای‌افزار»
به طلبکاری این مهرگیا آمده‌ایم
آدم بهشت روضه دارالسلام را
مه بر زمین نباشد تو ماهرخ کدامی؟
غلمان ز روضه، حور ز جنت به در کشیم

کله ۲۷- مقصود ناصر خسرو از بیت زیر، کدام است؟

- «چه گویی، بود مستعان، مستعان گر
(۱) صانع بدون مصنوع، صانع نخواهد بود.
(۳) هر صانعی در صنع، نیازمند صانعی دیگر است.
- نباشد چنین مستعین، مستعان را؟»
(۲) صانع، بدون مصنوع هم صانع است.
(۴) مصنوع بدون صانع، امکان وجود نخواهد داشت.

کله ۲۸- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- (۱) چون گهر عقد فلک دانه کرد
(۲) کرد قبا جبه خورشید و ماه
(۳) در هوس این دو سه ویرانه‌ده
(۴) زین دو سه چنبر که بر افلاک زد
- جعد شب از گرد عدم شانه کرد
زین دو کله‌وار سپید و سیاه
کار فلک بود گره در گره
هفت گره بر کمر خاک زد

کله ۲۹- منظور از «جمره» در بیت زیر کدام است؟

- «جمره است مگر خصم تو، زیرا که نیاید
(۱) سنگی که در فلاخن نیاید.
(۳) پرنده‌ای مهاجر که در جایی نمی‌پاید.
- در هیچ عمل منصب او بیش دو دم را»
(۲) ستاره‌ای کم‌فروغ و زودپای
(۴) حرارت و بخار زمین در آخر زمستان

کله ۳۰- بیت زیر به کدام واقعه تاریخی صدر اسلام اشاره دارد؟

- «احمد لوای خویش علی را سپرده بود
(۱) جنگ احد
(۲) جنگ بدر
(۳) جنگ احزاب
(۴) جنگ تبوک
- من زیر این بزرگ و مبارک لوا شدم»

کله ۳۱- کدام گزینه با بیت زیر، قرابت معنایی دارد؟

- «از آن پاک‌تر نیست کس در جهان
(۱) ذو الجهل يفعل ما ذوالعقل يفعل
(۲) هون عليك اموراً انت تُنكرها
(۳) وَاِذَا اتَّكَ مَدْمَتِي مِنْ نَاقِصٍ
(۴) وَاِذَا حُمِدَتْ بَيْنَ الْاَفْاضِلِ سِيْرَتِي
- که هست او سوی متهم متهم»
فِي النَّائِبَاتِ وَلَكِنْ بَعْدَ مَا افْتَضَحَا
فَالدَّهْرُ يَأْتِي بِالْوَانِ مِنَ الْغَيْرِ
فَهِيَ الشَّهَادَةُ لِي بِأَنِّي كَامِلٌ
فَأَهْوَنُ بِنَقْصِ جَاءٍ مِنْ عِنْدِ نَاقِصٍ

کله ۳۲- مضمون کدام گزینه به بیت زیر نزدیک است؟

- «بدیدی جو به جو گیتی، نداری جو در این خرمن
(۱) دو بت بینی جهان و جان فتاده در لگدکوبش
(۲) فلک هم تنگ‌چشمی دان که بر خوان دفع مهمان را
(۳) کسی کاین نزل و منزل دید ممکن نیست تحویلش
(۴) بدین نان‌ریزه‌ها منگر که دارد شب برین سفره
- مخر چون ترک جو گفتی، به یک جو ناز دهقان»
دو سگ بینی نیاز و آز بسته پیش دربان
ز روز و شب سگی بسته است خوان‌سالار دوران
کسی کاین نقل و مجلس یافت حاجت نیست نقلانش
که از دریوزه عیسی است خشکاری در انبارش

کله ۳۳- در کدام گزینه به «رسم توزیع» اشاره شده است؟

- (۱) چو میر دید سخن، داد داد مردی خویش
(۲) که را بزرگی و نعمت ز این و آن بودی
(۳) کجا به گیتی بوده است نامور دهقان
(۴) بداد میر خراسانش چل هزار درم
- ز اولیاش، چنان کز امیر فرمان بود
مرا بزرگی و نعمت ز آل سامان بود
مرا به خانه او سیم بود و حملان بود
وز او فرزونی یک پنج میر ماکان بود



۳۴- ابیات زیر به کدام بخش از داستان رستم و اسفندیار، اشاره دارد؟

«چنین گفت با رستم اسفندیار که بر کین طاووس نر خون مار
بریزیم ناخوب و ناخوش بود نه آیین شاهان سرکش بود»

- (۱) جایی که رستم به اسفندیار، جنگ میان ایرانیان و سگزیان را پیشنهاد می‌کند.
- (۲) جایی که رستم در قبال کشته شدن فرزندان اسفندیار، کشتن فرزند و برادر خویش را پیشنهاد می‌کند.
- (۳) جایی که رستم به اسفندیار می‌گوید در قبال کور شدن چشمت می‌توانی از خاندان رستم کین‌کشی کنی.
- (۴) جایی که رستم به اسفندیار می‌گوید اگر از بستن دستش صرف‌نظر کند؛ رستم تمام بددینان زابلستان را به او تحویل می‌دهد.

۳۵- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

(۱) جولانگه تو زان سوی آست گر کنی
(۲) دو اسبه بر اثر لا بران بدان شرطی
(۳) هر که او آن جوهر و دریا نیافت
(۴) چو لا از حد انسانی فکندت در ره حیرت

هژده هزار عالم از این سوی لا رها
که رخت نفکنی الآ به منزل الآ
لا شُدد و آلاء لا الآ نیافت
پس از نور الوهیت به الله آی از الآ

۳۶- بیت زیر در وصف چه چیزی است؟

«رومیان بین کز مشبک قلعه بام‌آشیان
نیزه بالا از برون خونین‌سنان افشاندند»

- (۱) کرانه‌های سرخ آسمان در غروب آفتاب
- (۲) شعاع‌های صبحگاهی خورشید در کرانه افق
- (۳) روشنایی خورشید در خلال ابرهای متراکم صبحگاهی
- (۴) زبانه کشیدن آتش از درون تنوره فلزی روی منقل

۳۷- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«سبحه‌داران از پس سبوح گفتن در صبح
بر سر زَنار ساغر، طیلسان افشاندند»

- (۱) زاهدان لباس زهد بر سر جام باده باختند.
- (۲) زاهدان، جام باده زیر لباس زهد پنهان کردند.
- (۳) زاهدان با دیدن زَنار ساغر، رشته تسبیح گسستند.
- (۴) زاهدان، پس از ذکر صبحگاهی، جام باده به دور افکندند.

۳۸- معنای کنایی «پای بز افکندن» در بیت زیر کدام است؟

«مرا در کویت ای شمع نکویی
فلک پای بُز افکنده است گویی»

- (۱) وابسته ساختن
- (۲) تسلیم کردن
- (۳) قربانی کردن
- (۴) فریب دادن

۳۹- ابیات زیر بر کدام ویژگی اولیا دلالت دارد؟

«دائم اندر آب، کار ماهی است
لیک در گه ماهی پر فَنند
و اندرین یم ماهیان پُر فنند
ماهیان قعر در بای جلال»

مار را با او کجا همراهی است؟
اندر این یم ماهی‌ای‌ها می‌کنند
مار را از سحر ماهی می‌کنند
بحرشان آموخته سحر حلال»

- (۱) تصرف اولیای الهی در جریان طبیعی امور
- (۲) استغراق اولیای الهی در عالم معنا
- (۳) برتری ذاتی اولیای الهی بر دیگران
- (۴) مصاحبت اولیای الهی با اوساط‌الناس

۴۰- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

(۱) بر گُرته صبح از مه، چون جیب پدید آید
(۲) چون برکشد قواره دیبا ز جیب صبح
(۳) کرد رخ آفتاب زرد قواره نهان
(۴) بر قواره ماه سحری کرد چرخ

آن زرد قواره هم، ناچار پدید آید
سحرا که بر قواره دیبا برافکنند
بر فلک از ماه نو شد زه سیمین علم
تا سر از خواب گران برکرد صبح

۴۱- چرا مولانا داستان «جماعة العمیان و احوال الفیل» سنایی را با بردن پیل در تاریکی تغییر می‌دهد؟

- (۱) تا بگوید مردمان دیده‌ور در تاریکی نباید در جستجوی حقیقت باشند.
- (۲) تا بگوید علت اختلاف در فهم حقیقت به محدودیت ابزار شناخت آدمی مربوط است.
- (۳) تا بگوید اهل شناخت باید از تاریکی نفس خود بیرون آیند تا حقیقت را بی‌پرده ببینند.
- (۴) تا بگوید حقیقت در تاریکی هم قابل شناخت است به شرطی که آدمی چراغی روشن کند.

۱۷- گزینه «۱» نکته: موصول حرفی عبارت است از تعدادی حروف خاص، که بعد از این حروف مبهم جملاتی می‌آید تا ابهام‌زدایی کند و به دلیل اتصال این حروف به جمله، به آن‌ها موصول گفته می‌شود و آن را به مصدر تأویل می‌برند.
با توجه به نکته فوق، حرف «آن» در آیه مذکور، موصول حرفی است.

۱۸- گزینه «۴» نکته: تعجب یکی از کیفیات انفعالیه است که به هنگام بروز و ظهور امر غریبی در انسان پدیدار می‌شود، تعجب منحصر در دو نوع است: ۱- مطلق، ۲- مصلح یا قیاسی: که دارای دو صیغه است: ۱- ما أَفْعَلُ، ۲- أَفْعِلُ بِ-
نکته مهم: فعل مضاعف در صیغه «أَفْعِلُ بِ» باید فک ادغام گردد. بنابراین در گزینه (۴) باید گفته شود: «الَّذِي بِالْإِيمَانِ بِاللَّهِ»

۱۹- گزینه «۲» نکته: هرگاه مستثنی پس از «لاسیما» اسم معرفه باشد به دو شکل می‌تواند اعراب بگیرد: ۱- مرفوع، که در این حالت مستثنی خبر برای مبتدای محذوف است ۲- مجرور، که در این حالت حرف «ما» در «لاسیما» زائده می‌باشد و «سی» به «مستثنی» اضافه می‌شود و در واقع مستثنی مضاف‌الیه و مجرور است، اما مستثنی را نمی‌توان «منصوب» نمود؛ زیرا شرط «تمییز» این است که نکره باشد. با توجه به نکته فوق، گزینه (۲) نادرست است و در گزینه (۴) واژه «المجذین» مضاف‌الیه و مجرور به یاء است.

۲۰- گزینه «۳» نکته: استغاثه آن است که شخص یا اشخاصی را به منظور کمک کردن به دیگران صدا بزیم، مانند: یا لَزِيدٍ لِعَمْرُو: ای زید به داد عمر برس! شخصی که یاری‌کننده است و «ل» مفتوح بر سر آن آمده «مُستغاث» و آن کس یا چیزی که یاری می‌شود و «ل» مکسور بر سر آن آمده «مستغاث‌له» نامیده می‌شود.

مستغاث‌به سه حالت عنوان می‌شود: ۱- مجرور به لام مفتوح، ۲- مختموم به الف به جای آمدن لام مفتوح بر سر آن، ۳- به حالت خود همچون منادی باقی بماند. با توجه به نکته فوق، گزینه (۳) استغاثه نیست؛ زیرا معنای کمک کردن از آن استنباط نمی‌شود.

۲۱- گزینه «۱» این بیت از قصیده‌ای انتخاب شده که سروده سنایی است. سنایی با این مثال می‌خواهد بگوید که هرکسی لیاقت انجام هرکاری را ندارد و برای مثال به عیسی، موسی و در این بیت به سلیمان نبی اشاره می‌کند. همچنین آوردن زنبیل نیز اشاره به حضرت سلیمان دارد؛ چراکه شغل ایشان زنبیل‌بافی بود.

۲۲- گزینه «۲» خلعت اولاد عباس (عباسیان) اشاره به سیاه‌پوشیدن پیروان بنی‌عباس به نشانه سوگواری برای اهل بیت دارد و لباس سیاه از زمان عباسیان در تمدن اسلامی رایج شده است. همچنین چون در قرآن سوره‌ای با نام «مورچه» یا «نمل» نازل شده و این امر دلیل بر اهمیت زندگی و هوش مورچه و در نتیجه توجه حضرت حق به این موجود به ظاهر کوچک است، این بیت عطار اشاره به خلقت مورچه و رنگ آن دارد.
سوره نمل با حروف مقطعه «طس» آغاز می‌گردد.

۲۳- گزینه «۴» گزینه (۱): آیا در شب تاریکی را می‌بینی و به چراغ نظر نمی‌کنی؟ در روز از وجود زاغ سیاه عیب می‌گیری؟ (یعنی کمالات را نمی‌بینی و فقط به نقص‌ها نگاه می‌کنی و به دنبال عیب‌جویی هستی.)

گزینه (۲): درست است که تمام تن زاغ سیاه است، اما تو می‌توانی در چشم او که سپید است نگاه کنی (یعنی تنها بدی‌ها را نبین و به زیبایی‌ها هم توجه کن).
گزینه (۳): تمام هیکل طاووس رنگارنگ و زیباست و در این همه زیبایی شایسته نیست که به پاهای زشتش توجه کنی.
گزینه (۴): خداوند نه فلک را پرده‌دار گناه آدمی قرار داده تا ملائک گناه او را نبینند، ولی ثواب او را به افلاکیان می‌نمایاند.
با توجه به معنی ابیات، گزینه (۴) با دیگر ابیات تفاوت دارد.

۲۴- گزینه «۱» جواب سنجش نادرست است؛ چراکه در گزینه (۴) فردمی معنا ندارد. به نظر می‌رسد پاسخ گزینه (۱) است.
تصحیح متون یکی از فنون و مشاغل قدیمی ادبی است. در فرایند تصحیح متون، مصحح، متنی قدیمی را براساس نسخه‌های خطی آماده انتشار می‌کند. در تصحیح متن، مصحح می‌تواند متنی (معمولاً کهن) را نزدیک به بیان مؤلف بازسازی کند. در تصحیح متون، می‌توان از روش‌های مختلفی نظیر تصحیح انتقادی، تصحیح قیاسی، تصحیح براساس نسخه اساس و تصحیح ذوقی یاد کرد. در تصحیح انتقادی متون که علمی‌ترین روش تصحیح است، مصحح براساس کهن‌ترین نسخه و با مقابله نسخ دیگر، صحیح‌ترین صورت واژگان را به گونه‌ای که به بیان مؤلف نزدیک باشد، برمی‌گزیند. این روش وقتی استفاده می‌شود که از یک متن، نسخه‌های خطی قابل اعتمادی در دست باشد. تصحیح قیاسی معمولاً وقتی استفاده می‌شود که از یک متن، یک نسخه خطی بیشتر در دسترس نیست. در این هنگام مصحح متن را با استفاده از دانش خود در زبان تصحیح می‌کند. در واقع اصطلاح «تصحیح قیاسی» به این معنی است که مصحح متن خود را با «زبان» مقایسه می‌کند و در صورتی که ضبط واژه‌ای را درست تشخیص داد، آن را ضبط می‌کند.

با توجه به ضبط این بیت در شاهنامه چاپ مسکو: ازو شادمانی و زویت غمی است/ و زویت فزونی و زویت کمی است (صفحه ۱۳، بیت ۷)، واژه «فردمی» نادرست بوده و گویا منظور از آن خرمی یا مردمی است که در پاورقی شاهنامه چاپ مسکو (جلد ۱، صفحه ۱۳) به صورت «از او خرمی و از او مردمی» بدان اشاره شده است.

به نظر می‌رسد گزینه (۱) صحیح است؛ چراکه در مصرع دوم رابطه تضاد می‌بینیم؛ پس در مصرع اول هم باید تضاد بیاید و در مصرع اول چون شادمانی مصدر است، باید غمی به صورت مصدری بیاید.

نکته قابل توجه این است که برای اولین بار در کنکور رشته زبان و ادبیات فارسی از بحث نسخه‌شناسی و نسخه‌پژوهی سؤال آمده است.

۲۵- گزینه «۳» فردوسی پیدایش طبقات اجتماعی را به جمشید نسبت می‌دهد و می‌گوید:

ز هر انجمن پیشه‌ور گرد کرد / بدین اندرون نیز پنجاه خورد
گروهی که کاتوزیان خوانیش / برسم پرستندگان دانیش
جدا کردشان از میان گروه / پرستنده را جایگاه کرد کوه
بدان تا پرستش بود کارشان / نوان پیش روشن جهاندارشان
صفی بر دگر دست بنشانند / همی نام نپساریان خوانند
کجا شیرمردان جنگ‌آورند / فروزنده لشکر و کشورند
کزیشان بود تخت شاهی بجای / وزیشان بود نام مردی پپای
بسودی سه دیگر گره را شناس / کجا نیست از کس بریشان سپاس
بکارند و ورزند و خود بدروند / بگاه خورش سرزنش نشنوند
چهارم که خوانند اهتو خوشی / همان دست‌ورزان ابا سرکشی
کجا کارشان همگنان پیشه بود / روانشان همیشه پراندیشه بود

۲۶- گزینه «۱» معنی بیت سؤال: رضوان که نگهبان بهشت است در برابر تو چندین بار تسلیم شده و عصا و کفش خود را بر زمین گذاشته است (یعنی تو زیباتر از بهشت هستی و رضوان در برابر تو لزومی برای نگهبانی از بهشت نمی‌بیند).

گزینه (۱): ما سبز شدن ریشت را دیدیم (سبزه خط: تهریشی که تازه بر صورت پسران نوجوان می‌روید) و از بهشت برای طلب کردن این مهرگیا آمده‌ایم (سبزه تو از همه بهشت زیباتر است).

گزینه (۲): به ذوق و صفایی که فی‌الحال برایت میسر است مشغول باش و به فکر آینده مباش؛ زیرا حضرت آدم (ع) وقتی که در جنت قسمتش تمام شد، آنجا را ترک کرد و به خانه دنیا آمد (یعنی به علت توجه به آینده از آنجا اخراج شد).

گزینه (۳): تو از کجا آمده‌ای؟ چراکه هرگز حوری از بهشت بیرون نمی‌آید (تو مثل حوری هستی) / تو ای ماه چگونه بر زمین راه می‌روی، درحالی که می‌دانم ماه بر زمین نمی‌آید.

گزینه (۴): اگر در روز قیامت ما را به بهشت نبرند، ما غلمان و حور را از بهشت بیرون می‌آوریم.

۲۷- گزینه «۱» مستعان: یاری‌گر (از صفات خدا)، مستعین: یاری‌خواهنده

هیچ‌گاه یاری‌گر یاری‌خواهنده نمی‌شود، اما باید یاری‌خواهنده‌ای باشد تا صفت یاری‌گری به منصف ظهور برسد.

۲۸- گزینه «۳» گزینه (۱): گهر عقد ستارگان‌اند؛ یعنی ستارگان را آفرید تا گیسوی شب گوهرنشان گردد و از گرد ظلمات عدم پاک شود.

گزینه (۲): از دو کله‌وار (به اندازه یک کلاه/ واحد اندازه‌گیری) دیبای سفید روز و منسوج سیاه شب قبایی برای خورشید و جبه‌ای برای ماه دوخت.

گزینه (۳): دو سه ویرانه ده: هفت اقلیم/ گره بر گره: پیچیده و درهم، یعنی پس از آفریدن هفت اقلیم کار روزگار گره می‌خورد (نظامی در بیت بعد اشاره می‌کند که این گره خوردن با آفرینش روز و شب حل می‌شود).

گزینه (۴): دو سه چنبر اشاره به دواپر فلکی و هفت گره اشاره به هفت اقلیم ربع مسکون است؛ یعنی بعد از آفریدن آسمان‌ها، زمین را آفرید.

در همه ابیات به آفریدن دنیا اشاره دارد: گزینه (۱) آفریدن ستارگان، گزینه (۲) آفریدن روز و شب و گزینه (۴) آفرینش زمین پس از آفریدن آسمان‌ها، اما مفهوم گزینه (۳) متفاوت است.

۲۹- گزینه «۴» جمره: ۱- تکه‌ای از آتش، اخگر؛ ۲- بخار و حرارتی که در آخر زمستان از زمین برمی‌خیزد و برای آن سه نوبت و برای هر نوبت هفت روز فاصله قائل گردیده‌اند که در نوبت سوم درختان بیدار می‌شوند.

معنی بیت: مگر دشمن جمره است که سریع نابود می‌شود و دمی باقی نمی‌ماند (بیت از انوری است).

۳۰- گزینه «۲» در جنگ بدر پیامبر پرچم را به دست حضرت علی(ع) سپرد. معنی بیت: پیامبر پرچم خود را از همان ابتدا به حضرت علی داده بود؛ به همین خاطر است که من زیر این پرچم و شیعه علی هستم (ناصر خسرو از پیروان اسماعیلیه است).

۳۱- گزینه «۳» معنی بیت سؤال: کسی که از سوی گناهکاری متهم می‌شود، بی‌گناه و پاک است. گزینه (۱): نادانان در برابر حوادثی که اتفاق می‌افتد، همان کاری را می‌کنند که اهل خرد می‌کنند، البته پس از آنکه رسوا شدند. گزینه (۲): اموری را که انکار می‌کنی و نمی‌شناسی (کارهای آینده) بر خود آسان‌گیر [چراکه] روزگار انواع تغییرات و حوادث را پیش خواهد آورد. گزینه (۳): هرگاه فرد ناقصی نزد تو از من بدی گفت (این قرینه، یعنی بدی گفتن فرد ناقص)، خود شهادت بر کامل بودن من است. گزینه (۴): هنگامی که در بین بزرگان و افاضل رفتار من ستایش شد، پس از سوی ناقصی عیبم کم شد.

۳۲- گزینه «۴» معنی بیت سؤال: جو اول و آخر به معنی چیز بسیار خرد و کوچک/ جو: دانه خوراکی/ خرمن استعاره از آسمان همان‌طور که دیدی جو به جو دنیا (دانه به دانه چیزهایی که در دنیا هستند)، هیچ ارزشی ندارند؛ پس هنگامی که از جوی دست کشیدی، دیگر ذره‌ای ناز دهقان را نمی‌کشی. گزینه (۱): ممدوح جهان و آنچه را در آن است مانند بتی لگدمال کرده و حرص و نیاز نیز مانند سگ دربان وی هستند (ممدوح برای دنیا ارزشی قائل نیست و هیچ حرصی برای دنیا ندارد). گزینه (۲): تنگ‌چشمی کنایه از خساست/ خوان: سفره/ خوان‌سالار: سرآشپز روزگار از شدت حرص و خساست برای اینکه مهمانان را از سفره‌اش براند، روز و شب را مانند سگی سفره‌گردان گذاشته است (روزگار با گردش شبانه‌روز به سرعت می‌گذرد و کسی در دنیا نمی‌ماند). گزینه (۳): کسی که این سفره و خانه را دید، نمی‌تواند آن را برگرداند و کسی که این مجلس و خوراکی‌هایش را دید، نمی‌تواند آن را ترک کند. گزینه (۴): خشکار مجاز از نان/ نان‌ریزه استعاره از ستارگان/ سفره: آسمان/ عیسی: خورشید بدین‌نان‌ریزه‌ها نگاه نکن که اگر اختران فروغی دارند، از خورشید گدایی کرده‌اند (هیچ‌چیز از خودشان ندارند، پس بی‌ارزش هستند).

۳۳- گزینه «۱» رسم توزیع: صله دادن فرمانروایان برای سرودن و خواندن شعر در پیشگاهشان. گزینه (۱): هنگامی که امیر سروده‌ام را دید، مردانگی خود را که از اخلاق بزرگان است نشان داد و به من صله‌ای درخور بخشید. گزینه (۲): هرکسی بزرگی و ثروتش را از کسی گرفته ولی من سروری و ثروتم را مدیون آل سامان هستم. گزینه (۳): در جهان دهقان مشهوری بود که به من پول و مایحتاج زندگی می‌داد. گزینه (۴): میر خراسان به او چهل هزار درهم داد که یک‌پنجم آن چیزی بود که میر ماکان داده بود. به رسم صله دادن در قبایل شعر در گزینه (۱) اشاره شده است.

۳۴- گزینه «۲» پس از آنکه فرزند و برادر رستم دو پسر اسفندیار را می‌کشند. رستم به اسفندیار قصاص را پیشنهاد می‌دهد، ولی اسفندیار به او می‌گوید: «آیین و روش بزرگان این نیست که در برابر کشته شدن طاووس نر باارزش، خون ماران بی‌ارزش را بریزند».

۳۵- گزینه «۳» گزینه (۱): اگر کل هستی (هجده هزار عالم) را رها کنی، میدانگه تو سرزمین الله می‌شود. گزینه (۲): دواسبه کنایه از به‌سرعت رفتن؛ به سرعت دنیا را فراموش کن و فقط در سرزمین الهی جاگیر شو. گزینه (۳): هرکسی دریای الهی را پیدا نکند نیست و نابود می‌گردد. گزینه (۴): در وادی حیرت همه دنیا را فراموش کن تا پس از آن نور الهی راهنمایت باشد. با توجه به معنای ابیات، گزینه (۳) متفاوت با سایر ابیات است.

۳۶- گزینه «۴» رومیان استعاره از شراره‌های آتش (به دلیل رنگ شراره‌ها به رومیان مانند شده‌اند)/ مشبک‌قلعه: استعاره از دودکش یا تنوره‌ای که بر آتش‌دان می‌گذارد/ نیزه‌بالا: به بلندی نیزه/ خونین‌سنان: استعاره از پرتوهای آتش، جرقه‌ها و اخگرها.

۳۷- گزینه «۱» سبوحه‌داران: تسبیح‌زندگان (زاهدان)/ سبوح گفتن: از نام‌های خداوند (راز و نیاز کردن)/ صبح: بامدادان/ زَنار: کمربندی که مسیحیان می‌بندند/ طیلسان: ردا معنی بیت: زاهدان بعد از راز و نیاز صبحگاهی خود، به خاطر ساقی لباس خود را باختنند.



۳۸- گزینه «۱» پای بز افکندن: نوعی سحر برای جلب معشوق است.

معنی بیت: گویی روزگار برای جلب من به سوی تو، ای معشوقم جادو کرده و من مست تو هستم.

۳۹- گزینه «۱» شنا کردن دائمی در آب، کار ماهی است، اما مار کجا می‌تواند دائماً با ماهی در آب شنا کند؟ «ماهی» در این بیت کنایه از عارفان راستین و «مار» اشاره است به آدم‌های مارصفتی که ظاهری خوش‌خط و خال دارند و باطنی زهرآگین. منظور بیت: هرچند ریاکاران می‌توانند برای مدتی خود را در سلک اهل صلاح درآورند، اما گردش روزگار رسوایشان می‌کند.

در کوهستان مارهای پُر مکر و حيله‌ای به سر می‌برند که در این دریای دنیا و ریا (برای فریب این و آن، مقلدانه) همان کارهای ماهی‌ها را انجام می‌دهند. ماهی‌ای کردن (= کار ماهی کردن، مانند ماهی شدن) اشاره است به ریاکارانی که به لباس اهل صلاح درمی‌آیند. آنان بی‌آنکه گام به دریای موج و پرتلاطم حقیقت نهاده باشند، کار ماهیان دریای معرفت و حقیقت را تقلید می‌کنند و عوام‌الناس را می‌فریبند.

در دریای معارف و حقایق الهی، ماهیان ماهری وجود دارند که با جاذبه روحی نافذ خود می‌توانند مردمان مارصفت را به ماهی مبدل کنند. در اینجا به معنای متداول آن نیست بلکه منظور از آن تأثیر قوی و نفوذ والای معنوی آنان است که می‌تواند آدم‌های ناصالح را به راه صلاح وارد سازد.

انبیا و اولیا که ماهیان دریای پرشکوه و جلال الهی‌اند، به‌وسیله همین دریا سحر حلال را یاد گرفته‌اند. سحر حلال کنایه از کلام فصیح و موزون که به منزله سحر باشد و منظور از آن در اینجا نفوذ معنوی و تصرف روحی بی‌چون و چرای مردان الهی در علوم است که از حق به آنان تفویض می‌شود و بدان وسیله درون آدمیان را به نور هدایت و جذب ولایت روشن می‌کنند. اما اطلاق «سحر حلال» از آن رو می‌باشد که تعلیم و تعلم سحر، شرعاً حرام است مگر به قصد خیر و ابطال سحر ساحران.

پس با توجه به معنی ابیات متوجه می‌شویم که مولوی معتقد است که اولیای الهی می‌توانند در امور طبیعی دخل و تصرف کنند و گزینه (۱) صحیح است.

۴۰- گزینه «۳» گزینه (۱): کرته: پیراهن، استعاره از آسمان / جیب: گریبان / زردقواره: استعاره از خورشید؛ یعنی از گوشه آسمان خورشید طلوع کرد.

گزینه (۲): قواره دیا استعاره از خورشید، یعنی خورشید از گوشه آسمان طلوع کرد و همه‌جا با نورش روشن شد.

گزینه (۳): خورشید غروب کرد و ماه نو طلوع کرد.

گزینه (۴): روزگار با جادوگری خود کاری کرد که صبح از خواب سنگین بیدار شود (اشاره به غروب ماه و طلوع خورشید).

با توجه به معنای ابیات مشخص است که همه گزینه‌ها درباره طلوع صبح است، مگر گزینه (۳) که درباره غروب است.

۴۱- گزینه «۲» داستان «پیل در تاریکی» را سنایی در «حدیقه» خود در چند بیت کوتاه آورده و در آن داستان فیلی وارد شهر کوران می‌شود و سه کور به نمایندگی از سایرین به فیل دست می‌کشند و اختلاف آغاز می‌شود؛ چراکه هرکدام به نقطه‌ای متفاوت از فیل دست کشیده بودند (پا، گوش و خرطوم). اما مولانا این داستان را مفصل‌تر و با بیانی شاعرانه‌تر بیان می‌کند. در داستان مولانا پیل در اتاق تاریکی قرار دارد که چهار نفر به او دست می‌کشند و اختلاف آغاز می‌گردد. در واقع مولانا با این کار می‌خواهد بگوید که دلیل اختلاف در فهم حقیقت این است که ابزار شناخت آدمی محدود است.

بنا به نقل مرحوم مدرس رضوی، در تعلیقات «حدیقه» (ص ۱۰۴-۱۰۷)، مأخذ داستان روایتی است که ابوحنیف توحیدی در کتاب «مقابسات» (ص ۲۵۹، طبع مصر) آورده که به قول افلاطون، انسان‌ها می‌توانند جزئی از حق را دریابند نه همه آن را و سپس تمثیل فیل را بیان می‌کنند. این حکایت در «مثنوی» در ده بیت آمده و منظور آن است که چشم حس همانند کف دست است و برای لمس کردن فیل که همه در دسترس نیست، ابزاری محدود می‌باشد.

۴۲- گزینه «۱» لطف حضرت معشوق که همچون درختی سبز و لطیف است، برای ما که دزد هستیم؛ یعنی در معرفت و شناخت حق صادق نیستیم و به بیراهه رفته‌ایم، به منزله دار است؛ یعنی برای ما گمراهان و حق‌ستیزان، لطف حق مبدل به قهر می‌شود و مورد عقوبت قرار می‌گیریم (زیرا همه نعمت‌های او را که از لطف و اسعش ناشی شده در راه خودبینی و بدسگالی به کار می‌گیریم و بدین وسیله آن الطاف، وسیله عقوبت ما می‌شود). با اینکه گیسوی حضرت شاه وجود بوی مُشک می‌دهد؛ یعنی دارای نفعه حیات‌بخش رحمانی است، لیکن ما به سبب بی‌خردی و عدم شناخت کاری می‌کنیم که همان گیسوی حیات‌بخش به زنجیری مرگبار مبدل می‌شود.

الطاف حضرت حق همچون رود پرآب و روان نیل جاری است، اما اگر روحیه فرعون‌ی پیدا کنیم همان رود لطف به خون مبدل می‌گردد. خون به انسان‌های فرعون‌صفت که آب زلال الطاف الهی را به خون قهر و عذاب مبدل کرده‌اند، می‌گوید به هوش باش که من آب لطف ایزدی هستم و مرا تباه مکن. من در حقیقت مانند یوسف جمیل، اما ای حق‌ستیز، ستیزگری‌های تو سبب شده که من نسبت به تو گرگ شوم. با توجه به ابیات بالا مولوی معتقد است که نااهلی مایه ضلالت می‌باشد.

۴۳- گزینه «۳» مژوجه: کلاهی است که میان آن پنبه می‌آکنند. اینجا مراد از آن تاج صوفیان است به قرینه معادله با خرقة.

معنی بیت: از لباس زاهدانه (کلاه پنبه‌آکنده و خرقة) در سختی هستم. مرا با یک کرشمه از بند دین و ظواهر دنیوی آن رها کن.



۳۸- ابیات زیر در تبیین کدام مرحله از مراحل سلوک بیان شده است؟

«هفت دریا یک شَمَر اینجا بود هفت اخگر یک شَرَر اینجا بود
هفت جَنّت نیز اینجا مرده‌ای است هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است
گر دو عالم شد همه یکبار نیست در زمین ریگی همان انگار نیست
گر به یک ره گشت این نه تشت گم قطره‌ای در هشت دریا گشت گم»

(۱) حیرت (۲) استغنا (۳) توحید (۴) فقر و فنا

۳۹- در کدام بیت استشهاد به آیه قرآن، به نصّ آیه نزدیک‌تر است؟

(۱) باز آمد کای محمد عفو کن ای تو را الطاف و علم مین لدن
(۲) گرچه آسانت نمود آن سان سخن کی بود آسان رموز مین لدن
(۳) پس دهان دل ببند و مهر کن پرکنش از باد کبر مین لدن
(۴) با سیاست‌های جاهل صبر کن خوش مدارا کن به عقل مین لدن

۴۰- ابیات زیر به چه نکته‌ای دلالت دارد؟

«در شنود گوش تبدیل صفات در عیان دیده‌ها تبدیل ذات
ز آتش ار علمت یقین شد از سخن پختگی جو در یقین منزل مکن»

(۱) علم اکتسابی و علم لدنی هر دو مهم است.
(۲) صفات و ذات ما، با علم یقینی تغییر می‌یابد.
(۳) علم یقینی منزل پختگی و کمال سالک است.
(۴) علم الیقین منزل نهایی نیست باید به حق الیقین رسید.

۴۱- نکته مورد نظر مولانا در بیت زیر با کدام گزینه تناسب دارد؟

«جود جمله از عوض‌ها دیدن است پس عوض دیدن ضد ترسیدن است»

(۱) چون بخشندگان بخشش‌های خود را قضای الهی می‌دانند از بخشیدن هراسی ندارند.
(۲) مردم اگر بدانند نفس بخشش آن‌ها عین لطف حق است، دیگر ترس آن‌ها از کم شدن مال و ثروت زایل می‌شود.
(۳) توجه به پاداش الهی بنده را به جود و بخشش متمایل می‌کند از این رو دیگر ترس او از کم شدن مال زایل می‌شود.
(۴) پاداش بخشش‌های بنده همیشه دیده نمی‌شود از این رو خداوند شخص بخشنده را به بخشیدن و نترسیدن دعوت می‌کند.

۴۲- مفهوم کلی ابیات زیر چیست؟

«لیک درگه مارهای پُر فَنند اندرین یم ماهی‌ها می‌کنند
و اندرین یم ماهیان پُر فَنند مار را از سحر ماهی می‌کنند»

(۱) غلبه ظاهری منکران به دستیاری سحر در برابر اولیای حق
(۲) غلبه باطنی و مغلوبیت ظاهری اولیای الهی برابر منکران
(۳) تباین سیالیت معرفت باطنی با جمود معرفت ظاهری
(۴) تقابل قدرت تصرف اولیای الهی با مدعیان معرفت

۴۳- معنای درست بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟

«گر خطا کشتم دیت بر عاقله است عاقله جانم تو بودی از الست»

(۱) اگر به غلط مرتکب قتلی شدم، این تقدیری بود که از روز الست تو برایم رقم زدی.
(۲) اگر سهواً کسی را کشتم، چون تو از روز الست پشتیبانم بوده‌ای، دیه گناهم را بپرداز.
(۳) اگر به سفاقت قتلی مرتکب شدم دیه آن بر خویشان است که تو مرا در ازل به آن‌ها پیوند داده‌ای.
(۴) اگر به خطا کسی را کشتم بر من خراجی نیست، من از الست مست و مجنون بوده‌ام و دیه بر مجنون روا نیست.



۴۴- حافظ کدام مصرع را از غزل سعدی تضمین کرده است؟

- ۱) «جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب»
 - ۲) بر سر تربت من بی‌می و مطرب منشین
 - ۳) مجو درستی عهد از جهان سست نهاد
 - ۴) «چراغ روی تو را شمع گشت پروانه»
- که وضع مهر و وفا نیست روی زیبا را
«تا به بویت ز لحد رقص کنان برخیزم»
«که این عجز عروس هزار داماد است»
مرا ز حال تو با حال خویش پروا نه

۴۵- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) سیر انجام در آیینۀ آغاز خوش است
 - ۲) تا چند در این دایره همچون خط پرگار
 - ۳) ساقی ما در مروت هیچ خودداری نکرد
 - ۴) هرکه دانست سرانجام حیات است فنا
- دام را پیش‌تر از دانه نظر باید کرد
سر در پی آغاز ز انجام گذارم؟
نشئۀ انجام را در ساغر آغاز داشت
چون شر دامن انجام در آغاز گرفت

۴۶- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

- ۱) نیرنگ چرخ چون گل رعنا در این چمن
 - ۲) خمار زردویی داشت در پی چون گل رعنا
 - ۳) چون گل رعنا درون خویش اندودم به خون
 - ۴) ز می بگذر که باشد در قفا همچون گل رعنا
- خون دل از پیالۀ زر می‌دهد مرا
اگر رنگی به رویم از شراب لاله‌گون آمد
تا در این بستان سرا رنگ خزانی شد ز من
خمار زردویی باده‌های ارغوانی را

۴۷- مفهوم کدام عبارت درست بیان شده است؟

- ۱) اگرچه در عمل پادشاه فربه شوی، خویشتن لاغر نمای. (بیشتر از آن مباش که می‌نمایی.)
- ۲) اگر از نیک، نکوهیده باشی، بهتر که از بد، ستوده شوی. (به قدح و مدح مردم دل نباید داد.)
- ۳) هرکه از کسی فربه شود زودتر گشتن از وی چشم باید داشتن. (لطف زیاد را خطرها در پی است.)
- ۴) و به هر محقری، مزوری مکن تا روزی که به کارت آید، منفعت بزرگ بود. (خود را ارزان فروختن خطاست.)

۴۸- عبارت زیر در چهارمقاله در وصف چه کسی بیان شده است؟

- «وزیر شهنشاه بود و در فضیلت ترسل و شعر کمالی داشت و مردی عدلی مذهب بود، عدلی مذهبیان به غایت متنسک و متقی باشند.»
- ۱) ابوالحسن السرخسی البهرامی ۲) صاحب بن عباد رازی ۳) ابن عمید کاتب ۴) ابوحنیفه اسکافی

۴۹- معنی درست عبارت زیر در کدام گزینه آمده است؟

- «پیش من باری آن است که ملک روی زمین نخواهم با تبعیت آزاری تا به خون رسد، که پیداست چون مرد ببرد با وی چه همراه خواهد بود.»
- ۱) از نظر من حکومت چنان ارزشی نداشت که شاه به خاطر آن خلق آزاری کرد و در خون خلق افتاد و بعد از مرگ معلوم نیست چه بر او خواهد گذشت.
 - ۲) مرا باور این است که گرد دولت نگردم که زحمتی بزرگ در پی دارد و خون‌ها باید ریخت و چون آدمی بمیرد باید پادافره کار خود ببیند.
 - ۳) از نظر من حکومت چنان ارزشی ندارد که پادشاه به خاطر آن خلق آزاری کند و خون‌ها ریزد، چرا که باید پاسخگوی اعمال خود باشد.
 - ۴) اعتقاد من آن است که پادشاهی دنیا ارزش آن ندارد که دیگری بی‌آزاری تا چه رسد به کشتن وی، و آدمی چون بمیرد با خود چه خواهد برد.

۵۰- معنی واژه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- «تا برجایم بر تملق و زرق مشغول نشوم که به افتعال و شعبده، قضای آمده بازنگردد که گفته‌اند: اذا إِنَّتَهَتْ المدة كان الحتف فی الحيلة»
- ۱) تا زنده‌ام - دو رنگی - مکر - مرگ
۲) تا سرپا هستم - نیرنگ - نامردمی - نابودی
۳) تا توانایی دارم - چرب‌زبانی - تسلیم‌شدگی - سقوط
۴) تا در این پست و مقام هستم - مال‌پرستی - ظاهرسازی - رهایی

۵۱- درون‌مایه اصلی داستان «زاهد و راسو»ی کلیله و دمنه در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) کسی که بر مراد خود قادر گردد و در حفظ آن اهمال نماید و در سوز ندامت افتد و به غرامت مأخوذ گردد.
- ۲) کسی که دشمنان غالب و خصوم قاهر بدو محیط شوند و مفزع و مهرب از همه جوانب بر او متعذر باشد.
- ۳) کسی که بی‌فکر و رویت خود را در دریای حیرت و ندامت افکند و بستۀ دام غرامت و پشیمانی گردد.
- ۴) آنکه دل بر استمالت او نیارامد، اگرچه در ملاحظت مبالغت نماید.



کله ۵۲- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

- (۱) سایهٔ ابر و دوستی اشار (۲) و لایبقی الکثیر مع الفساد (۳) ستایش دروغ و مال بسیار (۴) و الذهر ذو دُولٍ تَنَقَّلُ فی الوَری

کله ۵۳- کدام گزینه با مفهوم عبارت زیر متفاوت است؟

«پیش از آن که خصم فرصت چاشت بیابد، برای او شامی گواران سازد.»

- (۱) پیش از آن که اهل بغداد شام خورند وزیر را چاشتی چاشنی بدادند.
(۲) پیش از آن که تاتار در این دیار بر ما سحر خورد، قصد شام کنید.
(۳) و قبل أن یبلغَ الكتابُ أجلَهُ اجل در آن حدود تاختن آورد.
(۴) نغذُ بالحجاج قبل أن یتعشی بک.

کله ۵۴- عبارت «کلُّ مُجرٍ فی الخلاءِ یسُرُّ» از مرزبان‌نامه با کدام ضرب‌المثل فارسی مطابقت دارد؟

- (۱) هر که باد کارد طوفان درو کند.
(۲) هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت.
(۳) هر که رود چرد و هر که خوابد خواب ببندد.
(۴) هر که تنها به قاضی رود، راضی برگردد.

کله ۵۵- عبارت «إذا احتاجَ الزَّقُّ إلى الفلک فقد هلك» در چه موقعی کاربرد دارد؟

- (۱) آنگاه که بزرگی به حقیری محتاج گردد.
(۲) آنگاه که فقیری به ثروتمندی محتاج گردد.
(۳) آنگاه که استادی به شاگردش نیازمند شود.
(۴) آنگاه که کسی به جای زمین، به آسمان چشم دوزد.

کله ۵۶- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نافه‌صفت از میان خون جگر، دمی خوش برمی‌آورم.
(۲) پیوسته پسته‌وار شوربختی خود را به دردخنده پوشیده می‌دارم.
(۳) از نفثه‌المصدوری که مهجوری بدان راحتی تواند یافت، چاره نیست.
(۴) از آئین‌المهجوری که رنجور را در شب دیجور هجر بدان شفایی تواند بود، گریز نه.

کله ۵۷- مفهوم کدام گزینه به مفهوم «دست پاک و حقه‌تهی مانده‌ام» نزدیک‌تر است؟

- (۱) به هر قدمی که نه بر جادهٔ قرار زده‌ام.
(۲) در کشاکش تغییر احداث افتاده‌ام.
(۳) از مئین و ألوف، ماندهٔ صفر بر هیچ آمده‌ام.
(۴) خاک در چشم آب حیات زده‌ام.

متن زیر را بخوانید و به پرسش‌های ۵۸ - ۶۰ پاسخ دهید.

«و چون سلطان در نیشابور حاضر بود و از اطراف اصناف خلیق از قواد و اصحاب حاجات روی به خدمت او نهادند و مهمات و مصالح ایشان را کسی کفایت نمی‌کرد و متحیر و پریشان می‌گشتند. روزی به جمعیت بر در سرای مجیرالملک جمع شدند و غلبه و آواز برداشتند و تشنیع آغاز نهادند. بیرون آمد و روی بدیشان آورد که سخن شما عین صدق است و شکایت بر حق اما من نیز به نزدیک خداوند حصافت معذورم از کار مصلحت قوادگی با مصلحت قواد که روی کارند نمی‌پردازم و از ترتیب ارزاق خراید با تهذیب اوراق جراید نمی‌رسم. چند روز است تا سلطان اشارت فرموده است که چندین پیرایه از جهت مطاربه مُعد کنیم و به هیچ کاری دیگر مشغول نباشیم امتثال امر سلطان واجب است و اسعاف ملتسمات ارباب حوائج لازم. در این گفت و شنید بودند که میشران اخوان یعنی یزک پنجاب در رسید مخبر بدانکه لشکر مغول مقدم ایشان یمه و نوین و سبتای بهادر از آب گذشتند.»

کله ۵۸- با توجه به عبارت فوق، چه خبر تلخی برای سلطان آورده شده است؟

- (۱) عبور لشکر مغول از رود سیحون
(۲) گذشتن لشکر مغول از رود سند
(۳) انتخاب نوین و سبتای به فرماندهی لشکر مغول
(۴) سقوط شهر پنجاب و عبور لشکر مغول از رود سند

کله ۵۹- با توجه به متن، دل‌مشغولی اصلی مجیرالملک در زمان اقامت سلطان در نیشابور چه بود؟

- (۱) تدارک اسباب عیش و عشرت سلطان
(۲) برطرف کردن نیاز اطرافیان سلطان
(۳) حفاظت از جان سلطان و اطرافیان او
(۴) فراهم آوردن سپاه و تدارک جنگ با لشکر مغول

کله ۶۰- با توجه به مفهوم کلی متن، اشتغال سلطان به لهو و لعب نشانه چیست؟

- (۱) تجمل‌گرایی سلطان
(۲) سردرگمی و از دست دادن سررشتهٔ امور
(۳) فساد اخلاق سلطان و اطرافیان او
(۴) اطمینان خاطر سلطان به پیروزی نهایی بر مغولان

۳۹- گزینه «۱» اشاره به «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا: و او (خضر) را از نزد خود علم بیاموختیم» آیه ۶۵ سوره کهف دارد. در این بیت اشاره شده که علم پیامبر اعظم از سوی خداوند است.

۴۰- گزینه «۴» معنی ابیات: اگر با گوش بشنوی ممکن است صفات تو تغییر کند ولی با دید چشم ذات تو تبدیل خواهد شد. اگر با شنیدن یقین کردی که آتش گرم است به این یقین اکتفا نکن، کاری بکن که آتش تو را پخته کند. در این ابیات اشاره شده است که تنها علم‌الیقین کافی نیست و باید به حق‌الیقین رسید.

۴۱- گزینه «۳» معنی بیت: بخشندگی و سخاوتمندی همه سخاوتمندان به واسطه پاداشی است که در این کار مشاهده می‌شود، بنابراین دیدن پاداش، بیم زوال و تلف شدن سرمایه را از میان می‌برد. پس توجه به پاداش الهی، بنده را به بخشش متمایل می‌کند و ترس کم شدن مال زایل می‌شود.

۴۲- گزینه «۴» معنی ابیات: اما در کوهستان مارهای پُر مکر و حيله‌ای به سر می‌برند که در این دریای دنیا و ریا، (برای فریب این و آن، مقلدانه) همان کارهای ماهی‌ها را انجام می‌دهند (ماهیی کردن = کار ماهی کردن، مانند ماهی شدن) اشاره است به ریاکارانی که به لباس اهل صلاح درمی‌آیند. آنان بی‌آنکه گام به دریای مَوَاج و پُر تلاطم حقیقت نهاده باشند، کار ماهیان دریای معرفت و حقیقت را تقلید می‌کنند و عوام‌الناس را می‌فریبند. در دریای معارف و حقایق الهی، ماهیان ماهری وجود دارند که با جاذبه روحی نافذ خود می‌توانند مردمان مارصفت را به ماهی مبدل کنند. با توجه به معنای بیت که بر ریا تأکید دارد، تقابل قدرت تصرف اولیای الهی با مدعیان ظاهری مفهوم کلی این ابیات است.

۴۳- گزینه «۲» معنی بیت: اگر من کسی را اشتباهی بکشم، طبق شرع دیه را باید کسی که عاقل است، پرداخت کند. تو از روز الست عاقله و حامی من بودی، پس دیه گناهم بر عهده توست.

۴۴- گزینه «۱» در گزینه (۱) بیت حافظ تضمینی از بیتهی از غزل ۲۹۰ سعدی است: جز این قدر نتوان گفت بر جمال تو عیب / که مهربانی از آن طبع و خو نمی‌آید، است.

۴۵- گزینه «۲»

گزینه (۱): قبل از انجام کاری باید به سرانجام آن فکر کرد.
گزینه (۲): تا چه زمانی در این دنیا سرگردان باشم.
گزینه (۳): ساقی جوانمردی را در حق ما تمام کرد و از آغاز به پایان اندیشیده بود.
گزینه (۴): هر کسی فهمید که نهایت این دنیا فنا است، از همان ابتدا به پایان کار خود خواهد اندیشید.
تمام ابیات اشاره به اندیشیدن به سرانجام کار دارند مگر گزینه (۲).

۴۶- گزینه «۱»

گزینه (۱): روزگار رنج بسیار به من داده و مرا خونین دل کرد.
گزینه (۲): اگر رنگی به رخ دارم به خاطر رنگ شراب است که به دنبال خود خمار زردرویی دارم.
گزینه (۳): من ظاهر خود را با خون رنگین می‌کنم درحالی‌که از درون زردرویم.
گزینه (۴): پس از نوشیدن شراب خمار زردرویی در پی است.
شاعر در تمام گزینه‌ها اشاره به زردرویی خود دارد جز گزینه (۱).

۴۷- گزینه «۳»

گزینه (۱): در خدمت به پادشاه ممکن است پاداش بسیار بگیری، ولی از وجود خود مایه می‌گذاری.
گزینه (۲): اگر به خاطر کار خوبی که انجام می‌دهی نزد مردم سرزنش بشوی، بهتر از آن است که به خاطر کار بد تشویق کنی.
گزینه (۳): از کسی که بیشتر تو را می‌ستاید بیشتر انتظار داشته باش که زودتر تو را زمین بزند.
گزینه (۴): به خاطر هر پاداش کم، خدمت نکن، بمان تا کاری بزرگ پیش آید تا منفعت زیاد ببری.
۴۸- گزینه «۲» این تعریف در چهار مقاله درباره صاحب بن‌عباد آمده است.

معنی عبارت: صاحب بن‌عباد وزیر پادشاه بود و در نوشتن و سرودن دستی داشت. مذهب وی عدلی بود و بسیار دین‌دار و پرهیزگار بود.

۴۹- گزینه «۴» معنی عبارت: عقیده من آن است که پادشاهی در دنیا ارزش این که دیگران را آزرده کنی ندارد، چه آنکه حتی برای بدست آوردن آن کسی را بکشی. وقتی قرار است انسان بمیرد و هیچ چیز نمی‌تواند با خود ببرد (چرا باید حرص بخورد).



۵۰- گزینه «۱» برجاییم: تا زمانی که زنده هستم / زرق: تزویر، دورنگی / افتعال: جادوگری، نیرنگ / الحثف: مرگ
معنی عبارت: تا زمانی که زنده هستم به چالپوسی و ریاکاری مشغول نمی‌شوم، چراکه با جادوگری و نیرنگ مرگ بر نمی‌گردد. همانطور که گفته‌اند هنگامی که پیمانۀ عمر تمام شود، برای مرگ هیچ چاره‌ای نیست.

۵۱- گزینه «۱» درون‌مایه این داستان درباره کسی است که به آرزوی خود می‌رسد اما در نگهداری آن کوتاهی می‌کند و دچار پشیمانی می‌شود که هیچ سودی ندارد.

۵۲- گزینه «۲» منظور همه گزینه‌ها این است که این دو با هم نمی‌مانند و فایده ندارند. مثل سایه ابر و دوستی اشراق که زودگذر است. اما مفهوم گزینه (۲) این است که هیچ زیادی با فساد و دروغ پابرجا نمی‌ماند.

۵۳- گزینه «۳» معنی عبارت: قبل از آنکه دشمن به تو حمله کند، تو به او حمله کن.
تمام گزینه‌ها با این عبارت همخوانی دارند مگر در گزینه (۳) که می‌گوید قبل از آنکه مهلت مقرر به پایان رسد، مرگ در آن ناحیه وارد شده بود.

۵۴- گزینه «۴» معنی ضرب‌المثل: هر اسب دواننده در تنهایی شاد و خرسند است.

۵۵- گزینه «۱» معنی ضرب‌المثل: هنگامی که خیک به دوک نیاز پیدا کند، همانا نابود گردد (چون خیک اگر پاره شود دیگر به درد نمی‌خورد و نمی‌شود رخنه آن را با سوزن دوخت). در عربی این مثل را درباره بزرگی آوردند که به خردی نیازمند شود.

۵۶- گزینه «۲»

گزینه ۱: مانند نافه‌ای که از میان خون بوجود می‌آید ولی خوشبو است.

گزینه ۲: همیشه مانند پسته بدبختی خود را در پشت لبخند پنهان می‌کنم.

گزینه ۳: از داغ و آه درون که می‌توان اندکی درد و رنج را با آن التیام بخشید، چاره نیست.

گزینه ۴: از ناله‌ای که مریض در شب تاریک با آن اندک آرامشی پیدا می‌کند، راه فراری نیست.

در همه گزینه‌ها درباره درد و رنج درونی که با آهی از سینه بیرون می‌آید، صحبت شده است مگر در گزینه (۲) که درباره پنهان کردن درد و رنج پشت ظاهر خندان صحبت کرده است.

۵۷- گزینه «۳» معنی عبارت: هیچ چیز در دست ندارم (چیزی بدست نیاورده‌ام). این مفهوم با گزینه (۳) همخوانی دارد که می‌گوید مانند صفر هستم که تنها در جلوی اعداد می‌آیم و خودم چیزی در دست ندارم.

معنی عبارت: هنگامی که پادشاه در نیشابور حاضر شد و گروه‌های مختلف مردم از بزرگان و نیازمندان برای خدمت در نزد او حاضر شدند تا دادخواهی کنند و مشکل خود را با پادشاه در میان بگذارند، اما کسی به کار آنان رسیدگی نمی‌کرد و آن جمعیت آشفته و پریشان بودند. روزی جمعیت بر در خانه مجیرالملک جمع شدند و هرکسی درخواستی داشت. آنجا هرج و مرج شد. او از خانه بیرون آمد و گفت اعتراض شما درست است اما من نیز از روی دوراندیشی به کار آن دونان نمی‌پردازم و در رسیدگی به کارها و مخارج پادشاه مجالی برای رسیدگی به نامه‌ها و دادخواهی‌ها نمی‌ماند. چند روز است سلطان دستور داده است که مقدمات خوشگذرانی را آماده کنم و به کار دیگر نپردازیم. فرمانبرداری از امر سلطان واجب است و برآوردن نیاز نیازمندان هم لازم است. در این صحبت بودند که پیش‌قراولان از سپاه پنجاب رسیدند و خبر آوردند که لشکر مغولان ایشان را شکست داده و از رود رد شدند و در جلوی ایشان یمه و نوین و سبتای هستند.

۵۸- گزینه «۴» با توجه به خط آخر متن نیروی دفاعی شهر پنجاب سقوط کرد و مغولان توانستند از رود سند عبور کنند.

۵۹- گزینه «۱» دلمشغولی اصلی او امتثال امر سلطان در تدارک اسباب عیش و عشرت شاه بوده است.

۶۰- گزینه «۲» شاه در اواخر حکومت خود با حمله مغولان روبرو شد و زمانی که فهمید نمی‌تواند آنان را شکست بدهد، مستأصل شد و دل به لهو و لعب بست تا این سردرگمی خود را پنهان کند.

۶۱- گزینه «۳» معنی عبارت: این مهری که بر دل انسان زدند، نشانه مهر خداوند است. ای نگهبان بهشت (رضوان) و ای نگهبان جهنم (مالک) ای همه کروبیان و ای همه آفریدگان، این دل سوخته که مهر مهر من بر آن است را من خواهانم.
این عبارت اشاره دارد که مهر کردن چیزی برای بالا بردن و گرمی داشتن آن است.



۶۵- کدام گزینه غرض تشبیه به مشبه برمی‌گردد؟

- ۱) سرو آزاد به بالای تو می‌ماند راست
- ۲) نرگس ار لاف زد از شیوه چشم تو مرنج
- ۳) چو آواز رستم شب تیره ابر
- ۴) رعیت درخت است اگر پروری

۶۶- کدام گزینه از نظر بحر عروضی با بیت زیر مشترک است؟

شخصی به هزار غم گرفتارم در هر نفسی به جان رسد کارم

- ۱) دیر بماندم در این سرای گهن من
- ۲) بر جستن مراد دل ای مسکین
- ۳) ای کرده سرت خو به بی‌فساری
- ۴) بیار آن می که پنداری روان یاقوت نابستی

۶۷- کدام گزینه درباره رویکردهای سبک‌شناسی (متن‌بنیاد و بافت‌بنیاد) درست است؟

- ۱) منظور از متن، ساختارهای زبانی و غیرزبانی‌ای است که به‌طور نظام‌مند شکل ارتباط را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۲) شاخه‌های سبک‌شناسی کاربردی، سبک‌شناسی انتقادی و سبک‌شناسی فمینیستی گونه‌هایی از سبک‌شناسی متن‌مدار هستند.
- ۳) سبک‌شناسی دریافت یا رمزگشا که بر مدار فهم و درک خواننده می‌چرخد، ذیل رویکردهای بافت‌بنیاد قرار می‌گیرد.
- ۴) رویکردهایی که بنیاد زبان‌شناسیک دارند در شمار سبک‌شناسی بافت‌بنیاد قرار می‌گیرند؛ مانند سبک‌شناسی آماری، فرمالیستی و سبک‌شناسی ساختارگرا.

۶۸- تفاوت سبک نثر مرسل عالی با نثر فنی مرسل کدام است؟

- ۱) در نثر فنی مرسل، اسباب و اطناب ممل به گونه‌ای است که معنی را در برابر لفظ، سست و ضعیف می‌کند.
- ۲) در نثر فنی مرسل، مترادفات لفظی بیشتر است و هدف غایی نثر هنوز هم بیان معنی است و لغات دشوار و دور از ذهن در آن دیده نمی‌شود.
- ۳) در نثر فنی مرسل کاربرد صنایع لفظی به حدی است که معنی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و چه‌بسا معنی در صنایع لفظی و ارکان زینتی کلام گم شود.
- ۴) تنها تفاوت نثر فنی مرسل با نثر مرسل عالی، وجود لغات دشوار و دور از ذهن و التزام سجع در کلام است.

۶۹- کدام گزینه در باب سبک شعری جامی، صادق است؟

- ۱) در قصیده‌سرایی به شعر شاعران سلف چون خاقانی و انوری نظر داشت.
- ۲) به دلیل انتساب به طریقت نقش‌بندی، در شعر، منتقد نظریه وحدت وجود ابن‌عربی بود.
- ۳) به دو زبان ترکی و فارسی آثاری به نظم و نثر پرداخت و آثارش به سبک هندی نزدیک است.
- ۴) از شاعران و نویسندگان بزرگ عصر خود بود که در مثنوی از نظامی و در غزل از سبک حافظ تقلید می‌کرد.

۷۰- مهم‌ترین ابتکار عیوقی در منظومه ورقه و گلشاه، کدام است؟

- ۱) تلفیق منظومه عاشقانه و تعلیمی
- ۲) گنجاندن چند غزل در میان مثنوی
- ۳) انتخاب بحری غریب و کم‌سابقه در شعر فارسی
- ۴) گذاشتن اسامی فارسی برای شخصیت‌های عربی در داستان

۷۱- کدام بیت از نظر ساختار هنری (علم بیان) با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) آتشی کز دل شجر زاید
- ۲) عالم از جور مابه‌زای غم است
- ۳) غم ز دل زاد و خورد خون دلم
- ۴) ابله از چشم‌زخم کم‌رنج است

۷۲- در کتاب‌های بلاغی، بیت زیر را برای کدام‌یک از اغراض تشبیه شاهد مثال آورده‌اند؟

وان تفق الانام و انت منهم فان المسک بعض دم الغزال

- ۱) تقریر حال مشبه
- ۲) استطراف مشبه
- ۳) بیان حال مشبه
- ۴) بیان امکان مشبه



۷۳- غرض ثانویه، در کدام گزینه درست معین شده است؟

- ۱) بگشا بند قبا تا بگشاید دل من
 - ۲) دولت از مرغ همایون طلب و سایه او
 - ۳) دستم بگیر کز غم ایام خستهام
 - ۴) گنجشک بین که صحبت شاهینش آرزوست
- که گشادی که مرا بود ز ابروی تو بود (بیان آرزو)
زان که با زاغ و زغن شهپر دولت نبود (ارشاد)
نازم بکش که عاشقم و دلشکستهام (ترغیب مخاطب)
بیچاره بر هلاک تن خویشتن عجول (تحدیر)

۷۴- دلیل وصل در جمله‌های مصراع دوم بیت اول چیست؟

- ۱) اتحاد جمله از جهت خبر
 - ۲) بزرگی در آن فکرت آن شب بخت
 - ۳) اتحاد جمله از جهت آوردن چند مسند برای یک مسندالیه
 - ۴) اتحاد جمله از جهت آوردن چند مسندالیه برای یک مسند
- به خواب اندرش دید و پرسید و گفت
دمی بیش بر من سیاست نراند

۷۵- در کدام گزینه، دلیل فصل «کمال انقطاع» است؟

- ۱) ماجرای من و معشوق مرا پایان نیست
 - ۲) هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
 - ۳) رواق منظر چشم من آشیانه توست
 - ۴) خلوت دل نیست جای صحبت اصداد
- هرچه آغاز ندارد نپذیرد انجام
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
کرم نما و فرود آ که خانه خانه تست
دیو چو بیرون رود فرشته درآید

۷۶- در بیت زیر کدام دو واژه با هم ایهام تناسب ایجاد می‌کنند؟

- ۱) کف و کان
 - ۲) خور و کف
 - ۳) بخش و کان
 - ۴) آفتاب و بخش
- «زین پس کفش آفتاب بخشد
کاندر خور بخش، کان ندیدست»

۷۷- در کدام یک از بیت‌های زیر وجه شبه دوگانه (صنعت استخدام) دیده می‌شود؟

- ۱) در وفای عشق تو مشهور خوبانم چو شمع
 - ۲) روز و شب خوابم نمی‌آید به چشم غم‌پرست
 - ۳) گر کمیت اشک گلگونم نبودی گرمرو
 - ۴) در شب هجران مرا پروانه وصلی فرست
- شب‌نشین کوی سربازان و رندانم چو شمع
بس که در بیماری هجر تو گریانم چو شمع
کی شدی روشن به گیتی راز پنهانم چو شمع
ورنه از دردت جهانی را بسوزانم چو شمع

۷۸- اصطلاحات روایت‌شناسی داخل پرانتز، در کدام گزینه به تمامی از آن صاحب نظریه است؟

- ۱) ژنت (نظم، تداوم، کارکرد، بسامد، زنجیره روایی)
- ۲) پراپ (خویشکاری‌ها، اسطوره‌ن، پی‌رفت، فاعلیت)
- ۳) بارت (رخدادهای پایه و پیرو، نظم و تداوم، رمزگان‌های روایی)
- ۴) گِرماس (مربع معنایی، تقابل‌های دوتایی، کنشگران، کارکرد، زنجیره روایی)

۷۹- کدام اصطلاح، درست معنی شده است؟

- ۱) متن بسته، متنی است که خوانش آن مستلزم تعامل ذهنی و روحی خواننده با مؤلف آن است.
- ۲) متن خوانا، ابژه‌ای ناتمام است که با عمل خوانش خوانندگان نظام معنایی آن تکمیل می‌شود.
- ۳) متن نویسا، به دلیل تکرار فوق‌العاده آن هرگونه نقد یا تفسیری را که بخواهد کل متن را پوشش دهد، ناکام می‌گذارد.
- ۴) متن گشوده، متنی است که سوبه باطنی آن به سمت آثار پیش از خود باز می‌شود و کلیت آن در رابطه‌ای بینامتنی شکل می‌گیرد.

۸۰- با توجه به ابیات زیر، رویکرد اسدی توسی در مواجهه با شاهنامه فردوسی مطابق با نظریه اضطراب تأثیر هرولد بلوم در کدام واکنش روانی قابل تفسیر است؟

- ۱) نفی و انکار
 - ۲) پذیرش و نوآوری
 - ۳) اقتدار و نفی
 - ۴) تسلیم و سازش
- به شهنامه فردوسی نغزگوی
بسی یاد رزم یلان کرده بود
اگر رزم گرشاسب یاد آوری
که از پیش گویندگان برد گوی
از این داستان یاد ناورده بود
همی رزم رستم به باد آوری

۶۳- گزینه «۴» واژه‌نامهٔ مُنتَهَى الْأَرْبِ فی لغة العرب کتابی است جامع و اصیل که به دلیل انتخاب بهترین معادل‌های فارسی در برابر واژگان عربی و توانمندی در پاسخ‌گویی به نیازهای مترجمان در ترجمه متن‌های نظم و نثر کلاسیک عربی از ارزشمندترین واژه‌نامه‌های عربی به فارسی به شمار می‌رود و بیش از سایر واژه‌نامه‌های عربی به فارسی مورد توجه قرار گرفته است. در مقدمه لغتنامه دهخدا درباره کتاب منتهی‌الارب نوشته شده: این کتاب اکنون یکی از مناسب‌ترین و بزرگ‌ترین لغت‌نامه‌های عربی به فارسی در هندوستان و ایران به شمار می‌رود و مدارک عمده در کار تألیف فرهنگ ناظم‌الاطبا نفیسی در ایران و فرهنگ آندراج در هند بوده است.

۶۴- گزینه «۲» اگر در استعاره مصرحه ویژگی‌های مناسب با مستعارمنه ذکر شده باشد، استعاره مُرَشَّحَه نامیده می‌شود، زیرا در چنین استعاره‌ای، تشبیه به‌طور کامل کم‌رنگ و فراموش شده و همین امر، سبب تأکید و مبالغه بیشتر در استعاره است. در این بیت گلگون استعاره از اسب است و کلمات آبخور و صغیر از متعلقات آن هستند.

۶۵- گزینه «۴» هدف و خواست سخنور از تشبیه (اغراض تشبیه) گوناگون است. اغراض تشبیه، بیشتر عائد مشبّه و گاه عائد مشبّه‌به می‌شود. در بیت چهارم غرض از تشبیه به مشبه برمی‌گردد و هدف ستایش مشبه است: رعیت که عموماً در تقابل دوتایی ارباب رعیت سویه پایین و منفی تقابل را نمایندگی می‌کند در اینجا به درخت تشبیه شده که در صورت پرورده شدن موجب کامیابی دوستان است. غرض در اینجا ستایش مشبه است که به دو صورت تحقق می‌یابد: آراستن و یا بزرگداشت مشبه در نظر شنونده. در گزینه‌های یک و دو و سه به ترتیب در این گزینه‌ها سرو به قد یار، نرگس به چشم، ابر (غرش ابر) به آواز رستم تشبیه شده و غرض تشبیه به مشبه‌به برمی‌گردد.

۶۶- گزینه «۴» بیت مورد سؤال بر وزن مفعول مفاعیلن مفاعیلن (هزج مسدس اُخرَب مقبوض) است. یعنی بحر هزج. گزینه یک: مفتعلن فاعلاتن مفتعلن فع (منسرح مثنی مطوی منحور). گزینه دو: مفعول فاعلاتن مفاعیلن (مضارع مسدس اُخرَب مکفوف). گزینه سه: مفعول مفاعیل فاعلاتن (قریب مسدس اُخرَب مکفوف) گزینه چهار: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (هزج مثنی سالم)

۶۷- گزینه «۳» گزینه یک: اغلب رویکردهای گونه‌گون و ناهمخوان پاسااختارگرایی در شمار سبک‌شناسی بافت‌بنیاد هستند. تنها وجه مشترکی که این مکتب‌های متنوع نقد ادبی را در این مجموعه قرار می‌دهد تمرکز آن‌ها بر روابط میان متن و بافت است. بافت عبارت است از ساختارهای زبانی و غیرزبانی‌ای که به‌طور نظام‌مند شکل ارتباط را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. (نه متن) گزینه دو: سبک‌شناسی کاربردی، انتقادی و فمینیستی، گونه‌هایی از سبک‌شناسی بافت‌مدار هستند نه متن‌مدار. گزینه سه: اگر خواننده را نیز جزو عوامل بافتی به شمار بیاوریم رویکردهای خواننده‌بنیاد مانند سبک‌شناسی تأثیری، سبک‌شناسی خواندن و سبک‌شناسی دریافت یا سبک‌شناسی رمزگشا نیز در ذیل رویکردهای بافت‌بنیاد قرار می‌گیرند. (سبک‌شناسی دریافت بررسی سبک از منظر دریافت خوانندگان است که بر مدار فهم و درک خواننده می‌چرخد. گزینه چهار: سبک‌شناسی متن‌بنیاد عین متن را بررسی می‌کند. این رویکرد الگوهای زبانی خام یک متن ادبی مانند صورت‌های آوایی، واژگانی، دستوری و معنایی را شناسایی می‌کند، بی آنکه قصد داشته باشد این الگوها را با پیام و محتوای متن پیوند دهد. زبان‌شناسان به متون ادبی صرفاً به‌عنوان رخدادهای زبانی نگریستند و کاری به تفسیر کیفیت‌های ادبی و هنری متن نداشتند. تلقی آن‌ها این بود که تفسیر ادبی به درونمایه و ویژگی‌های هنری متن مربوط است و زبان‌شناسان را با این مسائل کاری نیست. به‌ویژه آنکه مفسران ادبی دل در گرو کشف قصد مؤلف دارند و این مسئله را به سختی می‌توان با عینیتی که زبان‌شناسی مدرن بر آن تأکید دارد، مرتبط دانست. خلاصه رویکردهایی که بنیاد زبانشناسیک دارند در شمار سبک‌شناسی متن‌مدار قرار می‌گیرند: مانند سبک‌شناسی آماری، سبک سنج، سبک‌شناسی فرمالیستی و سبک‌شناسی ساختارگرا.

۶۸- گزینه «۲» در نثر فارسی از نیمه دوم قرن پنجم مقدمات تحولی پدید آمد که از قرن ۶ سبک نثر را از مرسل به فنی مبدل ساخت؛ سبکی که تقریباً دو قرن ۶ و ۷ مختصات لفظی در حدی متعادل و متناسب در نثرنویسی مراعات می‌شد تا آنجا که نشان دهد هنر نویسندگی تنها در تعبیر بیان اغراض و معانی نیست بلکه مانند شعر جمال اسلوب را نیز در نظر دارد. آثار نثری این دوره به دو سبک تقسیم می‌شود: ۱- آثاری که در آن هنوز نثر فارسی پیوند خود را با اسلوب قبل نگسسته بود، در این سبک نیز دو شیوه متمایز می‌توان تشخیص داد: ۱- نثر مرسل عالی. ۲- نثر فنی مرسل: تفاوت آن با نثر مرسل عالی که مترادفات در آن بیشتر است، استعمال مفردات و ترکیبات عربی مانند سبک نخست محدود نیست. لغات دشوار در آن دیده نمی‌شود. تناسب آهنگ کلام نیز تا آن حد در نظر است که با بیان معنی مغایر نباشد و این ویژگی در کیفیت ترکیب کلام نهفته است. ۳- آثاری که التزام مسجع در آن نیست و سجع‌نویسی توأم با ارسال و اطلاق معنی است. گلستان و کلیله دمنه جزء این آثار هستند.

۶۹- گزینه «۴» جامی را پس از «حافظ شیرازی» بزرگ‌ترین شاعر آن زمان و خاتم شعرای پارسی‌گوی و به‌عبارتی «خاتم‌الشعرا» لقب داده‌اند. این لقب از آنجا برمی‌آید که شعر و نظم به سبک قدما و بزرگان خراسان و فارس و عراق پس از جامی رنگ باخت و برجیده شد و تا قرن سیزدهم هجری نیز، ستاره‌ای به درخشانی نورالدین عبدالرحمن، در آسمان ادب پارسی طلوع نکرد. جامی در هفت اورنگ که شامل هفت مثنوی است تحت‌تأثیر نظامی است و برخی از منظومه‌های هفت اورنگ مستقیماً به تقلید از خمسه نظامی سروده شده است. روش سرایش مثنوی را به گفته خویش از «نظامی» و «امیر خسرو دهلوی» وام گرفت. چنانچه در «خردنامه اسکندری» چنین از آن‌ها یاد می‌کند: «نظامی که استاد این فن وی است / در این بزمگه شمع روشن وی است // ز ویرانه گنجه شد گنج سنج / رسانید گنج هنر را به پنج». جامی در عرفان اسلامی به نظریهٔ وحدت وجود اعتقاد دارد و از ارادت‌مندان اهل بیت(ع) در میان طریقت نقش‌بندیده است که در این نظریه از ابن عربی پیروی می‌نماید. آثار جامی در فضای قدمای ادب پارسی سیر می‌کند و شباهتی با سبک هندی ندارد.



۷۰- گزینه «۲» و رُزقه و گلشاه منظومه عاشقانه‌ای است به زبان فارسی با بیش از دو هزار بیت در بحر متقارب. (بنابراین بحری کم سابقه نیست) این منظومه از نخستین منظومه‌های داستانی فارسی در سده چهارم و اوایل سده پنجم هجری است. این کتاب داستان دلدادگی ورقه پسر همام و گلشاه دختر هلال، فرزندان دو برادر و دو سالار قبیله بنی‌شبهه، به یکدیگر است. از ویژگی‌های ورقه و گلشاه عیوقی، غزل‌های کوتاهی است که در جای‌جای داستان، در میان قالب مثنوی، از زبان شخصیت‌های داستان بیان شده است. این غزل‌ها دارای زبانی نرم و اغلب گویای احساس عشق و یا حزن و اندوه شخصیت‌ها است.

۷۱- گزینه «۱» در گزینه‌های دو و سه و چهار از نظر صور خیال، دو مصراع نوعی رابطه با یکدیگر دارند که به اسلوب معادله تعبیر می‌شود. یعنی مصراع دوم توضیح یا همانندی یا مثالی برای مصراع اول است. در اسلوب معادله یا تمثیل، شاعر مطلبی را که در ذهن دارد، در یک مصراع بیان می‌کند و به کمک یک معادل‌سازی در مصراع دوم، سخن خود را برای خواننده و مخاطب خود، روشن و محسوس می‌کند و بدین‌گونه منظور خود را بهتر به مخاطب می‌رساند؛ یعنی برای اینکه مطلب خود را عینیت بخشد و آن را برای خواننده روشن‌تر و ملموس‌تر کند، با آوردن یک مصراع به‌عنوان معادل برای مصراع اول، به گونه‌ای آن را تفسیر کرده و به درک بهتر آن کمک می‌کند. در گزینه یک چنین معادله‌ای وجود ندارد و حکمی که می‌کند از دو مصراع مستفاد می‌شود، نه یک مصراع به‌عنوان حکم کلی و یک مصراع به‌عنوان مثال یا توضیح. طعمه‌ای آتشی که از دل درخت زاده می‌شود، هزار ریشه درخت است.

۷۲- گزینه «۴» هدف و خواست سخنور از تشبیه (اغراض تشبیه) گوناگون است؛ مانند: بیان امکان مشبه، بیان حال او یا میزان شدت و ضعف صفت در آن، ستایش یا نکوهش مشبه، برتری دادن مشبه بر مشبه‌به و نشان دادن اهمیت مشبه‌به و دلیل دل‌بستگی و یا نیاز به آن. اغراض تشبیه، بیشتر عائد مشبه و گاه عائد مشبه‌به می‌شود. اغراض عائد مشبه:

اثبات مشبه یا بیان امکان مشبه: یعنی، وجود مشبه را که در عالم واقع ممتنع است، با استدلالی شاعرانه اثبات کنند. چنانکه عنصری به قصد اثبات این مدعا که ممدوح او (= مشبه) فراتر از جنس مردم است، او را به یاقوت تشبیه می‌کند تا بگوید که از جنس مردم بودن ممدوح او مثل از جنس سنگ بودن یاقوت است: تو ای شاه از زجنس مردمانی / بود یاقوت نیز از جنس احجار.

بیان حال مشبه: یعنی، حال (صفت) مشبه را در قیاس با حال مشبه‌به که آشکار و روشن است، آشکار سازند، چنانکه در بیت «دل از وداع رفیقان چو دیگ بر آتش / تن از غریو عزیزان چو مرغ در مضراب»، حال دل سوزان (مشبه) در قیاس با دیگ بر آتش (مشبه‌به) و حال تن نالان (مشبه) در قیاس با مرغ در مضراب (دام) آشکار می‌گردد.

بیان مقدار حال مشبه: یعنی شدت و ضعف و زیاده و نقصان حال مشبه را در قیاس با مشبه‌به نشان دهند، چنانکه کمال‌الدین اسماعیل شدت پوشیدگی کوه‌ها از برف (مشبه) را به پوشیدگی پنبه‌دانه در پنبه (مشبه‌به) مانند کرده است.

تبیین حال مشبه: یعنی، صفت مبهم مشبه معقول را از طریق تشبیه آن به امری محسوس روشن سازند، مثل تشبیه «سعی بی‌فایده» (مشبه معقول) به «نوشتن بر آب» (مشبه‌به محسوس). تشبیه تبیین‌کننده حال مشبه، بیشتر به طریق تمثیل صورت می‌پذیرد.

ستایش مشبه: که به دو صورت تحقق می‌یابد: آراستن مشبه در نظر شنونده، به‌ویژه آنجا که انکاری در کار است، مثل تشبیه لیلی سیاه چرده به مُشک از قول مجنون با تأکید بر این معنا که گرانی مُشک به سبب سیاهی آن است و بزرگداشت مشبه در نظر شنونده، مثل تشبیه ممدوح به خورشید و تشبیه شاهان دیگر به ستارگان و سنجش این دو با یکدیگر و چنین نتیجه گرفتن که چون خورشید برآید، ستارگان ناپدید شوند.

نکوهش مشبه: با هدف زشت ساختن آن در نظر شنونده و بیزار کردن شنونده از او، مثل تشبیه زبر بغل بویناک شخص کره‌المنظر به مردار در آفتاب مرداد. تازگی تشبیه (استطراف): یعنی، مشبه را به‌صورت امری درآوردند که هرچند عقلاً ممکن است، عادتاً ممتنع نماید و بدین ترتیب به مشبه تازگی بخشند، مثل تشبیه شراب در ساغر شیشه‌ای (مشبه) به آتش سیال در آب منجمد (مشبه‌به) در سخن انوری: «ساغرش پربادۀ رنگین چنان آید به چشم / کز میان آب روشن برفروزی آذری // آتش سیال دیدستی در آب منجمد / گر ندیدستی بخواه از ساقیانش ساغری». تازگی مشبه بر اساس نادرالاحضور بودن مشبه‌به در ذهن توجیه می‌شود.

۷۳- گزینه «۲» در تمام گزینه‌ها منظور سؤال این است که غرض ثانویه از امر چیست. چراکه تمام جملات انشایی‌اند و از مقوله امری. بنابراین به دنبال غرض از امر هستیم. غرض از امر نیز در کتب بلاغی متعدد و بسیار متنوع و متفاوت است: در این کتب، اغراض ثانوی فعل امر از قبیل «عبرت، دعا، تمنی و تقاضا و آرزو، ارشاد و ترغیب و تشویق، تهدید و تحذیر، تعجیز، تعریض، تسویّه و تخیر، اذن و اجازه، تعجب، استهزاء و تحقیر، استرحام و نهی و...» در نظر گرفته شده. در گزینه یک به نظر می‌رسد با ترغیب و تشویق روبرو هستیم. در گزینه دو سیاق عبارت طوری است که معنای ارشاد و نصیحت مستفاد می‌شود. از گزینه سه معنای ای چون استرحام و تمنی و آرزو مراد می‌شود نه ترغیب مخاطب. از گزینه چهار نیز معنای عبرت و ارشاد به گوش می‌رسد.

۷۴- گزینه «۱» یکی از موارد وصل هنگامی است که دو جمله از جهت خبر یا انشاء با یکدیگر یکسان باشند. در این مثال به خواب اندرش دید و پرسید و گفت، دو فعل بعدی (پرسید و گفت) به جهت اتحاد در خبری بودن به جمله اول معطوف یا وصل شده‌اند.

۷۵- گزینه «۳» از مواضع فصل یعنی معطوف نبودن جملات، کمال انقطاع است. از مصادیق کمال انقطاع نیز عدم تناسب در خبر و انشاء است و اینکه دو جمله هیچ ارتباطی با هم ندارند. در مصراع اول جمله خبری است و در مصراع دوم جمله امری (انشایی).

۷۶- گزینه «۴» در ایهام تناسب ابتدا باید به دنبال کلمه‌ای با دو معنی بگردیم (ایهام) سپس یکی از معانی آن را با یکی از کلمات داخل متن مطابقت دهیم. یکی از معانی بخش در مصراع دوم بخشش و بخشیدن مثلاً مال و... است. بخش در معنای دوم خود یعنی برج فلکی با آفتاب ایهام تناسب دارد.

۷۷- گزینه «۳» در بیت سوم کلمه روشن هم به راز اشاره دارد هم به شمع. روشن بودن وجه شبه است و هم برای راز پنهان استفاده شده و هم برای شمع (استخدام)

۷۸- گزینه «۴» در مورد گزینه‌های یک و چهار: ژنت: ژرار ژنت (زاده ۱۹۳۰، پاریس - درگذشته ۱۱ مه ۲۰۱۸) نظریه‌پرداز ادبی و نشانه‌شناس فرانسوی بود. عمده شهرت و تأثیرگذاری او به مطالعه ساختارگرایانه از روایت برمی‌گردد که یکی از جامع‌ترین چارچوب‌های تحلیل متون روایی را ارائه می‌دهد. ژنت با پشتوانه فکری از دو حوزه ادبی صورت‌گرایان روس و ساختارگرایان فرانسوی نظریه ادبی خود را با عنوان روایت‌شناسی بنیان نهاده است. در نظریه روایت‌شناسی ژنت، اهم مطالب شامل تمایز داستان و روایت، سطوح گفتمان (مفهوم زمان و زیرشاخه‌های آن، وجه و لحن) و بینامتنیت است که به شکلی گسترده و با جزئیات قابل توجه به آن پرداخته است. نظریه روایت‌شناسی ژنت به‌طور قابل ملاحظه‌ای دانش و اندوخته‌های مخاطب را در مورد وجوه روایت و نظام زمان افزایش می‌دهد. ژرار ژنت در نظریه خود متأثر از رویکرد زبان‌شناسی فردینان دوسوسور بوده و در حوزه بینامتنیت از آرای یولیا کریستوا و رولان بارت بهره‌مند گردیده است. ژنت پنج مقوله محوری را که عناصر روایت به شمار می‌آیند، برای تحلیل قصه تمییز می‌دهد که عبارت‌اند از نظم، تداوم، بسامد، وجه و لحن. **گریماس**: اصطلاح زنجیره روایی مربوط به گریماس است. روایت‌شناسی به دنبال طبقه‌بندی همه روایات در یک نوع واحد است. گریماس یکی از این نظریه‌پردازان است که با کاستن از تعداد کنشگرهای الگوی پراپ سعی داشت الگویی فراگیر برای تمام روایات ارائه دهد. گریماس ساختار روایت را بسیار شبیه به ساخت گرامری و دستورزبان می‌داند. در واقع، «آنچه برای گریماس حائز اهمیت است، دستور زیربنایی و سازنده روایت‌هاست، نه متن‌های منفرد. یک زنجیره روایی از طریق دو کنشگر که ارتباط آن‌ها کنش‌های اساسی را پدید می‌آورد، به تقابل‌های دوگانه اجازه حضور می‌دهد». نظریه ساختاری گریماس را با توجه به الگوی کنشگرها و تقابل‌های دوگانه و الگوی نحوی (زنجیره میثاقی، اجرایی و انفصالی) می‌توان بررسی کرد. گریماس یکی از روایت‌شناسانی است که با ارائه الگوی کنشی، تحلیل و شناخت روایت را آسان‌تر کرده است. گریماس با ساده کردن الگوی تحلیل قصه پراپ، نشان داد که همه عناصر تشکیل‌دهنده قصه، قابل تجزیه و تحلیل و دارای نقش مؤثرند. این کنش‌گرها ممکن است، اشیاء، مفاهیم یا اشخاص باشند. گریماس، در درک نحو روایی و تولید معنا کوشش‌های فراوانی کرده و در نهایت به الگوهایی برای تعریف داستان، روایت و معنا رسیده است. دو نمونه از این الگوها، الگوی نحو روایی و الگوی مربع معنایی است. در مورد گزینه دو: پراپ: ولادیمیر پراپ، محقق فرمالیست و روس‌تبار می‌باشد. مهم‌ترین اثر پراپ، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان است. او در این اثر به ریخت‌شناسی قصه‌های پریان پرداخته و به‌جای طبقه‌بندی افسانه‌ها براساس شخصیت‌ها یا مضمون آن‌ها قصه‌ها را با توجه به عملکردهای نمایشی آن تقسیم‌بندی کرده است. ولادیمیر پراپ متوجه شد تمام قصه‌های عامیانه دنیا از چند الگوی مشترک پیروی می‌کنند. وی به واسطه ارائه تجزیه و تحلیل‌های ساخت‌گرایانه‌اش از قصه‌های عامیانه روسیه و تفکیک سی و یک کارکرد (Function) ویژه در بین همه این قصص، در نهایت به هفت شخصیت بنیادی (dramatis personae) پی می‌برد: قهرمان، خبیث، جستجوگر، یاری رسان، ضد قهرمان، شاهزاده. پراپ دریافته بود که اگر قصه‌های عامیانه و پریان روسی را به‌دقت بررسی کنیم عملاً یک داستان بنیادین و مشابه را در تمامی آن‌ها می‌یابیم. اما چگونه؟ پراپ با مذاقه در کنش‌گرها (actors) و کارکردها (Functions) این مشکل را حل می‌کند. پی‌رفت اصطلاح تودوروف است نه پراپ. یکی از عمده‌ترین اجزای نقد یک داستان در الگوی روایتی تودوروف، پی‌رفت‌های آن و یکی از کارکردی‌ترین عوامل مؤثر انسجام نظام‌مندی این شبکه است. در مورد گزینه سه: نظم و تداوم چنانکه در سطور بالا ذکر شد مربوط به ژنت است. **بارت**: مفهوم رمزگان‌های روایی را مطرح کرد و رخدادها را به دو دسته پایه و پیرو تقسیم نمود و گفت که رخدادهای پایه (هسته) برای پیرنگ ضروری‌اند و نمی‌توانند حذف شوند اما رخدادهای پیرو (کاتالیزورها) ساختار روایی را پر می‌کنند و در پیشبرد پیرنگ نقشی ندارند.

۷۹- گزینه «۳» متن ساختاری است متشکل از عناصر معنادار. این ساختار مشتمل است بر (۱) عناصر معنادار، (۲) وحدت این عناصر، و (۳) تجلی این وحدت. متن می‌تواند گشوده، یا بسته باشد. متن گشوده از این حیث گشوده است که درون‌مایه، ساختار و زبان آن پیچیده، مبهم و آزاد است. متن بسته محدودیت‌های روشن و صریحی در راه تفاسیر ممکن خواننده ایجاد می‌کند. در مورد متن بسته مؤلف نظامی ثابت، کامل، بدون ابهام و بدون اشاره‌های تلویحی ایجاد می‌کند که امکان هرگونه خوانش گشوده را از بین می‌برد. متن نویسا با متن خوانا متمایز است. متن نویسا، متنی متکثر است. یک ساختار نیست، بلکه نوعی ساختاردهی است که در آن، خواننده دیگر مصرف‌کننده نیست، بلکه مولد متن است. اما متن خوانا آزردهی تمام شده است. محصول است نه فرایند تولید. لازمه‌ی اصلی متن خوانا، کامل بودن آن است. متن خوانا می‌کوشد تا کامل و غنی باشد. در این مورد باید به مفهوم مورد توجه بارت از تفاوت اثر و متن توجه نمود. متن معناگزار است و اثر معناساز. متن معناگزار، پیام شناخته و پیشینی را گزارش می‌کند و از خواننده چیزی جز خواندن نمی‌طلبد، پس خوانا است؛ اما اثر معناساز، تأثیرگذار است، نویسا است؛ مفاهیم تازه‌ای می‌سازد و آن‌ها را در خود پنهان می‌کند. خواننده را به کشف و ساختن آن معانی می‌کشانند. در این بازی پنهان و آشکار، خواننده را به یافتن و حتی ساختن معنی برمی‌انگیزد و تقاضای نوشتن می‌کند.

۸۰- گزینه «۲» در نظریه اضطراب تأثیر هارولد بلوم هر شاعر و نویسنده پدیری ادبی دارد که خواه ناخواه تحت‌تأثیر اوست و این تأثیر، اضطرابی در او به وجود می‌آورد که به‌واسطه آن به طرزی خلاقانه به دنبال راهی می‌گردد تا خود را از زیر فشار سلف خود خارج کند و آنگاه اثرش را از بیرون بنا نهد. براساس نظریه بلوم همواره میان شاعر متأخر و متقدم یک رابطه دیالکتیک ستیزه‌جویانه وجود دارد که منجر می‌شود شاعر متأخر به دنبال راهی باشد تا از بزرگی و اقتدار شاعر متقدم بکاهد و بر آن چیره شود. به این دلیل دست به یک نوع سوء تفسیر و یا بدخوانی خلاقانه می‌زند که او را از تسلط مستقیم شاعر متقدم برهاند. بلوم سه گذرگاه شعری شامل شش میزان بازنگران را مطرح می‌کند و بر این باور است که نویسنده باید از آن‌ها بگذرد تا به بدخوانی خلاق و در نهایت برتری و والایی نسبت به گذشتگان برسد. این سه مرحله عبارت هستند از: (۱) مرحله تدافعی / عقب‌نشینی که طی آن نویسنده با انحراف لجوجانه از تأثیر شاعر متقدم دست به آفرینش مجازهای جبرانی می‌زند و سطوح ماقبل را در هم می‌شکند؛ (۲) مرحله الوهیت‌زدایی که در آن شاعر بر این باور است که نسبت به شاعر گذشته بلندمرتبه‌تر است پس با دوباره به هم چسباندن سطوح به خلق سطحی جدید می‌پردازد؛ (۳) در مرحله سوم که بلوم آن را بازگشت مرده می‌نامد، شاعر گذشته در دیدگاه شاعر جوان نیست نمی‌شود، بلکه بازمی‌گردد اما در مقام شاعر جوان شاعر جوان.